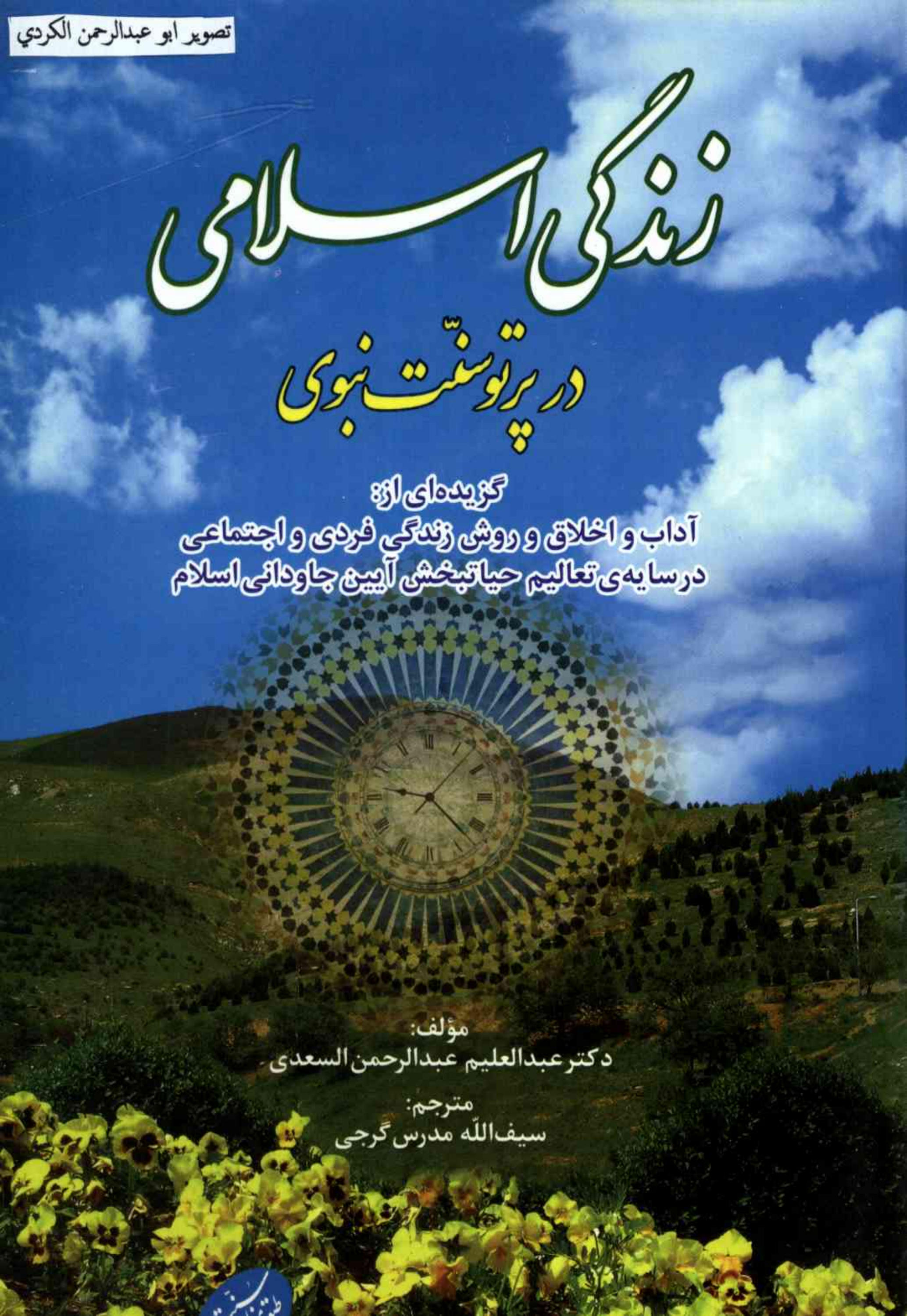


زندگی اسلامی

در پرتو سنّت نبوی

گزیده‌ای از:
آداب و اخلاق و روش زندگی فردی و اجتماعی
درسایه‌ی تعالیم حیاتبخش آیین جاودانی اسلام

مؤلف:
دکتر عبدالعلیم عبدالرحمن السعدی

مترجم:
سیف‌الله مدرس گرجی

بسم الله الرحمن الرحیم

زندگی اسلامی

در پرتو سنت نبوی

زندگی اسلامی

در پرتو سنت نبوی

گزیده‌ای از آداب و اخلاق و روش زندگی فردی و اجتماعی
در سایه‌ی تعالیم حیاتبخش آیین جاودانی اسلام

مؤلف:
دکتر عبدالعلیم عبدالرحمن السعدی

مترجم:
سیف الله مدرس گرجی

انتشارات کردستان
سنندج

سرشناسه:	سعدی، عبدالعلیم عبدالرحمن Sadi, Abd al - Alim Abd al - Rahman
عنوان و نام پدیدآور:	زندگی اسلامی در پرتو سنت نبوی: گزیده ای از آداب و اخلاق و روش زندگی فردی و اجتماعی در سایه تعالیم حیاتبخش آیین جاودانی اسلام/ تالیف عبدالعلیم‌عبدالرحمن سعدی؛ ترجمه سیف‌الله مدرس‌گرجی.
وضعیت ویراست:	ویراست ۲
مشخصات نشر:	سنندج:کردستان، ۱۳۸۷ .
مشخصات ظاهری:	۱٤۰ص.
شابک:	۷ - ۰۰۷ - ۹۸۰ - ۹٦٤ - ۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی:	فیپا
یادداشت:	ویراست اول این کتاب تحت عنوان منظره زندگی: "گزیده‌ای از آداب واخلاق و روش زندگی فردی واجتماعی..." توسط انتشارات کردستان در سال ۱۳۷۷ با ترجمه سیف‌الله مدرس‌گرجی منتشر شده است.
یادداشت:	چاپ قبلی:کردستان، ۱۳۷۷(۱۲۸ص)
یادداشت:	چاپ دوم
یادداشت:	کتابنامه به صورت زیرنویس.
عنوان قراردادی:	آدابک ایهاالمسلم: أدب‌المسلم فی ضوءالکتاب والسنه. فارسی
موضوع:	محمد (ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت ـ ۱۱ق. ـ احادیث
موضوع:	Muhammad, Prophet, d. 632-- Hadiths
موضوع:	راه و رسم زندگی (اسلام)
موضوع:	اخلاق اسلامی
موضوع:	اسلام -- مسائل متفرقه
شناسه افزوده:	مدرس گرجی، سیف‌الله، ۱۳۱۹ - ، مترجم
رده بندی کنگره:	BP۲۵۸/س۷آ٤۰٤۱ ۱۳۸۷
رده بندی دیویی:	۲۹۷/۷۲
شماره کتابشناسی ملی:	۱۳۳۱۸۲۱

انتشارات کردستان
Kurdistan Publication
سنندج - پاساژعزتی - تلفن: ۲۲۶۵۳۸۲

زندگی اسلامی در پرتو سنت نبوی

✓ نام کتاب:	زندگی اسلامی
✓ مؤلّف:	دکتر عبدالعلیم عبدالرحمن السعدی
✓ مترجم:	سیف الله مدرس گرجی
✓ نوبت چاپ:	دوم: ۱۳۸۸
✓ تیراژ:	۳۰۰۰ جلد
✓ تعداد صفحه و قطع:	۱۴۴ صفحه‌ی رقعی
✓ ناشر:	انتشارات کردستان

قیمت:	شابک: ۰ – ۰۵۳ – ۹۸۰ – ۹۶۴ – ۹۷۸
۱۸۰۰ تومان	ISBN: 978 - 964 - 980 - 053 - 0

« این رَوا وان ناروا دانی و لیک
خود روا یا نارواییی بین تو نیک »

«جلال الدّین مولوی»

فهرست مطالب

مقدمه‌ی مترجم ۱۱
مقدمه‌ی مؤلّف ۱۷
سر آغاز ۱۸
نیّت و ارزش آن در کارها ۱۹
مفهوم نیّت و تأثیر آن در عمل ۲۱
گاهی نیّت شخص از عمل او مهم‌تر است ۲۲
دعاها و آداب آن‌ها ۲۴
دُعاهایی چند از قرآن کریم ۲۷
نمونه‌ی دعاهای مأثوره از پیامبر اکرم« ۳۲
آداب تلاوت قرآن کریم ۳۶
حقوق الهی و وظایف ما نسبت به آن‌ها ۴۳
محبّت خدا و رسول ۴۶
فضیلت علم و علما ۴۹
مسؤولیت علما در برابر خدا ۵۷
علمای بد ۵۸
وظیفه‌ی آگاهان و اوصاف شایسته‌ی آنان ۵۹

آداب شاگرد و استاد ۶۰
۱. وظایف شاگرد نسبت به استاد ۶۰
وظایف و رفتار شاگرد در ایّام تحصیل ۶۲
۲. مهم‌ترین اخلاق و خصایلی که یک معلّم باید داشته باشد ۶۳
اخلاق و ویژگی‌های یک معلّم خوب ۶۳
ادب نفس (توجه به خویشتن خویش) ۶۵
رفتار با دیگران ۶۸
رفتار مسلمانان با همدیگر ۶۹
رفتار با غیر مسلمانان ۷۴
رفتار با پدر و مادر ۷۵
رفتار با فرزندان ۷۹
رفتار با نزدیکان و خویشاوندان ۸۲
وظایف زن و شوهر نسبت به همدیگر ۸۶
رفتار با همسایه ۹۲
رفتار با حیوانات ۹۶
آداب و روش شرکت در مجالس ۹۸
آداب شرکت در مهمانی ۱۰۲
آداب غذا خوردن ۱۰۴
چند نکته مهم ۱۰۹
آداب نوشیدن ۱۰۹
آداب سلام و احوال‌پرسی ۱۰۹
آداب اجازه گرفتن ۱۱۴
آداب سفر ۱۱۵
آداب لباس پوشیدن ۱۱۹

آداب خواب ۱۲۲
آداب عیادت بیماران ۱۲۴
آداب تعزیه (عزاداری) ۱۲۵
برخی از بدعت‌های ناروا و زاید در مراسم عزاداری ۱۲۶
آن‌چه مربوط به تشمیت عاطس و خمیازه است ۱۲۸
آداب امر به معروف و نهی از منکر ۱۲۸
آداب اهل تهجد ۱۲۹
آداب طهارت ۱۲۹
آداب وضو ۱۳۰
آداب ورود به مسجد ۱۳۱
آداب و سنن نماز ۱۳۱
آداب نماز جمعه ۱۳۲
آداب زکات ۱۳۴
آداب روزه ۱۳۶
آداب حج ۱۳۷
آداب عروسی ۱۳۷
آداب تجارت و معامله ۱۳۸
آداب زمان بیماری ۱۴۰
پایان مقال در آداب اجتماعی ۱۴۱

به نام خداوند بخشنده‌ی پوزش پذیر

مقدمه‌ی مترجم

آن را که دل از عشق پــر آتش بــاشد
هر قصه که گوید، هــمه دلکش بــاشد
تو قصّه‌ی عاشقان هــمی کــم شــنوی!
بشنو، بشنو که قصّه‌شان خوش بــاشد
«شیخ نجم الّدین رازی»

سرور کاینات حضرت محمّد مصطفی ﷺ، برگزیده‌ی حق، بهتر و والاترِ پیام آوران حق، نستوهِ آخر زمان و دلسوخته‌تر از دلسوختگانِ دوران، آنگاه که ناباوری‌های انسان‌ها نسبت به هدایت خدا و رسولش، دل او را می‌آزرد و دردمندانه سر می‌داد: الهی گویم این راه است و آن چاه، امّا این بندگان تـو دوان دوان چاه گمراهی در پیش گیرند! الهی، تابی و توانی، بینش و بیانی. حقّ ـجلّ و علاـ فرمود:

﴿فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ عَلَىٰ آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهَٰذَا الْحَدِيثِ أَسَفاً﴾.[1]

«نزدیک است خویشتن را در پی ایشان، از غم و خشم این‌که به این کلام ایمان نمی‌آورند، هلاک سازی».

---

۱. الکهف؛ ۶.

آیا این دلسوخته‌ی عاشقِ حق، چه می‌خواست که چنین مایه‌ی رنجش او را فراهم می‌کردند؟! جز این که «سعادت» و «توفیق»، رفیق حرف شنوان و آرزوی این‌که همه از «صراط مستقیم» به‌دور نیفتند.

به راستی خاصانِ حق، جان‌فدایی‌ها و بذل کوشش‌ها کردند تا ره یافتگان راه را یافتند و به سر منزل مقصود رسیدند، امّا، ما، ماندیم و دنیایی از دگرگونی‌ها، عشق را با هوس آمیختیم! ارادت را در حدّ میل و اراده‌ی شخصی خود تنزّل دادیم! توفیق در تلاش‌های مذبوحانه را، سعادت نام دادیم و آیات روشن حق را نقش دیوار نموده، خود به آن‌ها پشت کردیم!

افسوس که ما عاقبت اندیش نه‌ایم　　داریم لباس فقر و درویش نه‌ایم
این کبر و بَطَر جمله از آنست که ما　　قانع به‌نصیب و قسمت خویش نه‌ایم

«باستانی پاریزی»

عاشقان حق، به‌حق، حقّ مطلب را اداکرده، ندای «خود را بشناس» را به دشت و دَر، دردادند لیک ما، گوش قبول نداشتیم، جسورانه، مدّعی وار، اِسائه‌ی ادب کرده که:

من گوش استماع ندارم، لِمَنْ یقول؟ «سعدی» جای تعجّب نیست، «مَنْ» مورد نظر حق و رسولش، «مَن واقعی» بود، نه آن‌چه که منش نام نهادیم، «من خودساخته» «مایی» به فرسنگ‌ها دور از آن‌چه که می‌بایست باشیم، دنیایی پر از ادّعاها، اشکال‌تراشی‌ها، توقّع‌های بی‌جا، نافرمانی‌ها و آن‌گاه انتظار توفیق!

ما، با مَیْ و مستی سر تقویٰ داریم　　دنیا طلبیم و میل به عقبیٰ داریم

«ابوسعید ابوالخیر»

از واقعیت‌ها، دورمانده، به هیچ جا نرسیده، که حال و احوال روندگان طریقت و گذشتگان سراپا موفقیت را، نه می‌شناسیم و نه باور داریم، حقیقت

از دست رفته، یار از دست داده، با دنیایی از «خلأ» امّا سری پُر از «سودا»، «ره می‌رویم» و صد البته «دیده به رهبر نمی‌رسد»!

شبی پیش خدا بگریستم زار — مسلمانان چرا زارند و خوارند؟
ندا آمد: نمی‌دانی که این قوم — دلی دارند و محبوبی ندارند!

«اقبال»

اکنون به لطف حق، دلی هست، شکرانه‌اش بیایید به دلدار پیوندیم که جز آن، ستم بر خویشتن است.

«اَلْقَلْبُ حَرَمُ اللّٰهِ فَلا تُسْكِنْ حَرَمَ اللّٰهِ غَيْرَ اللّٰهِ» *«جعفر صادق ﷺ»*

غیر، در دل مَهِل که راه کند — که چو ایزد در او نگاه کند
اگر از دیگری اثری یابد — روی صلح از دل تو برتابد

«شیخ اوحد الّدین مراغه‌ای»

بیایید، ارادتی بیاوریم تا سعادتی ببریم، مُریدانه، خواهان خوش‌بختی دو دنیا، دُرهای یک‌دانه‌ی «وحیِ» ذات یگانه و سخنان گهربار آن محبوب جانانه را آویزه گوش هوش کنیم، همچون آن پیشینیان شایسته.

رحم اللّٰه معشرَ الماضین — که به مردی قدم سپردندی
راحت جان بندگان خدای — راحت جان خود شمردندی

«سعدی»

در پی مقصود برآییم، نه دل و دین دهیم به معشوقگان خوش آب و رنگِ خالی از فرهنگ و نه فریفته‌ی بافته‌های سراپا رَیب و رنگ، به‌دور از حق و حقیقتِ این و آن گردیم، نه با مطالعه یا مشاهده‌ی حالی و احوالی پر از تظاهر و آکنده از عناد، با گذشته و گذشتگان، سرِ جنگ داشته باشیم. بیاییم حق را از باطل باز شناسیم و گوش به پیام الهی دهیم که فرمود:

﴿الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَ أُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ﴾.[۱]

«آنان که به سخن گوش فرا می‌دارند و آن‌گاه، از زیباترین و نیکوترین آن پیروی می‌کنند، آنان کسانی هستند که خدا هدایتشان بخشیده است و اینان واقعاً خردمندند».

هدایت یافتگان و خردمندان آن‌هایی هستند که سخن نیوشند و نیکو عمل؛ محقّقانه و مسلّح به آگاهی و ایمان و علم و عمل، در پی نجات خویش و همنوعان برآیند.

مسلمانی که داند رمز دین را / نَساید پیش غیر اللّٰه جبین را
اگر گردون به کام او نگردد / به کام خود گرداند زمین را

«اقبال»

عزیز خواننده، آن‌چه که توفیق ترجمه‌اش را یافته‌ام، چکیده‌ای از این آیات گُهربار و احادیث ناب حضرت ختمی مرتبتﷺ است، مؤلف گران‌قدر، استاد عبدالعلیم عبدالرحمن السّعدی ـ خدایش سعادتمند دارین کناد ـ آن را از ده‌ها منابع گِرد کرده بر سر و روی شما نثار می‌نماید؛ پذیرا شوید، مبارک و مبارکتان باد.

به دقت بنگریم، با ارادت و با اعتقاد، دیدگان حق بینانه، الگویمان «اُسوه‌ی حسنه» باشد؛ نکند اهل مشقت باشیم! روشنفکر مآبی را کنار بگذاریم، خُرافه‌ها را دور بریزیم، با نگرش درست، دور از عُقده و غرض، بدانیم، طبیب ازلی حق در شناخت بیمار و بیماری، مهارت همیشگی دارد، بپذیریم که حبیب حق، برگزیده‌ی دو عالم، درمان‌دهی متخصّص از بارگاه

---

۱. الزمر؛ ۱۸.

لایزالی، با عنایتی همه‌گیر، دلسوزانه، سخت‌کوشانه، ما را راه‌یابی می‌کند، اگر موارد اثبات شده به عقل نسبی و اندکمان را قبول داریم، دیگر موارد را که گاهی به ذهن نقّادکوته اندیشمان «جای امّا» دارد، تعبّدی و عارفانه، پذیرا شویم و بدانیم.

هرچه هست از قامت ناساز بی اندام ماست
ورنه تشریف «حق» بر بالای کس کوتاه نیست

به یاد آوریم که اگر یکایک افراد جامعه، توفیق پذیرش و عمل آن دستورات را داشته باشند، امّت واحده‌ی متشکّل از آن «آحادِ ره یافته» و مُرید و منضبط، آگاه و عارف، چگونه جامعه‌ای را تشکیل خواهند داد؟

باز هم بیندیشیم، منصفانه قضاوت کنیم اگر فقط این پیام و فقط همین پیام را به سمع قبول بشنویم.

هر بد که به خود نمی‌پسندی　　با کس مکن ای برادر من

«سعدی»

و همه باهم به حق، نه تعارفی و از باب تظاهر «این‌طور» بودیم. اگر حق‌های به زور گرفتنی، «دادنی» بودند که در اصل چنین بود، اگر ادای وظایف و تکالیف دیگران راکه به نفع دین و دنیاست، به شوخی نمی‌گرفتیم، اگر در چهار چوب راه و رسمِ دارنده‌ی «برترین خُلق و خوی انسانی» حضرت مصطفی ﷺ می‌ماندیم، و به درِ این و آن پناه نمی‌بردیم و با کوله باری از یأس و شرمندگی برگردیم و «اگرهای» دیگر؛ آیا چنین بودیم؟!

یقین دانم که روزی حضرت او　　ترازویی نهد این کاخ و کور
از آن ترسم که فردای قیامت　　نه ما را سازگار آید، نه او را

«اقبال»

بیایید عزیزان، بوره سوته دلان، بیشتر بیندیشیم، بخوانیم و سعی کنیم بدانیم و خوب هم بدانیم و از دانسته‌های خوب خود و دیگران بهره‌ها گیریم تا در خور فضل و رحمت الهی گردیم.

﴿إِنَّ رَحْمَةَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ﴾.[1]

سیف الله مدّرس گرجی

1. الأعراف؛ ۵۶.

بسم الله الرحمن الرحیم

مقدمه‌ی مؤلّف

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ وَالصَّلٰاةُ وَالسَّلٰامُ عَلٰی سَیِّدِنٰا مُحَمَّدٍ رَسُولَ اللّٰهِ وَ عَلٰی آلِهِ وَ صَحْبِهِ وَ مَنْ وَالٰاهُ.

سپاس و ستایش خدای راست و درود و سلام بر سرورمان، حضرت محمّد، رسول و فرستاده‌ی خدا و بر خاندان و یاران و دوست‌دارانش باد؛

امّا بعد، آن‌چه به نظر می‌رسد، رساله‌ی مختصری است که بخشی از آداب اسلامی را در آن گرد کرده، از خداوند متعال مسألت دارم تا به عمل به آن‌ها و تخلّق به خُلق و خوی حضرت مصطفی ﷺ موفقمان دارد. همانا خداوند برترین سرور و بهترین بر آورنده‌ی نیازهای ماست.[1]

---

۱. در ترجمه‌ی این تألیف، نکات زیر مورد توجّه بوده است:
الف. عبارات بیشتر، در حدّ همان عبارات عربی، امّا در قالب دستور فارسی ترجمه شده است.
ب. اشعار فارسی و آن‌چه در داخل [کروشه] آمده باشد. از ضمایم ترجمه است.
ج. در ترجمه آیات الهی از تفسیر خرمشاهی استفاده شده است.

سر آغاز

سپاس خداوند متعال را که از عنایات و الطاف و نعمتش ما را به شرف دین مبین اسلام مشرّف گردانید. دینمان را دین حنیف، دینی از هر جهت کامل قرار داد که نه تنها کوچک‌ترین نقصی در آن نیست بلکه با پذیرش آن و اجرای دستوارت حیات‌بخشش، از هرگونه شریعت و آداب دیگری، بی‌نیاز خواهیم بود، دین اسلام همه‌ی آن‌چه را که انسان در طول زندگی و در جهت رشدش بدان نیاز دارد، دربر گرفته، آداب و خُلق و خوی و روش‌های سازنده و بالنده در ادامه زندگی خود و خانواده و فرزندان و نخبگان و اجتماعش را در هر زمینه‌ای از عبادات و غیره شامل می‌شود.

اسلام همه‌ی این‌ها را بیان داشته و برای هریک حدود و مقرراتی تعیین گردانده تا معتقدین به این آیین، بر اساس برنامه‌ی خداوندی و راه و رسم و خلق و خوی محمّدی، افرادی شایسته، نیکو روش، خوش اخلاق و بزرگوار باقی بمانند.

آری بر اساس این تعلیمات است که شخص مسلمان، اگر سخنی بر زبان می‌آورد، صادق و راستگو می‌ماند. چون به کسی وعده‌ای دهد، بدان وفا می‌کند، زمانی که به او اطمینان کنند، امانت‌گزار و دور از هر نوع خیانت است. در صورت پیش‌آمدی ناروا، خود را از آن دور می‌دارد، با مشاهده‌ی کوچک‌ترین مُنکری، با نیروی ایمان با آن به نبرد می‌پردازد، در صورت عدم توانایی عملی، با زبان و بیان، در رفعِ آن اقدام به عمل می‌آورد و اگر از عهده‌ی بیانش بیرون باشد، با دل و جانش از آن بیزاری می‌جوید.

فرد مُسلم، آرام و مؤدّبانه صحبت می‌کند، در راه رفتن و عبور و مرور تکبّر و تبختر به خرج نمی‌دهد، بزرگان را احترام می‌گذارد، و اشتباهات

دیگران را با شیوه‌ی پسندیده گوشزد کرده، از هر جهت زندگی سالم و شایسته‌ای را در رضای حق سپری می‌نماید.

پیامبرﷺ فرمود: «أَدَّبَنِي رَبّي فَأَحْسَنْ تَأْدِيبي»: «پروردگارم مرا تربیت کرد و چه نیکو ادب فرمود» و باز فرمود: «إِنَّما بُعِثْتُ لِأُتَمِّمَ مَكارِمَ الْأَخْلاقِ»: «همانا مبعوث شدم تا اخلاق حسنه را به‌کمال رسانم» و خدای تعالی خطاب به ایشان می‌فرماید: ﴿وَ إِنَّكَ لَعَلىٰ خُلُقٍ عَظيمٍ﴾:[1] «همانا تو را اخلاقی بس بزرگ است».[2]

خُلق و خوی حضرت رسولﷺ قرآنی بود، راه و رسمش، برترین الگوی ما و زندگی ماست؛ از خداوند بخواهیم که ما را پیروز و بهره‌مند و خوش‌بخت دنیا و آخرت گرداند.

اوّل دفتر به نام ایزد دانا　　صانع پرودگار حیّ توانا

اکبر و اعظم خدای عالَم و آدم　　صورت خوب آفرید و سیرت زیبا

نیّت و ارزش آن در کارها

شخص مسلمان باید در همه‌ی اعمال و رفتارش، خدا را به نیکی در یاد داشته باشد و در هر کاری رضای حق متعال را مدّ نظر قرار دهد تا کارهایش هباءً منثوراً، بی نتیجه و خالی از روح و معنویت نماند.

حضرت رسول اکرمﷺ فرمود: «إِنَّمَا الْأَعْمٰالُ بِالنِّيّٰاتِ»:[3] «اعمال انسان به نیّت او بستگی دارد»؛ یعنی صحّت و درستی، پذیرش و کمال هر کاری به نیت شخص بر می‌گردد، موجودیت، تشکّل، شدّت و ضعف، اهمیّت،

---

۱. القلم؛ ۴.
۲. روح الإسلام؛ محمّد عطية الأبراشي؛ چاپ دوم، ص ۸۰ و ۸۱.
۳. متفقٌ علیه.

درستی و نادرستی هر امری به نیت مربوط می‌شود.[۱] حضرت رسول ﷺ فرمود: «إِنَّ اللّٰهَ لا یَنْظُرُ إِلیٰ صُوَرِکُمْ وَ أَمْوٰالِکُمْ وَ إِنَّما یَنْظُرُ إِلیٰ قُلُوبِکُمْ وَ أَعْمٰالِکُمْ»:[۲] «همانا خداوند متعال به ظاهر (اعمال و دارایی و ثروت شما) توجهی ندارد بلکه آن‌چه در نظر او ـ تعالی ـ مهم است، درون و دل‌های شما و اعمالتان است).

منظور این است نیّات شما مورد توجه می‌باشد که نیّت موجب و انگیزه و تعیین کننده‌ی ارزش‌هاست، نیت شایسته و خوب مایه‌ی شایستگی عمل و در غیر این صورت موجب تباهی امور و عامل کیفر می‌گردد.

یکی از الطاف الهی نسبت به بندگانش این است که ثواب و نیکویی پاداش عمل، منوط به شایستگی نیّت آن است: اگر چه چنین نیّتی هیچ‌گاه به مرحله‌ی عمل درنیامده باشد. پیامبر ﷺ فرمود: «مَنْ هَمَّ بِحَسَنِةٍ وَ لَمْ یَعْمَلْهٰا کُتِبَ لَهُ حَسَنَةٌ»:[۳] «کسی که قصد نیکی داشته باشد، اگر چه عملی نشده باشد، حسنه‌ای برایش خواهد بود و پاداش نیکی برای او در نظر گرفته می‌شود».

لذا مسلمان نباید بدون نیت خوب به انجام عملی مبادرت کند چون کار بدون نیّتِ صالح و شایسته و خالص، به ریا و تکبّر و خودبینی می‌کشد و آن هم مبغوض نظر خدا و اسلام است.

باز باید به خاطر داشت، عبادت بدون نیّت مناسب و خالص، مبدّل به گناه و سیّئه می‌شود. چنان‌که شخص به خاطر خوش‌آمد گویی کسی، به غیبت شخص ثالثی بپردازد، غیبت آن شخص گناه است و نافرمانی خدا و کاری خالی از هر نوع اجر نیک است. و یا آن کس که با صرف مال حرام، مسجدی

---

۱. منهاج المسلم، ص ۸۰.
۲. متفقٌ علیه.
۳. مسلم.

بنا کند، البته ثوابی عایدش نمی‌شود، یا فردی در جشن‌ها و مجالس لهو و لعب شرکت کند یا اوراق (شانسی و بلیط‌های بخت آزمایی) بخرد و نیّتش این باشد که به بنگاه‌های خیریه کمک کند، چون مستلزم نافرمانی خدا و معصیتی است نه تنها مأجور نمی‌باشد بلکه مأخوذ به گناه است.[۱] خدای تعالی می‌فرماید: ﴿وَ مٰا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللّٰهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفٰاءَ﴾[۲]: «مأموریت نیافتند مگر این‌که خدای را خالصانه عبادت کنند که دین حنیف (خالص) از آن خدای تعالی است».

مفهوم نیّت و تأثیر آن در عمل

برادر مسلمان، بدان که نیّت در شرع، قصد انجام کار است. پس اگر قصد باشد ولی عملی شدن آن به تأخیر انجامد، «عزم» نام می‌گیرد. تشریع نیّت به دو دلیل است: ۱ـ تفاوت عادت و عبادت ۲ـ تعیین و تشخیص مراتب عبادت.

نمونه‌ی اول مانند، نشستن در مسجد برای استراحت به صورت عادی و یا برای عبادت و اعتکاف که وجه امتیاز این دو (اولی = عادت) (دومی = عبادت) نیّت در عمل است یا شستشو به قصد پاکیزگی بدن به شیوه‌ی عادت و یا با نیّت غسل به جهت اجرای یک آداب شرعی و عبادت که جدا کننده‌ی آن دو، همان نیّت است.

از این‌رو است که حضرت رسول اکرمﷺ در پاسخ این سؤال از محضر مبارک ایشان، که از این سه صورت؛ جنگ یک انسان برای خودنمایی، یا حفظ خویشتن و یا نشان دادن شجاعت، کدام یک به حساب جهاد در راه خداگذاشته می‌شود؟ فرمودند: «مَنْ قٰاتَلَ لِتَكُونَ كَلِمَةُ اللّٰهِ هِيَ الْعُلْيٰا فَهُوَ في

۱. منهاج المسلم، ص ۸۳.
۲. البيّنة؛ ۵.

سَبِيلِ اللّهِ»: «کسی که بجنگد برای اعتلای کلمه‌ی حق و مقام پروردگار، آن جهاد در راه خدا خواهد بود».

و امّا نمونه‌ای برای مورد دوم، یعنی تشخیص مراتب عبادت؛ کسی که چهار رکعت نماز می‌خواند ممکن است قصد ادای نماز ظهر داشته باشد و یا انجام نماز سنّت و مستحبّی، عامل تعیین کننده نیّت است و بس.[۱]

گاهی نیّت شخص از عمل او مهم‌تر است

برادر مسلمانم! گاهی نیّت شخص بر عملش برتری پیدا می‌کند، زیرا خلوص نیّت برای خدای تعالی همواره مورد توجه شریعت است.

خدای متعال فرماید: ﴿شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدّينِ مٰا وَصّىٰ بِهِ نُوحاً﴾:[۲] «از این، آن‌چه را برای شما مشروع شده، به نوح هم دستور اجرای آن داده شده بود». که منظور همان اخلاص در عمل و به پیشگاه خدای یگانه و بی‌شریک است.

همان طور که برای هر ساختمانی پایه و اساسی است، نیّت نیز زیربنا و پایه‌ی هر کاری محسوب می‌شود هرکس در یک امر، خیری را بر خود گشاید، خداوند هفتاد برابر آن توفیقش دهد و هر آنکه مرتکب عمل بدی شود، خدا، هفتاد برابر، او را به خواری کشاند. نیکی و بدی اعمال ما درگرو حُسن نیّت و سوء آن است از این جهت اگر شخصی قصد عمل نیکی را داشته باشد ولو به مرحله‌ی عمل در نیاورده باشد باز مأجور و مُثاب خواهد بود.

درکتاب مُسند ابی‌یعلیٰ آمده است که رسول خداﷺ فرمود:

«يَقُولُ اللّهُ تَعالىٰ لِلْحَفَظَةِ يَوْمَ الْقِيامَةِ: اُكْتُبُوا لِعَبْدي كَذٰا وَ كَذٰا مِنَ الْأَجْرِ فَيَقُولُونَ يا رَبَّنا لَمْ نَحْفَظْ ذٰلِكَ مِنْهُ وَ لا هُوَ في صَحِيْفَتِهِ، فَيَقُولُ اَللّهُ تَعالىٰ: إِنَّهُ

---

۱. شرح اربعین نووی، ص ۱.

۲. شوری؛ ۱۳.

نَواهُ»: «خدای تعالی در روز قیامت به فرشتگان حافظ نامه‌ی اعمال انسان‌ها دستور می‌دهد برای فلان بنده‌ام چنین و چنان از خیرات بنویسید، عرض خواهند کرد: پروردگارا! ما چنین مواردی را به یاد نداریم و در نامه‌ی اعمالش قید نشده، خداوند می‌فرماید: "ولی قصد انجام آن را در دل داشته است"».

پیامبرﷺ در مورد کَندن چاهی که حضرت عثمانرضی الله عنه می‌خواست حفر کند، اما شخص کافری زودتر به حفر آن اقدام کرد فرمود: «**نِيَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ**»:[1] «نیّت آن شخص مؤمن، (حضرت عثمان) از عمل آن دیگر، (آن شخص کافر) بهتر است».

حضرت رسولﷺ در جایی دیگر فرمود: انسان‌ها چهار دسته‌اند؛ نخست کسی است که خداوند به او، علم و مالی می‌دهد، و وی مالش را در پرتو علم خدادادی صرف کار مثبتی می‌کند. دوم کسی که می‌گوید: اگر خدای تعالی، مال و علمی چنان به من می‌داد، من هم همان کار را انجام می‌دادم، این دو نفر یک اجر دارند. سوم فردی است که خدای تعالی به او دارایی و ثروت می‌دهد امّا به دلیل نداشتن علم و آگاهی سرمایه‌اش را تلف می‌کند. چهارم شخصی است که این را می‌شنود یا می‌بیند، می‌گوید: اگر خداوند همچو مالی هم به من می‌داد، من هم همان طور صرف می‌کردم، این دو همسان هم گناهکارند.[2]

آن حضرتﷺ در غزوه تبوک فرمود:

«**إِنَّ بِالْمَدِيْنَةِ أَقْواماً مٰا قَطَعْنٰا وٰادِياً وَ لٰا وَطَئْنٰا مَوْطِئاً يَغِيظُ الْكُفّٰارَ وَ لٰا أَنْفَقْنٰا نَفَقَةً وَ لٰا أَصٰابَتْنٰا مَخْمَصَةً إِلاّٰ أَشْرَكُونٰا فِي ذَلِكَ وَ هُمْ بِالْمَدِيْنَةِ فَقِيلَ لَهُ كَيْفَ ذَلِكَ يٰا رَسُولَ اللّٰهِ؟ فَقٰالَ حَبَسَهُمُ الْعُذْرُ فَشَرَكُوا بِحُسْنِ النِّيَّةِ**».[3]

---

۱. شرح فشنی؛ اربعین نووی، ص ۶.　　۲. ابن‌ماجه.
۳. بخاری و ابوداود به اختصار.

«در شهر مدینه، گروهی هستند که راهی را که ما آمده‌ایم، نیامده‌اند و به مکان‌هایی که رسیده‌ایم نرسیده‌اند، با کفّار هم نبرد ننموده‌اند، سرمایه‌ای را هم صرف نکرده‌اند، امّا در تمام این‌ها، شریک ما هستند و هنوز هم در مدینه‌اند، عرض کردند: ای رسول خدا چگونه؟ فرمود: مشکلات و عذر، آن‌ها را از آمدن باز داشته ولی به حسن نیّت و قصد خیر در ثواب ما شریکند».

به این نکته هم باید توجه داشت، شرط قبولی نیّت، منحصر به تلفظ به آن نیست، بلکه همان قصد و خواست و در دل گذراندن، برای نیّت کافی است.

پس ای مسلمان! همواره در هر کاری باید، نیّت تو خالصانه و مشروع و خیر باشد، خدای تعالی می‌فرماید:

﴿قُلْ إِنْ تُخْفُوا مٰا في صُدُورِكُم اَوْ تُبْدُوهُ يَعْلَمْهُ اللّٰهُ وَ يَعْلَمُ مٰا فِي السَّمٰوٰاتِ وَ مٰا فِي الْاَرْضِ وَاللّٰهُ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ﴾:[۱] «بگو اگر درونتان را پنهان بدارید یا آشکار کنید، خداوند آن را می‌داند و از آن‌چه در آسمان‌ها و زمین است با خبر است و بر هر کاری توانا می‌باشد».

یکی از پیشینیان گفته است: چه بسا کارهای کوچک به دلیل نیّت خوب، اهمیت پیدا کرده و چه‌قدر از اعمال مهم به خاطر نیت آن، کوچک و ناچیز محسوب گشته‌اند.[۲]

دعاها و آداب آن‌ها[۳]

دعا در هر حال و زمان، درست و مستحب است، لیکن مهم این است که دعا خوان، آداب زیر را رعایت کند:

۱. آل عمران؛ ۲۹.
۲. از احیاء علوم الدین امام غزالی، کتاب نیّت و اخلاص، ص ۱۵۸.
۳. مراجعه کنید به کتاب «عقیدتك أيها المسلم» از همین نویسنده.

۱. برای دعا، زمان مناسب و خوب و اوقات متبرّک در نظر بگیرد مانند: روز عرفه، ماه رمضان، روز جمعه، هنگام سحر، اوقات بارانی، ایّام جهاد، وقت سفر، همزمان با ادای نمازهای فرض، پس از هر نماز بین اذان و اقامه، در طول روز برای روزه‌دار، زمان افطار، در حالت سجده، وقت برگشت از حج و...

۲. هنگام دعا، رو به قبله نشسته، دست‌ها را رو به آسمان بلند کرده و پس از اتمام دعا بر چهره‌اش بکشد، زیرا حضرت رسولﷺ این‌گونه عمل می‌فرمود: «كَانَ إِذَا رَفَعَ يَدَيْهِ فِي الدُّعَاءِ لَمْ يَحُطَّهُمَا حَتَّىٰ يَمْسَحَ بِهِمَا وَجْهَهُ»:[۱] «چون دست‌ها را هنگام دعا بر می‌داشت، پایین نمی‌آورد تا به صورتش می‌کشید».

۳. بیش از حدّ لزوم، صدایش را بلند نکند، فضیلت دعا در آرامش و آهستگی صوت داعی است.

۴. لزومی ندارد که حتماً در ادای دعا، از سجع و آرایش‌های لفظی و ادبی و بیان استفاده کند، مسأله مهم حالت خضوع و سراپا خواهش و نیاز است، ضمناً در صورت امکان از دعاهای مأثوره و ذکر شده در کتاب‌های پیشینیان، و از آیات الهی و احادیث نبوی، استفاده کند، اگر ممکن نمی‌شود با هر نوع بیان و در هر حالتی که پیش آید و دل بطلبد به دعا بپردازد.

۵. دعا، با خضوع و خشوع و رغبت و احساس خوف و رجا در درگاه حق ـ جلّ و علا ـ باشد.

۶. در دعا، قاطعیت داشته باشد و صادقانه و با ارادت به اجابت آن امیدوار بماند؛ پیامبرﷺ فرمودند: «لَا يَقُولَنَّ أَحَدُكُمْ اَللّٰهُمَّ اَغْفِرْ لِي إِنْ شِئْتَ،

---

۱. نقل از ترمذی به روایت حضرت عمربن خطاب رضي الله عنه.

لِيَعْزِمْ فِي الدُّعَاءِ فَإِنَّ اللّٰهَ صَانِعٌ مَا شَاءَ لَا مُكْرِهَ لَهُ»:[۱] «هیچ‌یک از شما هنگام دعا نگوید: خداوندا! اگر خواستی مرا بیامرز، اگر خواهی مرا مورد رحم قرار بده بلکه در دعا قاطعیت داشته باشد، خدای تعالی بر همه چیز اگر بخواهد تواناست، و اجبار و اکراهی بر او نیست».

۷. این‌که در دعایش، ابرام و اصرار داشته و تا سه بار تکرار کند و اجابت آن را ناممکن نداند. هرگاه استجابت شد بگوید: «اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي بِنِعْمَتِهِ تَتِمُّ الصَّالِحٰاتُ»: «ستایش خداوندی که با نعمت و فضل او، هر امری کمال می‌یابد» و اگر تأخیری در اجابت دید، بگوید: «اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلىٰ كُلِّ حٰالٍ»: «ستایش خدای را در هر حال» و انسان‌ها باید بدانند که دعا و درخواست بندگان، در سه مورد رد نمی‌شود: گناهی که برای آن طلب آمرزش کنند؛ امر خیری که تقاضای تسریع و تعجیلش داشته باشند؛ آن‌چه از خیر و اعمال صالحه و ثواب اخروی که برای آن‌ها بماند.[۲]

۸. دعا را با نام خدای ـ عزّ و جلّ ـ و سلام و درود بر حضرت رسولﷺ پیامبر گرامی، آغاز کرده سپس درخواست خود را با کیفیّت سابق الذکر بیان نموده و در پایان با صلوات بر پیامبرﷺ تمام کند.

۹. در هر حال به توبه و اِنابه از خطاهایش بپردازد، ردّ مظالم کند (جبران مافات نماید) و به جانب خدا، با اعتقاد به این‌که او ـ تعالی ـ همواره با بندگان است و شاهد و ناظر اعمال می‌باشد، به تقاضای خود اشاره نماید، بداند اگر او نمی‌تواند خدا را ببیند، خداوند متعال همه را مدّ نظر دارد.

---

۱. روایت از مسلم از عطاء از ابوهریره رضی الله عنه.

۲. [از ابوهریره رضی الله عنه از حضرت رسولﷺ روایت است که دعای سه نفر مستجاب است: دعای پدر و مادر در حق فرزند، دعای مسافر، دعای مظلوم.]

۱۰. به نعمت‌های بی‌حدّ و حساب خداوند اعتراف و اقرار کند، بداند که پناهگاه و مفرّی جز به جانب حق نیست پس فقط بر او باید توکّل کرد.

همچنین شایسته است در وقت دعا، نهایت قدرت و سیطره‌ی حق را در نظر داشته، حسابرسی سریع آن ذات لایزال را نسبت به افراد نافرمان از یاد نبرد.

شخص مسلمان باید در دعاهایش، حُسن ظن به خدای ـ عزّ و جلّ ـ داشته باشد و بداند که آمُرزنده و از بین برنده‌ی گناهان فقط او ـ تعالی ـ است، و با این اطمینان خاطر، هرچه زودتر به ترک خطاها و روی آوردن به اعمال نیک اقدام نماید.

چون خطایی از تو سر زد در پشیمانی گریز

کز خطا نادم نگردیدن خطای دیگراست

«صائب تبریزی»

دُعاهایی چند از قرآن کریم

﴿رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾.[1]

«پروردگارا، به ما در دنیا بهره‌ی نیک و در آخرت هم بهره‌ی نیک عطا فرما و ما را از عذاب دوزخ در امان بدار».[2]

﴿رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْراً وَ ثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾.[3]

«پروردگارا! بر ما باران صبر فرو ریز و گام‌های ما را استوار بدار و ما را بر کافران پیروز گردان».

---

۱. البقرة؛ ۲۰۱.

۲. ترجمه‌ی تمام آیات این فصل، از تفسیر خرمشاهی نقل شده است.

۳. البقرة؛ ۲۵۰.

﴿غُفْرانَكَ رَبَّنا وَ إِلَيْكَ الْمَصيرُ﴾.[۱]

«پروردگارا! آمرزش تو را خواهانیم و بازگشت به سوی توست».

﴿رَبَّنا لا تُؤاخِذْنا إِنْ نَسِيْنا أَوْ أَخْطَأْنا رَبَّنا وَ لا تَحْمِلْ عَلَيْنا إِصْراً كَما حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذينَ مِنْ قَبْلِنا رَبَّنا وَ لا تُحَمِّلْنا ما لا طاقَةَ لَنا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاغْفِرْ لَنا وَارْحَمْنا أَنْتَ مَوْلانا فَانْصُرْنا عَلَى الْقَوْمِ الْكافِرينَ﴾.[۲]

«خدایا! اگر فرمانی را فراموش یا خطایی کردیم بر ما مگیر، پروردگارا! بار گرانی بر عهده‌ی ما مگذار، چنان‌که بر عهده‌ی پیشینیان ما گذارده‌ای، پروردگارا! آن‌چه را که تاب و توان آن نداریم بر دوش ما مگذار، ما را ببخش و بیامرز و بر ما رحمت آور تو مولای مایی، ما را بر کافران پیروز گردان».[۳]

﴿رَبَّنا لا تُزِغْ قُلُوبَنا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنا وَهَبْ لَنا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهّابُ﴾.[۴]

«پروردگارا! پس از آنکه هدایتمان کردی، دل‌های ما را منحرف مگردان و رحمتی از سوی خویش به ما ارزانی دار که تو بخشنده‌ای».

﴿رَبَّنا إِنَّنا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا وَقِنا عَذابَ النّارِ﴾.[۵]

«پروردگارا! ما ایمان آورده‌ایم، گناهان ما را بیامرز و ما را از عذاب دوزخ در امان بدار».

﴿رَبَّنا آمَنَّا بِما أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنا مَعَ الشّاهِدينَ﴾.[۶]

---

۱. البقرة؛ ۲۸۵. ۲. البقرة؛ ۲۸۶.

۳. [از تفسیر خواجه عبدالله انصاری چنین می‌خوانیم: از پیغمبر اکرمﷺ پرسیدند: خداوند در شب معراج چه جایزه‌ای به شما داد؟
گفت: سوره‌ی حمد و آیه‌ی آخر سوره‌ی بقره. و این دو جایزه را از گنجینه‌ی عرش خود به من داد که پیش از من به احدی نداده است.]

۴. آل عمران؛ ۸.

۵. آل عمران؛ ۱۶. ۶. آل عمران؛ ۵۳.

«پروردگارا! به آن‌چه نازل کرده‌ای، ایمان آوردیم و از پیامبرت پیروی کردیم، پس ما را در زُمره‌ی گواهان بنویس».

﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ إِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَ ثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِيْنَ﴾.[۱]

«پروردگارا! گناهان ما و کژ افکاریمان را در کارمان بیامرز و گام‌های ما را استوار بدار و ما را بر خداناشناسان پیروز گردان».

﴿رَبَّنَا إِنَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِياً يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ كَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَ تَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارَ﴾.[۲]

«پروردگارا! شنیدیم که دعوتگری به ایمان فرا می‌خواند که به پروردگارتان ایمان بیاورید و ما ایمان آوردیم. پروردگارا! گناهان ما را بیامرز و سیئات ما را بزُدای و ما را در زمره نیکان بمیران».

﴿رَبَّنَا وَ آتِنَا مَا وَعَدْتَّنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ وَ لَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ﴾.[۳]

(پروردگارا! آن‌چه به پیامبرانت وعده داده‌ای به ما ببخش و ما را روز قیامت خوار و رسوا مگردان که تو خُلف وعده نخواهی کرد».

﴿رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَ إِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَ تَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الخَاسِرِينَ﴾.[۴]

«پروردگارا! بر خود ستم کرده‌ایم و اگر بر ما نبخشایی و رحمت نیاوری بی‌شک از زیان‌کاران خواهیم بود».

﴿رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾.[۵]

«پروردگارا! ما را در زمره‌ی ستمکاران میاور».

---

۱. آل عمران؛ ۱۴۷.
۲. آل عمران؛ ۱۹۳.
۳. آل عمران؛ ۱۹۴.
۴. الأعراف؛ ۲۳.
۵. الأعراف؛ ۴۷.

﴿رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَ أَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ﴾.[۱]

«پروردگارا! بین ما و قوممان به حق داوری کن که تو بهترین داورانی».

رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْراً وَ تَوَفَّنَا مُسْلِمِيْنَ﴾.[۲]

«پروردگارا! بر ما باران صبر فرو ریز و ما را مسلمان بمیران».

﴿رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَ تَقَبَّلْ دُعَاءِ﴾.[۳]

«پروردگارا! من و نیز فرزندانم را نمازگزار بگردان و پروردگارا! دعای مرا بپذیر».

﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَ لِوَالِدَيَّ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ﴾.[۴]

«پروردگارا! در روزی که حساب برپا شود، مرا و پدر و مادرم و مؤمنان را بیامرز».

﴿رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَ هَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَداً﴾.[۵]

«پروردگارا! بر ما رحمت خویش بگستر و کار ما را به سامان آور».

﴿رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَ أَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ﴾.[۶]

«پروردگارا! ایمان آورده‌ایم ما را بیامرز و بر ما رحمت آور و تو بهترین مهربانانی».

﴿رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَاماً، إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرّاً وَ مُقَاماً﴾.[۷]

«پروردگارا! از ما عذاب جهنم را بگردان چراکه عذاب آن سخت و سنگین است، آن بد جایگاه و منزلگاهی است».

---

۱. الأعراف؛ ۸۹.
۲. الأعراف؛ ۱۲۶.
۳. ابراهیم؛ ۴۰.
۴. ابراهیم؛ ۴۱.
۵. الکهف؛ ۱۰.
۶. المؤمنون؛ ۱۰۹.
۷. الفرقان؛ ۶۵ و ۶۶.

﴿رَبَّنا هَبْ لَنا مِنْ أَزْواجِنا وَ ذُرِّيّاتِنا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنا لِلْمُتَّقِينَ إِماماً﴾.[۱]

«پروردگارا! به ما از همسرانمان و زاد و رودمان مایه‌ی روشنی چشم ببخش و ما را پیشوای پرهیزگاران قرار بده».

﴿رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ﴾.[۲]

«پروردگارا! این بلا را از ما بگردان که ما مؤمن هستیم».

﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لَنا وَ لِإِخْوانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونا بِالْإِيمانِ وَ لا تَجْعَلْ في قُلُوبِنا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ﴾.[۳]

«پروردگارا! ما و برادرانمان راکه در ایمان بر ما سبقت دارند، بیامرز و در دل‌های ما نسبت به مؤمنان کینه‌ای مگذار. پروردگارا! تویی که رؤوف و مهربانی».

﴿رَبَّنا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنا وَ إِلَيْكَ أَنَبْنا وَ إِلَيْكَ الْمَصيرُ رَبَّنا لا تَجْعَلْنا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَاغْفِرْ لَنا رَبَّنا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾.[۴]

«پروردگارا! بر تو توکل کرده‌ایم و به تو روی آورده‌ایم و مسیر و سرانجام همه به سوی توست. پروردگارا! ما را زیر دست کافران مگردان و ما را بیامرز. پروردگارا! تویی که پیروزمند فرزانه‌ای».

﴿رَبَّنا أَتْمِمْ لَنا نُورَنا وَاغْفِرْ لَنا إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ﴾.[۵]

«پروردگارا! نور ما را برای ما به کمال برسان و ما را بیامرز که تو بر هر کاری توانایی».

---

۱. الفرقان؛ ۷۴.
۲. الدخان؛ ۱۲.
۳. حشر؛ ۱۰.
۴. الممتحنه؛ ۴ و ۵.
۵. تحریم؛ ۸.

نمونه‌ی دعاهای مأثوره از پیامبر اکرم ﷺ

«اَللّٰهُمَّ آتِنا فِي الدُّنْيا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنا عَذابَ النّارِ».[۱]

«خداوندا! در دنیا و آخرت بهره‌ام نیک گردان و مرا از عذاب دوزخ در امان دار».

«اَللّٰهُمَّ إِنّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْهَمِّ وَالْحَزَنِ وَالْبُخْلِ وَالْجُبْنِ وَ ضَلَعِ الدَّيْنِ وَ غَلَبَةِ الرِّجالِ».

«خدایا! پناه بر تو از اندیشه و غم‌های بی‌جا و از بخل و ترسویی و چیرگی و بسیاری قرض و بدهی و از تسلط دشمنان».

«اَللّٰهُمَّ إِنّي ظَلَمْتُ نَفْسي ظُلْماً كَثيراً وَ لا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلّا أَنْتَ فَاغْفِرْ لي مَغْفِرَةً مِنْ عِنْدِكَ وَارْحَمْني إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحيمُ».[۲]

«خداوندا! بر خود ستم کردم بسیار، و جز تو کسی نیست که گناهان را ببخشاید. ببخشای بر من و بر من رحم آور که تو آمرزنده‌ی مهربانی».

«اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لي خَطيئَتي و جَهْلي وَ إِسْرافي في أَمْري أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنّي اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لي جِدّي وَ هَزْلي وَ خَطيئَتي وَ عَمَدي وَ كُلُّ ذٰلِكَ عِنْدي اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ ما قَدَّمْتُ وَ ما أَخَّرْتُ و ما أَسْرَرْتُ وَ ما أَعْلَنْتُ و ما أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنّي أَنْتَ الْمُقَدِّمُ و أَنْتَ الْمُؤَخِّرُ وَ أَنْتَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ».[۳]

«خدایا! خطاهایم را ببخشای. نادانی و اسراف‌کاری و هر آن‌چه راکه تو از من بهتر می‌دانی بیامرز. خداوندا! از جدّ و شوخی، اشتباه و عمد من درگذر،

---

۱. بخاری و مسلم.
۲. بخاری و مسلم و احمد و ترمذی.
۳. بخاری و مسلم.

همه‌ی این‌ها بر من است، خدایا! آن‌چه کردم و آن‌چه خواهم کرد، آشکار یا نهان و هر چه که تو بیشتر دانی، ببخش، تو پیشتر پیشترانی و همیشه می‌مانی و بر همه چیز توانایی».

«اَللّٰهُمَّ إِنّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتَنِ النّارِ وَ عَذابِ النّارِ وَ فِتْنَةِ الْقَبْرِ وَ مِنْ شَرِّ فِتْنَةِ الْغِنىٰ وَ مِنْ شَرِّ فِتْنَةِ الْقَبْرِ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْمَسيحِ الدَّجّالِ. اَللّٰهُمَّ اغْسِلْ خَطٰايٰايَ بِالْمٰاءِ وَالثَّلْجِ وَالبَرَدِ و نَقِّ قَلْبي مِنَ الْخَطٰايٰا كَمٰا نَقَّيْتَ الثَّوْبَ الْأَبْيَضَ مِنَ الدَّنَسِ و بٰاعِدْ بَيْنَ خَطٰايٰايَ كَمٰا بٰاعَدْتَ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ. اَللّٰهُمَّ إِنّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَالْهَرِمِ وَالْمَغْرَمِ وَالْمَأْثَمِ.[1]

«خداوندا! پناه بر تو از آشوب و رنج دوزخ، از امتحان و شکنجه‌ی قبر، از رنج و فریفتگی بی‌نیازی و از درد و امتحان ناداری و نیازمندی. پناه می‌برم از بلا و فریفتگی دجّال مسیح. خداوندا! اشتباهاتم را با آب مرحمت خود و برف و سرمای رنج‌هایم، پاک گردان. دلم را صاف کن از هر غل و غشی آن چنان که پارچه‌ی سفید از چرک پاک می‌گردانی. بین من و خطاهایم آن چنان فاصله‌ای بینداز که بین شرق و غرب انداخته‌ای، خدایا! پناه بر تو از رنج تنبلی و پیری و وامداری و زیان‌مندی و گناهکاری».

«اَللّٰهُمَّ أَصْلِحْ لي ديني الَّذي هُوَ عِصْمَةُ أَمْري وَ أَصْلِحْ لي دُنْيٰايَ الَّتي فيهٰا مَعٰاشي وَ أَصْلِحْ لي آخِرَتي الَّتي فيهٰا مَعٰادي واجْعَلِ الْحَيٰاةَ زِيٰادَةً لي في كُلِّ خَيْرٍ وَاجْعَلِ الْمَوْتَ رٰاحَةً لي مِنْ كُلِّ شَرٍّ».[2]

«خداوندا! دینم را اصلاح کن که مایه‌ی اصلاح کارهایم است، دنیایم را شایسته کن که زندگی سالم از آن است و آخرتم را نیک گردان که بازگشتگاهم

---

۱. بخاری و مسلم و ترمذی و نسایی و ابن‌ماجه و ابوداود.
۲. مسلم.

است. زندگیم را پُر کن از هر خیر و برکتی و مرگم را وسیله‌ی نجات از ناگواری‌ها گردان».

«اَللّٰهمَّ إِنّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ وَالْكَسَلِ وَالْجُبْنِ وَالْبُخْلِ وَالْهَرَمِ وَ عَذٰابِ الْقَبْرِ اَللّٰهُمَّ آتِ نَفْسي تَقْوٰاهٰا وَ زَكِّهٰا أَنْتَ خَيْرُ مَنْ زَكّٰيهٰا أَنْتَ وَلِيُّهٰا وَ مَوْلاٰهٰا اَللّٰهُمَ إِنّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لاٰ يَنْفَعُ وَ مِنْ قَلْبٍ لاٰ يَخْشَعُ وَ مِنْ دَعْوَةٍ لاٰ يُسْتَجٰابُ لَهٰا».[۱]

(خداوندا! پناه بر تو از ناتوانی و کسالت، از ترسویی و بخل و شرّ پیری و عذاب قبر، خدایا! نفسم را تقوا عطا کن و آن را پاک گردان که تو برترین تزکیه‌کنندگانی. تو سرپرست و سرور و مولای آنی. خداوندا! پناه می‌برم به تو از دانشی که مفید نیست، از دلی که در آن خشوع نیست، از نفسی که سیر نمی‌شود و از دعایی که استجابتی برای آن در نظر نیست».

«اَللّٰهمَّ إِنّٰا نَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ مٰا سَأَلَكَ مِنْهُ نَبِيُّكَ مُحَمَّدٌ و نَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَنِ اسْتَعٰاذَ مِنْهُ نَبِيُّكَ مُحَمَّدٌ وَ أَنْتَ الْمُسْتَعٰانُ وَ عَلَيْكَ الْبَلاٰغُ وَ لاٰ حَوْلَ وَ لاٰ قُوَّةَ إِلّٰا بِاللّٰهِ».[۲]

«خدایا! از تو می‌طلبم خیری را که پیامبرت حضرت محمدﷺ از تو می‌طلبد و پناه می‌برم به تو از شرّ آن‌چه که پیامبرت حضرت محمدﷺ از آن به تو پناه می‌برد، تو یاوری، راهنمایی از توست، هیچ نیرویی برتر از خواست و قدرت تو نیست که تو دهنده‌ی قوّت و ثباتی».

«اَللّٰهمَّ إِنّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الشِقٰاقِ وَالنِّفٰاقِ وَ سُوءِ الْاَخْلاٰقِ».[۳]

«خدایا به تو پناه می‌برم از مخالفت با حق و از دورویی و از بداخلاقی».

---

۱. مسلم و نسایی. ۲. ترمذی.
۳. ابوداود و نسایی.

«اَللّٰهُمَّ إِنّي أَعُوْذُ بِكَ مِنَ الْهَمِّ وَالْحَزَنِ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنَ العَجْزِ وَالْكَسَلِ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجُبْنِ وَالبُخْلِ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ غَلَبَةِ الدَّيْنِ وَ قَهْرِ الرِّجالِ».[۱]

«خدایا! پناه بر تو از اندیشه‌های ناروا و غم و اندوه بی‌جا و از ناتوانی و تنبلی و پناه بر تو از ترسویی و بخل و خست و از فراوانی و سلطه‌ی قرض‌ها و از چیرگی دیگران بر من».

«اَللّٰهُمَّ اقْسِمْ لَنا مِنْ خَشْيَتِكَ ما يَحُولُ بَيْنَنا وَ بَيْنَ مَعْصِيَتِكَ وَ مِنْ طاعَتِكَ ما تُبَلِّغُنا بِهِ جَنَّتَكَ وَ مِنَ الْيَقينِ ما تُهَوِّنُ بِهِ عَلَيْنا مَصائِبَ الدُّنْيا وَ مَتِّعْنا بِأَسْماعِنا وَ أَبْصارِنا و قُوَّتِنا ما أَحْيَيْتَنا وَاجْعَلْهُ الْوارِثَ مِنّا وَاجْعَلْ ثَأْرَنا عَلىٰ مَنْ ظَلَمَنا وَانْصُرْنا عَلىٰ أَعْدائِنا وَ لا تَجْعَلْ مُصيبَتَنا في دينِنا وَ لا تَجْعَلِ الدُّنْيا أَكْثَرَ هَمِّنا وَ لا مَبْلَغَ عِلْمِنا وَ لا تُسَلِّطْ عَلَيْنا مَنْ لا يَرْحَمُنا».[۲]

«خداوندا! آن چنان خشیت به ما عطا کن مانعی گردد در بین ما و معاصی و آن چنان طاعتی عطا کن که به محبت تو بیانجامد و آن چنان یقینی ببخش که مشکلاتمان را آسان گرداند و به گوش و چشم و توانمان، زندگی و حیات ببخش که برایمان منشأ آثار نیک گردد. داد ما را از ستم‌کاران بگیر و بر دشمنانمان پیروز گردان. در دین برایمان مشکل و مصیبت نیافرین. دنیا را برایمان مهم‌ترین هدف قرار مده و نهایت دانش ما مگردان و آنان را که رحم ندارند بر ما مسلط نساز».[۳]

---

۱. ابوداود.
۲. ترمذی.
۳. [این مناجات پر سوز خواجه عبدالله انصاری، از این احادیث شریف نشأت گرفته است: الهی بساز کار من/ منگر به کردار من/ دلی ده که طاعت افزون کند/ طاعتی ده که به بهشت رهنمون کند/ علمی ده که در او آتش هویٰ نبود/ عَمَلی ده که در او آب ریا نبود/ یقینی ده که درِ آز بر ما باز نشود/ دانایی ده که از راه نیفتیم/ بینایی ده تا در چاه نیفتیم/ در گُذار که بد کرده‌ایم/ آزرم دار که آزرده‌ایم.]

«اَللّٰهُمَّ وَفِّقْني لِما تُحِبُّ وَ تَرْضىٰ مِنَ الْقَوْلِ وَالْعَمَلِ وَالنِّيَّةِ وَالْهُدىٰ إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ».[1]

«خدایا! توفیق ده آن‌چه را که دوست داری و تو را خوش آید، از گفتار و کردار و نیّت و هدایت که تو بر هر چیزی توانایی».

«اللّٰهُمَّ أَحْسِنْ عاقِبَتي فِي الْأُمُورِ كُلِّها وَ أَجِرْني مِنْ خِزْيِ الدُّنْيا وَ عَذابِ الْآخِرَةِ».

«خداوندا! در هر کاری نهایت و پایان نیک ده و از خواری دنیا و عذاب آخرت مرا در امان بدار».

آداب تلاوت قرآن کریم

قرآن کریم، راهنمای جامع احکام اسلامی است و سرچشمه‌ی فیّاض خیر و حکمت. تلاوت آن بهترین وسیله‌ی تقرّب عبادت گزاران به درگاه خداوند متعال می‌باشد. پیامبرﷺ فرموده‌اند:

«إِنَّ هٰذَا الْقُرْآنَ مَأْدَبَةُ اللّٰهِ فَاقْبَلُوا مَأْدَبَتَهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ إِنَّ هٰذَا الْقُرْآنَ حَبْلُ اللّٰهِ وَالنُّورُ الْمُبِينُ وَالشِّفاءُ النّافِعُ، عِصْمَةٌ لِمَنْ تَمَسَّكَ بِهِ و نَجاةٌ لِمَنِ اتَّبَعَهُ لا يَزِيغُ فَيُسْتَعْتَبُ وَ لا يَعْوَجُّ فَيُقَوَّمُ وَ لا تَنْقَضي عَجائِبَهُ وَ لا يَخْلُقُ مِنْ كِثْرَةِ الرَّدِّ اتْلُوهُ فَإِنَّ اللّٰهَ يَأْجُرُكُمْ عَلىٰ تِلاوَتِهِ كُلَّ حَرْفٍ عَشْرَ حَسَناتٍ أَمّا إِنّي لا أَقُولُ لَكُمْ «الم» حَرْفٌ وَ لٰكِنْ اَلِفٌ وَ لامٌ وَ ميمٌ».[2]

«همانا قرآن نعمت خداوندی است، تا آن‌جا که توانایی دارید به آن روی آورید که ریسمان الهی و نوری روشن و مایه‌ی بهبودی و سودمندی است، هرکه آن را دستاویز خود قرار دهد، محفوظ از آفات می‌ماند و آنکه از آن

---

۱. طبرانی.

۲. به روایت حاکم از عبدالله بن مسعود.

پیروی کند، قرآن مایه‌ی نجات و رستگاری او می‌گردد، شادمانی خواهد داشت، دور از هرگونه زیانی، توان‌مندیی حاصل کند که از انحرافات در امان ماند، شگفتی‌های این کلام خدا پایانی ندارد، از کثرت تلاوت و کاربرد، عظمت و اعجازش بیشتر و بیشتر گردد. قرآن را تلاوت کنید که تلاوت هر حرف از آن ده حسنه پاداش دارد هان آگاه باشید من نمی‌گویم «الم» یک حرف است می‌گویم الف، لام، میم هر کدام حرفی محسوب می‌شود».

دل پر درد را، دوا قرآن	جان مجروح را، شفا قرآن
هر چه جویی ز نصّ قرآن جو	که بُوَد گنج علم‌ها، قرآن

در سفارش آن حضرتﷺ به ابوذر رضی الله عنه می‌خوانیم: «عَلَيْكَ بِتَلاوَةِ الْقُرْآنِ فَإِنَّهُ نُورٌ لَكَ فِي الْأَرْضِ وَ ذُخْرٌ لَكَ فِي السَّمٰاءِ»:[1] «هان به تلاوت قرآن بپرداز که مایه‌ی روشنی و هدایت و نور این جهانی است و توشه و ذخیره و مایه‌ی ثواب اُخروی می‌باشد). و از حضرت عایشه ـرضی‌الله‌عنهاـ نقل است که حضرت رسول اکرمﷺ فرمود: «اَلْمٰاهِرُ بِالْقُرْآنِ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرٰامِ الْبَرَرَةِ وَالَّذي يَقْرَأُ الْقُرْآنَ و يَتَتَعْتَعُ فيهِ وَ هُوَ عَلَيْهِ شٰاقٌّ لَهُ أَجْرٰانِ»:[2] «آن کس که در قرآن تعمّق ورزد، با فرشتگان بزرگوار و نیک همدم است و آن‌که قرآن را با دشواری و تحمل مشّقات قرائت می‌کند، دو اجر دارد». و باز هم فرمود: «مَنِ اسْتَمَعَ إِلىٰ آيَةٍ مِنْ كِتٰابِ اللّٰهِ كُتِبَتْ لَهُ حَسَنَةٌ مُضٰاعَفَةٌ وَ مَنْ تَلاٰهٰا كٰانَتْ لَهُ نُوراً يَوْمَ الْقِيٰامَةِ»:[3] «کسی که آیه‌ای از کتاب خدا را گوش دهد، نیکی مضاعف (دو چندان) خواهد یافت و هرکس که آن را تلاوت کند، مایه‌ی نور و روشنیِ فردای قیامت او خواهد بود».

---

۱. روایت از ابن‌حبان.
۲. بخاری و مسلم.
۳. روایت از احمد.

گِرد قرآن گَرد زیرا هر که در قرآن گریخت
آن جهان رَست از عقوبت این جهان جست از فتن
«سنایی غزنوی»

از این‌رو شایسته است که هر فرد مسلمان، فرصت قرائت این نامه‌ی خداوندی را از دست ندهد و همچون گذشتگان سعادتمند ما، خدایشان خشنود گرداند، در تلاوت و استماع آن بکوشد، پیشینیان خوش‌بخت ما چه نیکو، برتری و فضیلت قرآن را دریافته، آیه آیه‌ی آن را سرچشمه‌ی راه و طریقت و تفصیل احکام عملی خود و مایه‌ی سر زندگی و شور دل‌هایشان و زمزمه‌ی شب و روزشان گرداندند، درِ خانه‌ی دلشان را در برابر نعمت‌های بی‌پایان گشودند و از ته دل و عمق جان به تدّبر و تعمّق در آن پرداختند جان‌های تشنه‌ی خود را از نصایح و راهنمایی‌های نجات بخش آن سیراب گرداندند از این جهت خداوند، آنان را سعادتمند دارَیْن گرداند و نعمت و سروری و سُرور خود و برتری انعام فرمود.

نه ز ایشان در دل مردم غُباری   نه از مردم بر ایشان هیچ باری
«جامی»

در تلاوت قرآن به موارد زیر توجه داشته باشیم:

۱. هنگام تلاوت، با وضو باشیم مسلّماً مس و تماس با قرآن بدون طهارت (وضو) روا نیست.

۲. رو به جانب قبله کرده در حالت نشسته و اگر در مسجد باشیم بهتر است، به تلاوت بپردازیم.

۳. قبل از قرائت، استعاذه (**أعوذ بالله من الشیطان الرّجیم**) و آنگاه بسمله (**بسم الله الرّحمن الرّحیم**) را فراموش نکنیم.[۱]

---

۱. [اهل دل و ورع، استعاذه را تشبیه کرده‌اند به شستشوی دهان، که حتماً قبل از تلاوت باید دهان رااز آلودگی سخنان بی‌پروا و نارروایمان پاکیزه گردانیم.]

۴. به ارزش و ثواب تلاوت واقف باشیم و به آن اعتماد ورزیم، حضرت علیؑ فرمود: هرکس در حالت ایستاده و در نماز قرآن بخواند در برابر حرف حرف آن، صد حسنه و آن‌که نشسته بخواند در برابر هر حرفی پنجاه حسنه و در غیر نماز با وضو، بیست و پنج حسنه دارد، و کسی که بدون وضو و از حفظ قرائت کند، ده حسنه از نزد خدایش پاداش دریافت دارد، به طریق اولی در نماز شب و حالت فراغت.

۵. میزان آیات و سوره‌هایی که قرائت می‌کنیم در نظر داشته باشیم، این مسأله به توانایی ما مربوط می‌شود بهتر این است که طول یک ختم قرآن از سه روز کم‌تر نباشد. حضرت رسول اکرمﷺ فرمود: «مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ في أَقَلَّ مِنْ ثَلَاثَةٍ لَمْ يَفْقَهْ»:[1] «هرکس تلاوت و ختم قرآن را کم‌تر از سه روز تمام کند، برای او تفهیم نمی‌شود». پیامبرﷺ به عبدالله بن عمرو ـ رضی‌اللّه‌عنهما ـ امر فرمود که قرآن را در هفت روز ختم کند،[2] کسی که در این مدت نتواند، در هر ماه یک‌بار، و اگر مقدور نشد در هر دو ماه. در هر حال قرائت قرآن ترک نشود اگرچه در سال یک بار هم باشد.

۶. بدانیم که قرآن را به صورت ترتیل بخوانیم بهتر است، از این شیوه، تفکّر و دقّت‌نظر بیشتر حاصل می‌گردد، البته تعمّق و تدّبر در قرآن با شتاب‌خوانی امکان نخواهد داشت، ابن‌عباس می‌گوید، سوره‌ی بقره و آل‌عمران را با ترتیل بخوانم و در آن تدبر کنم به نظر من خوش‌تر و پسندیده‌تر است از این‌که همه‌ی قرآن را بدون توجه قرائت کنم.

۷. حق تلاوت را ادا کنیم. به موارد تهدید و وعده و وعید و پیمان‌های حق

---

۱. اصحاب سنن از عبدالله بن عمرو ـ رضی‌اللّه‌عنهما.
۲. متفقٌ علیه.

در قرآن دقت نماییم. به کم‌کاری و قصور خود در ادای وظایف و دروی از نواهی خدا بیندیشیم و پند بگیریم، حضرت علی رضی الله عنه فرمود، در عبادتی که اندیشه و تعمّق نباشد و در قرائتی که از تدّبر و تفکر خالی بماند، خیری نیست.

۸. سجده‌ی تلاوت را در نظر داشته باشیم، اگر به آیه‌ی سجده رسیدیم و امکان داشتیم، به سجده بپردازیم، در این مورد خواندن یا شنیدن آیه‌ی سجده در یک حکم است. هنگام نماز اگر امام به سجده برود، مأموم نیز تابع او می‌شود در غیر این صورت، بر مأموم لازم نیست که سجده رفتن او مایه انفصال از جماعت بشود.

۹. پس از قرائت، عبارت «صدق اللّه العظیم» گوییم، در قرآن کریم آمده است که خدای تعالی می‌فرماید: «قُلْ صَدَقَ اللّهُ»[۱] و به دنبال آن به دعا بپردازد و بگوید: «اَللّٰهُمَّ انْفَعْنَا بِهِ وَ بَارِكْ لَنَا فِيهِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَاسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ»: «خداوندا! ما را با این قرائت، سود برسان و آن را برای ما مبارک گردان، سپاس و ستایش خدای جهانیان را که زنده و پابرجاست و از او خواهان عفو و مغفرتیم».

۱۰. هنگام تلاوت آیه‌های تسبیحات بگوییم: «سبحان اللّه واللّه اکبر» و اگر به آیه‌ی دعایی و استغفار رسیدیم، به دعا و استغفار بپردازیم و در برابر آیه‌های رحمت تقاضای نزول رحمت الهی داشته و هنگام آیه‌های عذاب، به او پناه ببریم، دل و درون و زبانمان متّبرک به این عبارات و اوراد باشد. «سُبْحَانَ اللّٰهِ، نَعُوذُ بِاللّٰهِ، اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنَا، اَللّٰهُمَّ ارْحَمْنَا»، حذیفه می‌گوید: با حضرت رسول صلی الله علیه وسلم نماز می‌خواندم، از سوره‌ی بقره شروع کردند، چون به آیه‌ی رحمت می‌رسیدند درخواست رحمت می‌فرمودند و آن‌گاه به آیه‌ی

---

۱. آل عمران؛ ۹۵.

عذاب می‌رسیدند، استعاذه می‌فرمودند و هرگاه به آیه‌ی تنزیه و تسبیحات می‌رسیدند، به تسبیحات می‌پرداختند.

۱۱. به خاطر داشته باشیم که قرائت قرآن از روی قرآن بهتر است، زیرا نگاه کردن به آن نیز عبادتی جداگانه محسوب می‌شود و دقّت در آن و برداشتن مصحف، مایه‌ی اجر بیشتری می‌شود.

۱۲. در صورت امکان، قرآن را با صدای خوش بخوانیم، حضرت رسولﷺ فرمود: «زَيِّنُوا الْقُرْآنَ بِأَصْوَاتِكُمْ».[۱] اصول و قواعد قرائت رعایت شود، در مورد زنان این قاعده روا نیست، آن‌ها قرآن را با صدای آهسته که خود بشنوند، خواهند خواند.

۱۳. بدانیم که خدای متعال به ما امر فرموده که هنگام شنیدن قرآن سکوت کرده به آن گوش فرا دهیم رویگردانی و اعتراض نسبت به آن یا حرف زدن در این فاصله درست نیست و نشانه‌ی بی‌ادبی محسوب می‌شود.

۱۴. گوش فرا دادن به قرآن را نیز عبادت بدانیم که حضرت رسولﷺ به ابن‌مسعودؓ می‌فرمود: «اِقْرَأْ عَلَيَّ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ اقْرَؤُوا عَلَيْكَ وَ عَلَيْكَ اُنْزِلَ فَقَالَﷺ اِنِى اُحِبُّ اَنْ اَسْمَعَهُ مِنْ غَيْرِى»: «ای ابن‌مسعود! قرآن بخوان تا بشنوم، عرض کرد ای رسول خدا! من قرآن را بخوانم، و حال آن‌که قرآن بر تو نازل شده است فرمود: دوست دارم که قرآن از دیگری بشنوم»، حضرتﷺ گوش فرا می‌دادند و چشمانشان پر از اشک می‌شد. همان طور در روایات آمده است که حضرتﷺ قرائت قرآن را از ابوموسیؓ گوش می‌کردند و می‌فرمودند: یکی از مزامیر آل داود به او داده شده است، ابوموسی عرض کرد: ای رسول خدا! اگر می‌دانستم که استماع می‌فرمایید زیباتر و آراسته‌تر

---

۱. احمد و ابوداود و نسایی و ابن‌ماجه و ابن‌حبان و حاکم و دیگران.

به قرائت می‌پرداختم.[۱] حضرت عمرﷺ به ابوموسی می‌فرمود: ای ابوموسی! با قرائت قرآن، یاد خدا را در ما زنده‌تر نگه دار و او هم در محضرش به قرائت مشغول می‌شد.

پیامبرﷺ فرموده‌اند: «مَنْ اسْتَمَعَ إِلَيَّ آيَةً مِنْ كِتابِ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ كانَتْ لَهُ نُوراً يَوْمَ الْقِيامَةِ»:[۲] «هرکس از من آیه‌ای بشنود، مایه‌ی روشنی راه او در قیامت می‌شود». و فرموده‌اند: «اِعْرَفُوا الْقُرْآنَ وَالْتَمِسُوا غَرائِبَهُ وَ غَرائِبُهُ: فَرَوْضَهُ وَ حُدُودَهُ، فَإِنَّ الْقُرْآنَ عَلىٰ خَمْسَةٍ: حَلالٍ وَ حَرامٍ وَ مُحْكَمٍ وَ أَمْثالٍ وَ مُتَشابِهٍ، فَخُذُوا الْحَلالَ وَ دَعُوا الْحَرامَ وَاعْمَلُوا بِالْمُحْكَمِ وَ آمِنُوا بِالْمُتَشابِهِ وَاعْتَبِرُوا بِالْأَمْثالِ»:[۳] «قرآن را بشناسید و شگفتی‌های آن را جستجو کنید؛ شگفتی‌های قرآن، شناخت و اجرای فرایض و دستورات آن است، قرآن پنج بخش دارد: حلال، حرام، محکم، متشابه و امثال، حلال را دریابید و حرام را ترک کنید، به محکمات آن رفتار کنید و متشابهاتش را مؤمن شوید و از امثال آن پند بگیرید».

۱۵. به خاطر داشته باشیم که تماس و لمس قرآن بدون داشتن طهارت (وضو) صحیح نمی‌باشد، خواندن قرآن از حفظ یا در دل بدون وضو اشکالی ندارد اما مکروه می‌باشد به استثنای زنان حایض و نفساء (حالت و عادت ماهانه و ولادت) که تا حصول پاکی و رفع عارضه، نمی‌توانند به قرآن دست بزنند و آن را تلاوت کنند.

۱۶. فراموش نکنیم که قرائت قرآن فقط با زبان عربی رواست چه در نماز و چه غیر آن، زیرا اعجاز و بلاغت قرآن در ترجمه، متغیّر و دگرگون می‌شود.

---

۱. متفقٌ علیه.
۲. احمد از ابوهریرهﷺ.
۳. البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۴۵۴.

[البته منظور قرائت و تلاوت عبادی و یا در ادای نماز است و گرنه ترجمه و تفسیر و بررسی قرآن به هر زبانی، خود ثوابی دیگر دارد و از ارزش فوق‌العاده‌ای برخوردار است].

۱۷. برای دریافت ثواب و اجر بیشتر، در نظر داشته باشیم که هنگام تلاوت آیات قرآن، وقتی که به سوره‌های کوتاه آخر قرآن رسیدیم از والضحیٰ تا آخر، به دنبال آن‌ها با کمی مکث، تکبیر بگوییم و در مورد تکرار سوره‌ی اخلاص هم فضیلتی جداگانه است تا آن‌جا که می‌دانیم خواندن سوره‌ی اخلاص، اجر یک سوم قرآن را داراست.

۱۸. در ختم قرآن، سوره‌ی فاتحه را همراه با ۵ آیه‌ی اول سوره‌ی بقره تا ﴿هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ ضمیمه کنیم که به این وسیله زمینه‌ی شروع ختم دیگر و ارتباط و پیوستگی ختم‌های قرآن را منظور داشته‌ایم.

حقوق الهی و وظایف ما نسبت به آن‌ها

می‌دانی، زمانی که یکی نسبت به تو نیکی کند و تو را یاری نماید، از او تعریف و تمجید می‌کنی، و نزد تو شایسته‌ی هر نوع احترام و بزرگداشت است و تو آداب و شرایط دوستی او را مراعات می‌داری، چگونه نسبت به خالق بزرگ و با عظمتی که تو را موجودیت بخشیده و از نیستی به هستیت آورده و مراحل مختلف زندگی را برایت فراهم کرده و انواع نعمت‌های بی‌حدّ و حساب را به تو ارزانی داشته است، موجودیت تو از دوران علقه و خون بسته بودنت در شکم مادر تا دوره‌های دیگر وقت زادن، شروع زندگی و سپس پس از مرگ که باز هم به او می‌پیوندی، هرچه هست از پرتو اوست، آیا این پروردگار سبحان به ثنا و تمجید و محبّت و رعایت ادب و ادای

وظایف از طرف بندگان نسبت به آن ذات لا یزالی شایسته‌تر نیست؟ لاحول و لا قُوَّة الاّ بالله!

به یاد داشته باش که فرد مسلمان باید همواره نیکی‌ها و نِعَم الهی را مدّ نظر داشته در هر حال شاکر و سپاسگزار او ـ تعالی ـ باشد، با زبان و دل و همه‌ی اعضا و جوارح در پی اَدای وظایف، اجرای اوامر و پرهیز از نواهی و محرمات باشد. به آن ذات مقدس عشق بورزد و از دستورهای پیامبر عالیقدرش حضرت رسولﷺ اطاعت نماید. خدای متعال می‌فرماید: ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾:[1] «بگو اگر خدای را دوست دارید، از من اطاعت کنید تا خدایتان شما را دوست بدارد و گناهانتان را بیامرزد، که او بخشنده و بخشاینده است».

و باز فرمود: ﴿فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَ لَا تَكْفُرُونِ﴾:[2] «مرا یاد کنید تا شما را به یاد داشته باشم، سپاس من بگزارید و کفران و ناسپاسی را ترک نمایید».

باید رابطه و اعتقاد و عمل تو نسبت به خداوند متعال مبنی بر اعتقاد کامل به او ـ تعالی ـ باشد، او را همواره نزدیک به خود بدانی و ناظر بر اعمال و رفتارت بشناسی، در این صورت دیگر فرصتی برای سرپیچی تو از فرمان‌های حق پیش نخواهد آمد. خدای متعال فرمود: ﴿وَ مٰا يَعْزُبُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ مِثْقٰالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَ لٰا فِي السَّمٰاءِ وَ لٰا أَصْغَرَ مِنْ ذٰلِكَ وَ لٰا أَكْبَرَ إِلّٰا فِي كِتٰابٍ مُبِينٍ﴾:[3] «کوچک‌ترین چیزی از آن‌چه در زمین و آسمان است، کم و

---

۱. آل عمران؛ ۳۱.
۲. البقرة؛ ۱۵۲.
۳. یونس؛ ۶۱.

زیادش از نظر پروردگارت دور و غایب و پنهان نیست و همه در نزد او و علم او محفوظ و پایدار است».

ای مسلمان! درجه‌ی اعتقاد تو در عمل و اندیشه‌ات نسبت به آن ذات مقدّس، بین خوف و رجا (بیم و امید) باشد، خوف داشته باش [از هیبت و قهّاری و قانون‌مندی او] و هم به رحمت و آمرزش او امیدوار بمان! امام غزّالی رحمه الله در رساله‌ی «الأدب فی الدین» در همین مورد صفات و شرایطی را یاد کرده که اهم آن‌ها را با هم از مدّ نظر می‌گذرانیم: دقت نظر، آسودگی خاطر ادب، اجرای اوامر و ترک نواهی، دوری از اعتراض و ناسپاسی، خوش اخلاقی، استمرار ذکر و یاد او، داشتن فکر و اندیشه‌ی درست و راستین، کنترل اعضا و جوارح، خاطرای آرام و نفسی مطمئنه، خشیت در برابر مقام پروردگاری، دوری از خشم و نفرت، خلوص نیّت و عمل، دربند خالق بودن و با او مخلوق را شریک و سهیم ندانستن، راستی در گفتار، مهم دانستن محرّمات الهی و ترک آن‌ها و تنّفر از مرتکبین نواهی، مداومت بر وضو و نماز با همه‌ی مشکلات آن‌ها، تداوم بر ایمان به مغیبات، هراس از فوت واجبات، جبران قصور در فرایض، استمرار توبه جهت پیشگیری از تکرار گناه، دل و جان بیدار و سر زندگی با یاد خدا، عبرت گرفتن از کار این و آن، توکّل به خدای لایزال در سلامت و بیماری، بخشش و انفاق بدون خسّت و منّت و نداشتن توقع از غیر خدا.

ستایش خداوند بخشنده را — که موجود کرد از عدم بنده را
که را قوّت و صف احسان اوست؟ — که اوصاف مستغرق‌شان اوست
بدیعی که شخص آفریند زگِل — روان و خرد بخشد و هوش و دل
زپشت پدر تا به پایان شیب — نگر تا چه تشریف دادت ز غیب

تو قائم به خود نیستی یک قدم ز غیبت مدد می‌رسد دم به دم
نه در ابتدا بودی آب منی اگر مردی، از سر بدر کن منی
ببین تا یک انگشت از چند بند به صنع الهی به هم درفکند
پس آشفتگی باشد و ابلهی که انگشت بر حرف صُنعش نهی
نزیبد ترا با چنین سروری که سر جز به طاعت فرود آوری
تو را آن‌که چشم و دهان داد و گوش اگر عاقلی در خلافش مکوش

«بوستان سعدی»

محبّت خدا و رسول

هرکسی را سر چیزی و تمنّای کسی است
ما به غیر از تو نداریم تمنّای دگر

«سعدی»

داشتن محبّت خدا و رسول از اهمّ وظایف مسلمانی است. خداوند، اهل محبت را چنین می‌ستاید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَٰلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾:[1]

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هرکس از شما از دینش برگردد، بداند که خداوند به زودی قومی به عرصه می‌آورد که دوستشان می‌دارد و آنان نیز او را دوست می‌دارند اینان با مؤمنان مهربان و فروتن و با کافران سخت‌گیرند و

---

۱. المائدة: ۵۴.

از ملامت کسی نمی‌هراسند، این فضل الهی است که به هرکس بخواهد می‌دهد، و او گشایشگر و داناست».

و باز می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبّاً لِلّٰهِ﴾:[۱] «مؤمنان، خداوند را دوست‌تر دارند».

محبت خدا و رسول شرط ایمان و مایه‌ی سعادت دنیا و آخرت است. شخصی از حضرت رسول ﷺ سؤال کرد که: ایمان چیست؟ پیامبر ﷺ فرمود: «أَنْ يَكُونَ اللّٰهُ وَ رَسُولُهُ أَحَبَّ إِلَيْكَ مِمّٰا سِوٰاهُمٰا»:[۲] «ایمان در محبّت خدا و رسول است و این‌که آن دو را از هر چیز دیگر دوست‌تر داری» و در حدیث دیگر آمده است: «لٰا يُؤْمِنُ الْعَبْدُ حَتّٰى أَكُونَ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ أَهْلِهِ وَ مٰالِهِ وَالنّٰاسِ أَجْمَعِينَ»:[۳] «شخص، مؤمن واقعی محسوب نمی‌شود مگر این‌که مرا از خانواده و مالش و تمام مردم، بیشتر دوست داشته باشد».

انس رضي الله عنه روایت می‌کند: مردی عرب به حضور حضرت ﷺ رسید و عرض کرد کی قیامت برپا می‌شود؟ حضرت ﷺ فرمود: توشه‌ی تو برای آن چیست؟ عرض کرد: نماز و روزه‌ی بسیار و این‌که خدا و رسولش نزد من برتر و دوست‌داشتنی‌تر از همه است. حضرت ﷺ فرمود: پس بدان که شخص با دوستش محشور خواهد بود که «اَلْمَرْءُ مَعَ مَنْ أَحَبَّ». باز هم از انس رضي الله عنه نقل است که گفت: من در اسلام، چیزی مهم‌تر از این ندیده‌ام که مسلمانی را شاد کند،[۴] زیرا حضرت رسول ﷺ در دعاهایش می‌فرمود: «اَللّٰهُمَّ ارْزُقْني حُبَّكَ وَ حَبَّ مَنْ أَحَبَّكَ وَ حَبَّ مٰا يُقَرِّبُني إِلىٰ حَبِّكَ وَاجْعَلْ حُبَّكَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ الْمٰاءِ الْبٰارِدِ»: «خدایا! روزیم گردان، محبت خودت را، و محبت هر که را که

---

۱. البقرة؛ ۱۶۵.
۲. روایت احمد.
۳. متفقٌ علیه.
۴. متفقٌ علیه.

دوستش می‌داری و آن‌چه را که مرا به محبّت تو می‌رساند، زیرا که محبت تو برای من از آب سرد و گوارا (برای تشنه) گواراتر و بهتر می‌باشد».

محبّت رسول، مایه‌ی محبّت خداوند می‌گردد، دوستی خدا و رسولش کمال دیانت و سرمایه‌ی هدایت و تقوی و درستی و رستگاری در دنیا و آخرت است. یکی از صحابه‌ی بزرگ، به نام «ثوبان بن مالک» از دوستداران و مشتاقان فوق‌العاده‌ی حضرت رسول ﷺ روزی به محضر آن حضرت ﷺ رسید، برافروخته و نگران، از قیافه‌اش غم و اندوه می‌بارید، حضرت ﷺ فرمود: چه چیزی تو را متغیّر کرده، عرض کرد: درد و بیماریی ندارم جز این‌که از دوری تو رنج می‌بردم، وحشت کردم، آمدم که تو را ببینم، به خاطرم رسید فردای قیامت، تو با پیبامبران خواهی بود، اگر من در بهشت باشم، تو را نبینم چه‌کار کنم؟ و اگر به بهشت نرسم، وای بدان حال و احوال که قطعاً از دیدار تو محروم هستم، خدای تعالی، این آیه را نازل فرمود: ﴿وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَٰئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وحَسُنَ أُولَٰئِكَ رَفِيقاً﴾:[1] «وکسانی که از خداوند و پیامبر اطاعت کنند، در زمره‌ی کسانی‌اند که خداوند بر آنان انعام فرموده است اعم از پیامبران و صدّیقان و شهیدان و صالحان و اینان نیک رفیقانی هستند». وقتی حضرت رسول ﷺ آیه را بر ثوبان تلاوت فرمود، ثوبان خوش گشت و دانست که در دنیا و آخرت با محبوب خود خواهد بود.

از محبّت خارها گُل می‌شود وز محبّت سرکه‌ها مُل می‌شود
از محبّت سجن گلشن می‌شود بی‌محبّت روضه، گلخن می‌شود
از محبّت سُقم صحت می‌شود وز محبّت قهر، رحمت می‌شود

---

۱. نساء؛ ۶۹.

این محبّت هم نتیجه‌ی دانش است   کی گزافه بر چنین تختی نشست!...

«مثنوی مولوی، ۲»

بر هر فرد مسلمان، واجب است در این مورد، نکات زیر را مراعات دارد:

۱. آن ذات مبارک را اطاعت کرده راه و رسم و دستورات او را در دین و دنیا مدّ نظر داشته باشد.

۲. کسی را بیشتر از آن بزرگوار، برتر و گرامی‌تر نداند.

۳. دوستان و دوستداران آن حضرت را دوست بدارد و با مُعاندان و دشمنان آن جناب دشمنی کند.

۴. آن‌چه را مورد خشنودی ایشان می‌گردد، انجام دهد و از هر چه مایه‌ی تعذیب آن حضرت است، دست باز دارد.

۵. هر آن‌چه از اخبار دین و دنیا و مراتب غیبی از آن حضرت (به صورت صحیح) نقل شده، باور دارد.

۶. آداب و شریعت او را زنده نگه دارد و پیام‌ها و دستورات آن حضرت را اجرا و به همه اعلام کند.

۷. هنگام تشرّف به مرقد مبارک آن حضرت، مراتب احترام و ادب و آرامش را مراعات دارد.

۸. شایستگان راه حق و دوستداران ایشان را دوست بدارد و با تبهکاران و دشمنان راه او سازش نداشته باشد.

فضیلت علم و علما

بهترین چیزها در دنیا، علم است از این‌رو تمام شرایع آسمانی آن را مورد تأکید و توجه قرار داده‌اند، دین اسلام که دین علم و معرفت است، دانش را

بیشتر از همه‌ی ادیان، مورد عنایت قرار داده است، همواره مشوّق علم و حامی علماست، راه علم و علما را راهی می‌داند که به بهشت و رضایت الهی منتهی می‌شود، چرا چنین نباشد؟ در حالی که اولین آیه‌ای که بر حضرت رسولﷺ نزول یافت سراپا تشویق و اقرار و تأکید بر علم و خواندن است، حضرت باری تعالی می‌فرماید: ﴿اِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذي خَلَقَ﴾:[1] «بخوان به نام پروردگاری که به همه خلقت بخشید».

آن‌گاه خدا، برتری و فضیلت انسان رابر فرشتگان به وجود علم برشمرده است: ﴿وَ عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمٰاءَ كُلَّهٰا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلٰائِكَةِ فَقٰالَ أَنْبِئُوني بِأَسْمٰاءِ هٰؤُلٰاءِ إِنْ كُنْتُمْ صٰادِقينَ، قٰالُوا سُبْحٰانَكَ لٰا عِلْمَ لَنٰا إِلاّٰ مٰا عَلَّمْتَنٰا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَليمُ الْحَكيمُ﴾:[2] «و همه‌ی نام‌ها را به آدم آموخت سپس آن‌ها را بر فرشتگان عرضه داشت و گفت اگر راست می‌گویید به من از نام‌های ایشان خبر دهید، گفتند پاکا که تویی، ما دانشی نداریم جز آن‌چه به ما آموخته‌ای، تو دانای فرزانه‌ای».

به دلیل همین اهمیّت علم و علماست که خدای تعالی، در قرآن، همراه با ذکر نام خویش، نام آن‌ها را به عنوان شاهدی برای اعمال و کار دیگران معرّفی می‌فرماید: ﴿شَهِدَ اللّٰهُ أَنَّهُ لٰا إِلٰهَ إِلّٰا هُوَ وَالْمَلٰائِكَةُ وَ أُولُوا الْعِلْمِ قٰائِماً بِالْقِسْطِ﴾:[3] «خداوندی که در دادگری استوار است و فرشتگان و عالمان (راستین) گواهی می‌دهند که خدایی جز او نیست».

و این بالاترین درجه‌ی اکرام و بزرگداشت علماست، و بدین جهت اطاعت از اهل علم، همچو اطاعت از خدا و رسول به شمار می‌رود.

---

۱. العلق؛ ۱. ۲. البقرة؛ ۳۰ و ۳۱.
۳. آل عمران؛ ۱۸.

پروردگارمان می‌فرماید: ﴿وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾:[۱] که در تفسیر «أولو الأمر»، اهل علم را یاد کرده‌اند.

بسیاری از آیات الهی در بیان مقام علم و علماست از آن جمله: ﴿وَ مٰا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرّٰاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ﴾:[۲] «تأویل آن را جز خداوند و راسخان در علم نمی‌دانند» و ﴿وَ يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجٰاتٍ﴾:[۳] «خداوند از میان شما، مؤمنان و دانش یافتگان را به درجاتی رفعت می‌دهد» و ﴿وَ إِنَّمٰا يَخْشَى اللَّهُ مِنْ عِبٰادِهِ الْعُلَمٰاءُ﴾[۴] «از میان بندگان خدا فقط دانشوران از او خوف دارند» ﴿وَ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لٰا يَعْلَمُونَ﴾:[۵] «آیا آن‌هایی که می‌دانند با آن‌هایی که نمی‌دانند برابرند؟».

در همین رابطه است که خدای متعال رسولش را به طلب علم و افزونی آن امر می‌فرماید: ﴿وَ قُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْماً﴾:[۶] «بگو پروردگارا! علمم را زیاد گردان».

علاوه بر آیات الهی، در احادیث شریف نبوی تأکیدهای مکرّر به یادگیری و طلب علم وارد است: «يا أَيُّهَا النّٰاسُ إِنَّمَا الْعِلْمُ بِالتَّعَلُّمِ وَالْفِقْهُ بِالتَّفَقُّهِ و مَنْ يُرِدِ اللَّهُ بِهِ خَيْراً يُفَقِّهْهُ فِي الدِّينِ»:[۷] «ای مردم! آگاهی با یادگیری و شناخت با درس گرفتن و فهمیدن حاصل می‌شود کسی که خداوند به او نظر لطف و خیر داشته باشد، او را در دین و یادگیری موفق می‌گرداند».

آن حضرت ﷺ علم را وسیله‌ی رسیدن به بهشت معرّفی کرده و می‌فرماید:

---

۱. النساء؛ ۵۹.
۲. آل عمران؛ ۷.
۳. المجادلة؛ ۱۱.
۴. فاطر؛ ۲۸.
۵. الزمر؛ ۹.
۶. طه؛ ۱۱۴.
۷. بخاری و مسلم و دیگران.

«مَنْ سَلَكَ طَرِيقاً يَلْتَمِسُ فِيهِ عِلْماً سَهَّلَ اللّٰهُ لَهُ طَرِيقاً إِلَى الْجَنَّةِ وَ إِنَّ الْمَلٰائِكَةَ لَتَضَعُ أَجْنِحَتَهٰا لِطٰالِبِ الْعِلْمِ رِضٰاءً بِمٰا يَصْنَعُ وَ إِنَّ الْعٰالِمَ يَسْتَغْفِرُ لَهُ مَنْ فِي السَّمٰوٰاتِ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ حَتَّى الْحِيتٰانُ فِي الْمٰاءِ. وَ فَضْلُ الْعٰالِمِ عَلَى الْعٰابِدِ كَفَضْلِ الْقَمَرِ عَلىٰ سٰائِرِ الْكَوٰاكِبِ. وَ إِنَّ الْعُلَمٰاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيٰاءِ و إِنَّ الْأَنْبِيٰاءَ لَمْ يُوَرِّثُوا دَرْهَماً وَ لٰا دِينٰاراً إِنَّمٰا وَرَّثُوا الْعِلْمَ فَمَنْ أَخَذَهُ أَخَذَ بِحَظٍّ وٰافِرٍ».[1]

«کسی که در راه علم بکوشد، خداوند به وسیله‌ی آن، راه بهشت را بر وی آسان می‌گرداند، فرشتگان بال رحمت را به خاطر خشنودی از طالب علم، بر او می‌گسترانند و هرچه در آسمان‌ها و زمین است از ماهی‌ها در آب و غیره برای اهل علم طلب آمرزش می‌کنند، برتری عالم بر عابد مانند برتری ماه است بر ستارگان، علما ورثه‌ی انبیا هستند، انبیا، چیزی به ارث نمی‌گذارند جز علم، هرکس آن را بتواند دریابد، بهره‌ی زیادی برده است.

سپس حدیث روایت شده از مُعاذ بن جبل رضی الله عنه نهایت برتری علم و علما را برای ما بیان می‌دارد که:

«تَعَلَّمُوا الْعِلْمَ فَإِنَّ تَعَلُّمَهُ لِلّٰهِ خَشْيَةٌ وَ طَلَبُهُ عِبٰادَةٌ وَ مُذٰاكَرَتُهُ تَسْبِيحٌ وَالْبَحْثُ عَنْهُ جِهٰادٌ وَ تَعْلِيمُهُ لِمَنْ لٰا يَعْلَمُهُ صَدَقَةٌ وَ بَذْلُهُ لِأَهْلِهِ قُرْبَةٌ لِأَنَّهُ مَعٰالِمُ الْحَلٰالِ وَالْحَرٰامِ وَ مَنٰارَ سُبُلِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ هُوَ الْأَنِيسُ فِي الْوَحْشَةِ وَالصّٰاحِبُ فِي الْغُرْبَةِ وَالْمُحَدِّثُ فِي الْخَلْوَةِ يَرْفَعُ اللّٰهُ بِهِ أَقْوٰاماً فَيَجْعَلُهُمْ فِي الْخَيْرِ قٰادَةً تَقْتَصُ آثٰارَهُمْ وَ يُهْتَدىٰ بِفِعٰالِهِمْ و يُنْتَهىٰ إِلىٰ رَأْيِهِمْ تَرْغَبُ الْمَلٰائِكَةَ في خُلَّتِهِمْ وَ بِأَجْنَحِتِهٰا تَمْسَحُهُمْ وَ يَسْتَغْفِرُ لَهُمْ كُلُّ رَطَبٍ وَ يٰابِسٍ وَ حَيْتٰانُ الْبَحْرِ وَ هَوٰامُهُ وَ

---

۱. ابوداود و ترمذی و ابن‌ماجه و دیگران.

سِباعُ الْبَرِّ وَ أَنْعامُهُ، لِأَنَّ الْعِلْمَ حَياةُ الْقُلُوبِ مِنَ الْجَهْلِ وَ مَصابيحُ الْأَبْصارِ مِنَ الظُّلْمِ يُبَلِّغُ الْعَبْدُ بِالْعِلْمِ مَنازِلَ الْأَخْيارِ وَالدَّرَجاتِ الْعُلىٰ فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ، اَلتَّفَكُّرُ فيهِ يَعْدِلُ الصِّيامَ وَ مُذاكَرَتُهُ تَعْدِلُ الْقِيامَ، بِهِ تُوصِلُ الْأَرْحامُ وَ بِهِ يُعَرَّفُ الْحَلالُ مِنَ الْحَرامِ وَ هُوَ إِمامُ الْعَمَلِ وَالْعَمَلُ تابِعُهُ يُلْهَمُهُ السُّعَداءُ وَ يَحْرُمُهُ الْأَشْقِياءُ».[1]

«به آموزش علم روی آورید که مایه‌ی ترس از خداست و طلب آن عبادت است، گفتگو درباره‌ی آن تسبیحات و تحقیق و پی‌جویی از آن به مانند جهاد و یاد دادن آن به کسانی که فاقد آنند، بخشش است و نسبت به آن‌هایی که شایستگی آن را دارند، مایه‌ی قربت الهی محسوب می‌شود. از علم، حلال و حرام دانسته می‌شود، دانش، مایه‌ی روشنی راه بهشت و بهشتیان می‌گردد، علم، همدمی است در تنهایی‌ها، دوستی است برای دوران غربت، سُخنگوی و مُخاطبی در خلوت است، خداوند به وسیله‌ی آن، گروه‌هایی را به رتبت و مقام دهد و راهنمای دیگران می‌گرداند که مردم از آن‌ها بیاموزند و از آن‌ها تعبیت کنند و به اندیشه‌ی آنان پی ببرند، فرشتگان را به دوستی با آن‌ها تمایل است و بال‌های رحمت و تواضعشان را برای آن‌ها می‌گشایند و برایشان طلب آمرزش کنند، هر آن‌چه در جهان هست از تر و خشک، ماهی‌ها در دریا، شن‌ریزه‌ها، حیوانات خشکی و چهارپایان برای آن‌ها به استغفار برمی‌خیزند، دانش به دل‌های مرده زندگی می‌بخشد، دیدگان را در تاریکی، روشنی‌بخش است، فرد را به مقام‌های والای دین و دنیا نایل می‌گرداند، تفکّر درباره‌ی علم برابر است با روزه، و درس و بحث آن چون نماز می‌باشد، سرّ صله‌ی ارحام با آگاهی و علم روشن می‌گردد،

۱. به روایت ابن‌عبدالبر تحری در کتاب العلم.

حلال و حرام در پرتو دانش شناخته می‌شود، البته ارزش علم به عمل و سرمایه‌ی عمل نیک، علم و آگاهی است، خوش‌بخت‌ها از آن بهره می‌گیرند و بخت‌برگشته‌ها از آن بی‌بهره می‌مانند».

آن حضرتﷺ، برتری مقام آموزگاران علم و معرفت را در حدیثی دیگر چنین بازگو می‌فرمایند: «إِنَّ اللّٰهَ سُبْحَانَهُ وَ مَلَائِكَتَهُ وَ أَهْلَ سَمٰوَاتِهِ وَ أَرْضِهِ حَتَّى النَّمْلَةُ فِي جُحْرِهٰا وَ حَتَّى الْحُوتُ لَيُصَلُّونَ عَلىٰ مُعَلِّمِ النَّاسِ الْخَيْرَ»:[۱] «همانا خدای سبحان و فرشتگان و هر آن‌چه در آسمان‌ها و زمین هست، از مورچه در لانه خود تا ماهی، به آموزندگان خیر و خوبی به دیگران، درود می‌فرستند».

در بیانی دیگر، آموزش علم را به دیگران بهترین صدقات و بخششها می‌دانند: «أَفْضَلُ الصَّدَقَةِ أَنْ تَعَلَّمَ الْمَرْءُ الْمُسْلِمُ عِلْماً ثُمَّ يُعَلِّمُهُ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ»:[۲] و باز می‌فرماید: «وَ أَجْوَدُكُمْ مِنْ بَعْدِي رَجُلٌ عَلَّمَ عِلْماً فَنَشَرَ عِلْمَهُ وَ يُبْعَثُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أُمَّةٌ وٰاحِدَةٌ»:[۳] «بخشنده ترین شما، پس از من، فردی است که علم آموزد و آن را به دیگران بیاموزاند تا در قیامت به عنوان امت واحدی برانگیخته شود». به این دلیل، اسلام، به مجالست با علمای عامل و مُخلص و رفتار نیک با آن‌ها، امر می‌کند و به احترام و بزرگداشت آن‌ها عنایت بسیار دارد، چون احترام آن‌ها، احترام و بزرگداشت پیامبر و رضایت خدا را به دنبال دارد. حضرتﷺ فرمود: «إِذٰا مَرَرْتُمْ بِرِيٰاضِ الْجَنَّةِ فَارْتَعُوا، قٰالُوا يٰا رَسُولَ اللّٰهِ مٰا رِيٰاضُ الْجَنَّةِ، قٰالَ مَجٰالِسُ الْعِلْمِ»:[۴] «چون به باغ‌های بهشت رسیدید از آن لذت برید و بهره‌ها بگیرید، عرض کردند: ای رسول خدا!

---

۱. ترمذی.
۲. ابن‌ماجه.
۳. ابویعلی و بیهقی.
۴. طبرانی.

کدام است؟ فرمود: مجالس علم و علما». و از ابی‌اُمامه نقل است که پیامبرﷺ فرمود: «إِنَّ لُقْمانَ قالَ لِابْنِهِ يا بُنَيَّ عَلَيْكَ بِمَجالِسَةِ الْعُلَماءِ وَاسْمَعْ كَلامَ الْحُكَماءِ فَإِنَّ اللّٰهَ لَيُحْيِي الْقَلْبَ الْمَيِّتَ بِنُورِ الْحِكْمَةِ كَما يُحْيِي الْأَرْضَ الْمَيْتَةَ بِوابِلِ الْمَطَرِ»:[۱] «لقمان به فرزندش گفت: فرزندم مجالست با علما را از یاد نبر و به سخنان آن‌ها و اندیشمندان توجه داشته باش که خداوند دلِ مرده را به نور حکمت زنده می‌گرداند همان طور که زمین بی‌آب و علف را به باران خرم سر سبز می‌گرداند». در حدیث دیگر می‌خوانیم، کسی که علما را احترام نگیرد، از اسلام واقعی بویی نبرده است. فرموده‌اند: «لَيْسَ مِنّا مَنْ لَمْ يُجَلَّ كَبِيرَنا وَ يَرْحَمْ صَغِيرَنا وَ يَعْرِفْ لِعالِمِنا حَقَّهُ»:[۲] «از ما نیست آنکه بزرگان را احترام ننهد و بچه‌ها را مورد عطوفت قرار ندهد و حقوق عالمان را مراعات ندارد». «تَعَلَّمُوا الْعِلْمَ وَ تَعَلَّمُوا لِلْمُعَلِّمِ السَّكِينَةِ وَالْوِقارِ وَ تَواضَعُوا لِمَنْ تَعْلَمُونَ مِنْهُ»:[۳] «علم بیاموزید و برای آن عزت و احترام قایل شوید و نسبت به استادانی که از آن‌ها مطلبی می‌آموزید، تواضع و فروتنی داشته باشید». باز هم می‌فرماید: «ثَلاثٌ لا يُسْتَخَفُّ بِهِمْ إِلَّا مُنافِقٌ ذُوالشَّيْبَةِ فِي الْإِسْلامِ وَ ذُو الْعِلْمِ وَ إِمامٌ مُقْسِطٌ»:[۴] «سه کس را جز منافق کسی خوار نمی‌دارد؛ پیر مسلمان، عالم، پیشوای دادگر».

در بیانات حضرت علیؑ آمده است: «اَلْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمالِ، اَلْعِلْمُ يَحْرِسُكَ وَ أَنْتَ تَحْرِسُ الْمالَ وَالْعِلمُ حاكِمٌ وَالْمالُ مَحْكُومٌ عَلَيْهِ وَالْمالُ تَنْقُصُهُ النَّفَقةُ وَالْعِلْمُ يَزْكُو بِالْإِنْفاقِ» و فرمود: «اَلعالِمُ أَفْضَلُ مِنَ الصّائِمِ الْقائِمِ الْمُجاهِدِ وَ إِذا ماتَ الْعالِمُ ثَلِمَ فِي الْإِسْلامِ ثُلْمَةٌ لا يَسُدُّها إِلّا خَلَفٌ مِنْهُ»:

---

۱. طبرانی و دیگران.
۲. احمد.
۳. طبرانی و دیگران.
۴. طبرانی.

«دانش از ثروت بهتر است، علم در بند توست و تو در بند مال، علم فرمانروا است و مال فرمانبر آن. مال و ثروت با خرج و بخشش نقصان پذیرد و علم روبه افزونی می‌نهد» و «عالم از روزه‌دارِ عبادت‌گزارِ مجاهد، والاتـر است، چون عالمی بمیرد، شکافی و ضایعه‌ای در عالم اسلام حاصل می‌شود که جز با عالمی دیگر «که جای او را پُر کند» جبران نمی‌شود و فرمود:

مَـا الْـفَخْرُ إِلَّا أَهْـلِ الْـعِلْمِ أَنَّـهُمُ عَلَى الْهُدىٰ لِمَنِ اسْتَهْدىٰ أَدِلّٰاءُ
وَ قَدْرُ كُلُّ امْرِىءٍ مٰا كٰانَ يُحْسِنُهُ وَالْجٰاهِلُونَ لِأَهْلِ الْـعِلْمِ أَعْـدٰاءُ
فَفُزْ بِـعِلْمٍ تَـعُشْ حَـيّاً بِـهِ أبَـداً اَلنّٰاسُ مَوْتىٰ وَ أَهْلُ الْعِلْمِ أَحْيٰاءُ[1]

«ارزش واقعی ازآنِ اهل علم است که آن‌ها خود بر هدایت‌اند و راهنمایان اهل سعادت، البته ارزش هر کس در اوصاف و خصایلی است که او را بیاراید، طبیعی است اگر نادانان با آنان در نبرد و ستیزه‌اند، تو دانش بیآموز و از آن راه کامیاب شو تا همواره زنده و پایدار بمانی که همه می‌میرند و زندگان واقعی، دانایانند».

همره عقل و یار جان، علم است در دوگیتی حصارِ جان علم است
خفته‌ای، بر سر تو بیدارست مرده‌ای حقیقتت یار است
جَوْهَر او نپوسد اندر آب آتش او نسوزد اندر تاب
می‌روی با دل تو همراه است می‌نشینی زجانت آگاه است
کس نهانش به خاک نتوان کرد تندبادش هلاک نتوان‌کرد

«اوحدی»

---

۱. از احیاء علوم الدین امام غزالی ج ـ ۱

مسؤولیت علما در برابر خدا

بنابر آن‌چه گذشت، مسلماً مسؤولیت آگاهان بیشتر از دیگران است، گفته‌اند: آنان یا کسانی هستند که در مسیر نابودی همیشگی‌اند یا سعادتمندانی جاویدند (گمراه یا بر هدایت‌اند) پس اهل علم باید شرایط علم و آگاهی را در نظر داشته باشد، عمَلشان را با آگاهی خود تطبیق دهند، مخلصانه در راه تعلیم دیگران برآیند، از دیگران چیزی از دانش خود دریغ ندارند.

حضرت رسولﷺ فرمود: «مَنْ سُئِلَ عَنْ عِلْمٍ فَكَتَمَهُ أُلْجِمَ يَوْمَ الْقِيامَةِ بِلِجامٍ مِنْ نارٍ»:[1] «کسی که او را از چیزی بپرسند و او بداند و فروگذاری کند در قیامت با لگامی از آتش در بندش کشند». و باز هم فرمود: «أَشَدُّ النّاسِ عَذاباً يَوْمَ الْقِيامَةِ عالِمٌ لَمْ يَنْفَعْهُ عِلْمُهُ»:[2] (سخت‌ترین عذاب انسان‌ها در قیامت عالِمی است که خود از دانشش بهره‌ای نجسته» و فرمود: «لا يَكُونُ الْمَرْءُ عالِماً حَتّىٰ يَكُونَ بِعِلْمِهِ عامِلاً»: «شخص، عالم واقعی محسوب نخواهد شد تا زمانی که به علم خود عمل نکند». در دعاهای آن حضرتﷺ می‌خوانیم: «اَللّٰهُمَّ إِنّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لا يَنْفَعُ»: «خدایا پناه بر تو، از دانشی که به ما سود ندهد».

از من بگوی عالم تفسیر گوی را ... گر در عمل نکوشی نادان مفسّری

«سعدی»

---

۱. ابوداود و دیگران.

۲. ابوداود و دیگران.

علمای بد

عالم آن کس بود که بد نکند   نه بگوید به خلق و خود نکند

«سعدی»

از علمای بد باید دوری کرد، شرط علم و عالمی، لباس و ظاهر بس آراسته‌ی آنان نیست. کم نیستند کسانی که تدّین را فراموش کرده، ثروت و مقام زودگذر دنیایی را بر همه چیز برتری داده‌اند. بارها مشاهده کرده و می‌کنیم که افرادی از عالمان با انواع فریب‌کاری و نفاق، تملّق و ریا و چاپلوسی، وجود شریف خود را آلوده کرده آیات الهی را به اندک بهایی معامله نموده‌اند. حضرت رسولﷺ فرمود: «إِنّي لاٰ أَتَخَوَّفُ عَلىٰ أُمَّتي مُؤْمِناً وَ لاٰ مُشْرِكاً فَأَمَّا الْمُؤْمِنُ فَيَحْجِزُهُ إِيمٰانُهُ وَ أَمَّا الْمُشْرِكُ فَيَقْمِعُهُ كَفْرُهُ وَ لٰكِنْ أَتَخَوَّفُ عَلَيْهِمْ مُنٰافِقاً عٰالِمِ اللِّسٰانِ يَقُولُ مٰا تَعْرِفُونَ و يَعْمَلُ مٰا تُنْكِرُونَ»:[۱] «من نمی‌ترسم بر امتم که مؤمن یا مشرک باشند چه مؤمنان در پرتو ایمانشان موفقند و مشرکان راکفرشان نابود کند، اما ترسم بر اُمت، از عالِمی است که به زبان، آن‌چه راکه نیک می‌دانید می‌گوید و در عمل آن‌چه راکه منکر است، انجام می‌دهد».

«چون به خلوت می‌روند، آن کار دیگر می‌کنند»   «حافظ»

و فرمود: «لَأَنَا مِنْ غَيْرِ الدَّجّٰالِ أَخْوَفُ عَلَيْكُمْ مِنَ الدَّجّٰالِ فَقيلَ وَ مٰا ذٰلِكَ فَقٰالَ مِنَ الْأَئِمَّةِ الْمُضِلّينَ»: «من علاوه بر دجّال (در روایات)، بر شما بیمناکم از دجّالی دیگر، عرض شد و آن کیست، فرمود: از پیشوایان گمراه و گمراه کننده». از حضرت عمربن خطابؓ نقل است: «إِنَّ أَخْوَفَ مٰا أَخٰافُ عَلىٰ

---

۱. طبرانی و دیگران

هٰذِهِ الْأُمَّةِ، اَلْمُنٰافِقَ الْعَلیمِ، قٰالُوا: وَكَیْفَ یَكُونُ مُنٰافِقاً عَلیماً؟ قٰالَ عَلیمُ اللِّسٰانِ، جٰاهِلُ الْقَلْبِ وَالْعَمَلِ»:[۱] «بیشتر از هر چیز، بر شما می‌ترسم از گرفتار شدن در دام منافق آگاه، عرض کردند، چگونه منافق، آگاه است؟ فرمود: از نظر زبان و بیان، عالم و آگاه است، امّا از نظر عمل و درون، نادان است».

سعید بن مسیّب گفت: چون دیدی عالِمی با امرا، آمد و شد دارد در ادای امانتش شک کنید.

شاعری در این باب خوب گفته است:

یٰا مَعْشَرِ الْقُرّٰاءِ یٰـا مِـلْحَ الْـبَلَدِ　　　مٰا یُصْلِحُ الْمِلْحُ إِذَا الْمِلْحُ فَسَدَ؟

«ای آن‌هایی که فصیح و چیره زبانید و درمان درد دیگران، اگر درمان تباه شود و نمک بگندد، چاره‌اش با چه توان کرد؟».

بار درخت علم ندانم به جـز عـمل　　با علم اگر عمل نکنی شاخ بی‌بری
علم آدمیّت است و جوانمردی و ادب　　ور نه ددی به صورت انسان مصوّری

«سعدی»

وظیفه‌ی آگاهان و اوصاف شایسته‌ی آنان

لزوم هماهنگی بین علم و عمل، داشتن متانت و وقار لازمه‌ی دانش، دوری از کبر و خودپسندی، وجود صبر و شکیبایی در عمل، سادگی بیان در حلّ مسائل، نداشتن غرور و واهمه از گفتن «نمی‌دانم» که در غیر این صورت فرد از تحقیق و تتّبع باز می‌ماند، خلوص و یکرنگی در پاسخ‌گویی، پرهیز از تکلُّف و تصنّع در گفتار، توجه کامل به سؤال و دلایل شنونده، پذیرفتن سخن حق و برهان درست از هرکس.

---

۱. احیاء علوم الدین، ج، ۱.

عالم واقعی، در پرتو دانش درست می‌آموزد که: سِعَه صدر داشته باشد، نیک بیندیشد، به دیگران دشنام ندهد نسبت به این و آن مظنون و بدبین نباشد، از راه شرع و ایمان منحرف نگردد، با مردم با مسامحه و گذشت و رحمت رفتار کند، از کینه توزی و فریبکاری و هتّاکی و بر چسب زدن به فلان و بهمان بپرهیزد، انسانها را دوست بدارد و مدافع حقوق آن‌ها باشد، از تحقیق و مطالعه کوتاهی نکند، نظر درست دیگران را محترم بشمارد، از تملّق و چرب زبانی و دروغ و دورویی برحذر باشد. همیشه درست اندیش و راست گفتار بماند، بدون اطمینان خاطر و داشتن سند و روایت از کسی روایت و نقل خبر نکند، آتش اختلاف نظرها و مجادلات را دامن نزند، کاری بکند که هر کس به نوبه و در خور توانایی خود، از او بهره‌ی کافی بگیرند، بنا به گفته‌ی امام غزّالی رحمه الله، دانستنی‌هایش را در راه مصالح امرا و سلاطین فدا نکند که مایه سر شکستگی و رذالت او را فراهم خواهد کرد.

بر خرد خویش بر ستم نتوان کرد　　　خویشتن و خویش را دژم نتوان کرد
قانع بنشین و هر چه داری بپسند　　　کا زادگی و بندگی به هم نتوان کرد
دانش و آزادگی و دین و مروت　　　این همه را بنده‌ی درم نتوان کرد

«عنصری»

آداب شاگرد و استاد

۱. وظایف شاگرد نسبت به استاد

درس و بحث و دیدار را با سلام آغاز کند. در محضر او کم بگوید و [بیشتر بشنود]، در مقابل او برپای خیزد، نظر مخالفان را بر روی او نیاورد، با حضور او از هم‌شاگردی‌هایش سؤال نکند، در خطاب با او از خنده‌ی بی‌موقع بپرهیزد و با ذکر و بیان طنز دیگران، او را نرنجاند. مایه‌ی خستگی و

ملالت خاطر او را فراهم ننماید.[۱] در نهایت علاقه‌مندی و محبّت سؤال کند. قصد مغلوب کردن و ناتوان ساختن استاد را نداشته باشد. هنگام عصبانیت استاد و احساسی شدن او آرام بماند، در هر حال منظور او یادگیری و استفاده از محضر استاد باشد. از امر و نهی و تحکّم در عمل و بیان دوری کند. سراپا متواضع بماند. تعلّم را امری عبادی دانسته، همواره از این کار و یادگیری ثواب و افتخار معنوی را در نظر دارد؛ شاعری در این زمینه می‌گوید:

اَلعِلْمُ حَرْبٌ لِلْفَتَى الْمُتَعٰالي   كَالْيَسِلِ حَرْبٌ لِلْمَكٰانِ الْعٰالي

از تملق و چرب زبانی دوری کند، اما تشکر و قدردانی و سپاس را هیچ‌گاه از یاد نبرد، تواضع در برابر استاد از ادب است در احادیث و روایات آمده است: «لَيْسَ مِنْ أَخْلاقِ الْمُؤْمِنِ التَّمَلُّقُ إِلّا في طَلَبِ الْعِلْمِ»:[۲] اگر احیاناً با استادی روبه‌رو شد که حال و احوالش ناپسند و مخالف آداب اسلامی بود، او فقط به یادگیری علم اکتفا نماید که حکمت، گم‌شده‌ی مؤمن است، از هرجا که ممکن شود آن را دریابد. احمد شوقی در رعایت احترام استاد، سخنی زیبا دارد:

قُمْ لِلْمُعَلِّمِ وَفِّهِ التَّبْجيلا   كٰادَ الْمُعَلِّمُ أَنْ يَكُونَ رَسُولاً

«به احترام و ادای وظایف و حقوق استادت بپرداز و بر خدمت او قیام کن چه‌بسا معلم چون فرستاده‌ی خداست» معلّم و استاد، پدر معنوی و روحی دانش آموز محسوب می‌شود و تربیت و رشد و معنویت و اخلاق او را همواره در نظر دارد. «ابودرداء ﷺ» معلّم و متعلّم را دو دوست خیر خواه و لازم و ملزوم هم می‌داند و یقیناً هم باید چنین باشد.[۳]

---

۱. از «الأدب في الدين» امام غزالی.
۲. روایت از ابن‌عدی به نقل از معاذ و أبی‌امامه.
۳. «روح الإسلام» از محمد عطية الأبراشی.

هیچ یادم نرود ایـن مـعنی | که مرا مادر مـن نـادان زاد
پدرم نیز چو، استادم دیـد | گشت از تـربیت مـن آزاد
پس مرا منّت از استاد بـود | که به تعلیم من اُستاد، استاد

وظایف و رفتار شاگرد در ایّام تحصیل

۱. به پاکی درون از رذایل بپردازد که تعلّم و تعلیم عبادت است و عبادت جز با طهارت قلب و آراستگی به اخلاق بزرگوارانه از قبیل صدق و اخلاص و تقوی و فروتنی و پرهیز از زشتی‌ها ممکن نمی‌گردد.

۲. از یادگیری، قصد آراستگی روان و روح بـه فـضایل و قـرب الهـی را داشته باشد نه تظاهر در انظار مردم و فخر فروشی و مباهات به دانستنی‌ها و جاه و جلال.

۳. در نهایت صـبر و شکـیبایی، رنـج غـربت و دوری از شـهر و دیـار و خانواده را پذیرا شود و بـرای پـی‌جویی و تـحقیق و تـتبّع از سـفر بـه نـقاط دوردست و بزرگ‌تر هم رویگردان نباشد.

۴. محل درسـی را زیـاد تـغییر نـدهد و لازم است قـبل از تـغییر مـحل، مشکلات لازم را متحمّل شده، به خودسازی بپردازد.

۵. گرامیداشت و احترام اساتیدش به جهت کسب رضایت خدا باشد و در این مورد از چیزی فروگذاری ننماید.

۶. استاد را با طرح سؤال‌های بسیار [و نامناسب و بی مورد] در تنگنا قرار ندهد، در راه رفتن از او جلو نیفتند، در جای او ننشیند و بدون اجازه و قبل از او به گفتگو نپردازد.

۷. به فاش کردن اسرار و غیبت دیگران اقدام نکند و در پی آزار و آسیبی به استاد نبوده، عذر او را همیشه پذیرا باشد.

۸. در درس‌هایش جدیت و تصمیم قاطع داشته باشد و در راه کسب معرفت و شناخت، شب از روز باز نشناسد و در علم، اولویت‌ها را در نظر گیرد.

۹. روح محبت و دوستی را بین هم‌شاگردانش برقرار نماید و همه را همچون افراد یک خانواده بداند.

۱۰. همیشه اهل تحقیق و تعّمق باشد، خصوصاً در اوقات مناسب و آخر شب‌ها مطالعه را از یاد نبرد.

۱۱. در سراسر زندگی جویای حقیقت باشد و فزونی اطلاعات مفید و علومی را که منافاتی با اسلام ندارند، از خاطر دور ندارد.

زمانی میاسای ز آموختن — اگر جان همی‌خواهی افروختن
نگهدارِ تن باش و آنِ خرد — چو خواهی که روزت به بد نگذرد

«فردوسی»

۲. مهم‌ترین اخلاق و خصایلی که یک معلّم باید داشته باشد

من که به تعلیم میان بسته‌ام — از غرض سود و زیان بسته‌ام
کوششم از روی خردمندی است — خاص پی فضل خداوندی است
کی به جز ای دگر آلایمش — و ز غرض آلودگی اَفزایَمَش؟

«جامی»

اخلاق و ویژگی‌های یک معلّم خوب

۱. معلم باید به اصلاح نفس خود بپردازد و در تعلیم و تربیت منظوری جز رضایت خداوند متعال نداشته باشد.

۲. درون و برونش را از خطاها و لغزش‌ها پاک و منزّه دارد.

۳. اخلاص را مهم‌ترین عامل توفیق در همه‌ی کارها و خصوصاً در تعلیم و تربیت دیگران بداند.

۴. خود سعه‌ی صدر داشته باشد و این صفت را به دانش آموزانش انتقال دهد.

هر هُنر که استاد بدان معروف شد		جان شاگردش بدان موصوف شد

«مولوی»

۵. از وقار و سنگینی و احترام خاصی برخوردار بوده از هرچه دونِ شأن معلّمی است، اجتناب ورزد.

۶. او علاوه بر این‌که یک معلّم است باید پدری مهربان برای فراگیرانش باشد و در آموزش و تعلیم، هریک را در حدّ توان و استعدادش یاری دهد، تبعیض روا ندارد. درکنار تفهیم مسایل لازم، به احساسات آن‌ها توجه داشته باشد.

۷. از نظر روان‌شناسی، آشنایی با طبیعت و استعداد کودکان، امیال و عادات و ذوق انسان‌ها را در نظر داشته هم‌چنین هم‌زمان با رشد عقلانی و استعداد آن‌ها خود نیز در تعالی و رشد باشد.

۸. در دروس انتخابی، تخصصی را دارا گشته، مسایل مربوط به آن را عمیقاً در نظر داشته باشد و در امر آموزش، سطحی‌نگر نبوده، در هر مورد جانب اعتدال را از دست ندهد.

۹. میان غنی و فقیر در تعلیم و تربیت، تفاوتی قایل نشود و شاگردان را برای کارهای خصوصی و منزل به خدمت خویش نگمارد، از سخت‌گیری و تنبیه بدنی در غیر نیاز و بیشتر از حدّ نیاز تربیتی بپرهیزد، با آن‌ها به شوخی و مضحکه نپردازد، آنان را از غیبت و نمّامی و سخن‌چینی و دیگر رذایل بازدارد.

۱۰. هیچ‌گاه از بیان مسایل دینی و اسلامی و اخلاق باز نماند [در فاصله‌ی درس و به بهانه‌های مختلف مطالب ضروری را بیان دارد].

ادب نفس (توجه به خویشتن خویش)

نفس، امّاره به سوء است و هوا و هوس انسان‌ها را گمراه می‌کند، پس در هر حال باید به تربیت و تزکیه‌ی آن پرداخت، خدای تعالی می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا و قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا»:[1] «توفیق ازآنِ کسی است که تزکیه‌ی نفس کند و نومیدی و حسرت بهره‌ی آن شخص که نفس را رها سازد».
پیامبرﷺ فرمود: «كُلُّ النَّاسِ يَغْدُوا فَبَائِعٌ نَفْسَهُ فَمُعْتِقُهَا أَوْ مُوبِقُهَا:[2] «هرکس صبح از خانه بیرون رود، با نفس خود رویه‌رو است، یا رهایش می‌سازد و یا آن را تحت کنترل [عقل، شرع] قرار می‌دهد».

اگر مسلمان بخواهد که خود را از گناهان و خطاها و مناهی در گفتار و کردار باز دارد و فردی شایسته و درخور بماند که سعادتمند دو دنیا گردد، باید موارد زیر را در نظر داشته باشد:
۱. توبه؛ خدای تعالی می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحاً عَسىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ يُدْخِلكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ»[3] «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به درگاه خداوند توبه‌ی خالصانه کنید چه‌بسا پروردگارتان گناهانتان را بزداید و شما را به بوستان‌هایی که جویباران در زیر آن جاری است درآورد».
پیامبرﷺ فرمود: «يَا أَيُّهَا النَّاسَ تُوبُوا إِلَى اللَّهِ فَإِنِّي أَتُوبُ فِي الْيَوْمِ مِائَةَ

---

۱. الشمس؛ ۱۰.
۲. مسلم
۳. التحریم؛ ۸.

مَرَّةٍ»:[1] «ای مردم! به درگاه خداوندی توبه کنید که من روزی صد بار توبه می‌کنم». آگاهان گفته‌اند: توبه از هر گناهی لازم است، اگر خطا و اشتباهات مربوط به حق تعالی است، موارد زیر را به‌جا آورد:

اوّل: ترک گناه؛ دوم: پشیمانی و احساس زیانمندی از گناه؛ سوم: گرفتن تصمیم به عدم ارتکاب مجدّد.

و اگر مربوط به حق الناس است، علاوه بر سه شرط فوق، کسب حلالیت از طرف و در مورد مسایل مادی با ردّ و جبران مافات و اگر از نوع تهمت و غیبت و امثال آن است با درخواست عفو و گذشت از کسی که حقش تضییع شده است در هر حال و به هر شیوه؛ توبه امر لازمی است و هر چه زودتر به آن اقدام کند بهتر است.

چون خطایی از تو سر زد در پشیمانی گریز
کز خطا نادم نگردیدن خطای دیگر است

«صائب تبریزی»

۲. مراقبه یعنی خدا را در نظر داشتن در هر کاری و در هر حال و احوالی، خدای تعالی می‌فرماید: ﴿وَ كَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ رَقِيباً﴾:[2] «خداوند نسبت به همه ناظر و مراقب است» و فرمود: ﴿إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيباً﴾:[3] «خداوند مراقب شماست»، پیامبرﷺ فرمود: «اُعْبُدُ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ»:[4] «خدای را آن چنان بندگی کن که تو او را می‌بینی، چه اگر تو او را نبینی، او تو را در هر حال مراقب است». یکی از شعرا در همین زمینه چنین سروده است:

---

۱. رياض الصالحين باب توبه
۲. الأحزاب؛ ۳۳.
۳. النساء؛ ۴.
۴. متفقٌ عليه.

إذا ما خَلَوْتَ الدَّهْرَ يَوْماً فَلا تَقُلْ خَلَوْتُ وَ لٰكِنْ قُلْ عَلَيَّ رَقيبُ
وَ لا تَحْسَبَنَّ اللّٰهَ يَفْعَلُ ساعَةً وَ لا أَنْ ما تُخْفيٰ عَلَيْهِ يَغيبُ
أَلَمْ تَرَ أَنَّ الْيَوْمَ أَسْرَعُ ذاهِبٌ وَ إِنَّ غَداً لِلنّاظِرينَ قَريبُ

«اگر تنهایی، نگو تنهایم، بگو خداوند ناظر حال و احوالم است، فکر نکن خدا ساعتی از تو غافل بماند و یا آن‌چه تو پنهان داری از نظر او ناپیداست، نمی‌بینی روزگار به سرعت تمام می‌گذرد و فرداها برای آگاهان و منتظران، نزدیک نزدیک است؟»

۳. محاسبه و حسابرسی اعمال، یعنی ناظر به حال و احوال خود باشیم، از ادای فرایض و ترک مناهی و اجرای دستورات الهی، آن چنان که یک تاجر به سود و سرمایه‌اش توجّه دارد. ادای فرایض و اوامر را چون اصل سرمایه، سنّت‌ها و مستحبات را هم‌چون سود، گناهان را به مثابه‌ی خسارت و زیان در معامله به نظر آوریم.

در روز، ساعتی با خود خلوت کرده، کرده‌های خود را بازنگری کنیم و ناشایست‌ها را با اعمال صالح و نقایص را با توبه و استغفار، جبران و با زیاد کردن اعمال خیر و حسنات [بر سیئاتمان خطی بکشیم] خدای تعالی می‌فرماید: ﴿يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا اتَّقُو اللّٰهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ ما قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُو اللّٰهَ إِنَّ اللّٰهَ خَبيرٌ بِما تَعْمَلُونَ﴾:[۱] «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! تقوای خدا داشته باشید و هر کس باید درباره‌ی کار فردایش بیندیشد، تقوای خدا را پیشه کنید که خداوند از آن‌چه که شما انجام می‌دهید آگاه است».

۴. مجاهده، مبارزه با نفس و هوا و هوس و اهریمن و دشمنی با خواسته‌های ناروا و وسوسه‌ها و شهوات حرام. خدای تعالی می‌فرماید:

---

۱. الحشر: ۱۸.

﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَ إِنَّ اللّٰهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾:[۱] «کسانی را که در راه ما به جهاد با نفس می‌پردازند، به راه راست هدایت کنیم و خداوند یار نیکان و یاور نیکوکاران است».

رفتار با دیگران

حضرت رسول ﷺ فرمود: «اَلْخَلْقُ عَيَالُ اللّٰهِ وَ أَحَبُّهُمْ إِلَى اللّٰهِ أَنْفَعُهُمْ لِعَيَالِهِ»: «مردم وابستگان حق‌اند، محبوب‌ترین و بهترین آن‌ها کسانی هستند که برای هم‌دیگر (این وابستگان به خدا) مفید و سودمند باشند».

با خلق، به خُلق زندگانی می‌کن — نیکی همه وقت تا توانی می‌کن
کار همه کس برآر از دست و زبان — وانگه نشین و کامرانی می‌کن

«بابا افضل»

لازم است که هر شخص مسلمان موارد زیر را مراعات دارد:

۱. دوری از اذیت و آزار دیگران [به هر شکل و طریق = پیامبر ﷺ فرمود: مسلمان واقعی کسی است که دیگران از دست و زبان او در امان باشند].

۲. آن‌چه را که برای خود دوست ندارد برای دیگران هم نپسندد.

هر بد که به خود نمی‌پسندی — با کس مکن ای برادر من

۳. نسبت به همه متواضع و فروتن باشد و از فخر فروشی و تکبّر بپرهیزد.

۴. پیران را احترام بگزارد و به کودکان رحم و عطوفت داشته باشد.

۵. با همه خوشرویی کند.

۶. بین کسانی که با هم اختلافی دارند، آشتی برقرار کند.

۷. حرف کسی را علیه دیگری گوش نکند و به دیگران نرساند، مگر آن‌چه مایه‌ی اصلاح و آشتی باشد.

---

۱. عنکبوت: ۶۹.

۸. اگر با کسی قهر کرده قبل از اتمام سه روز، راه آشتی را پیش گیرد.

۹. با هر کس که می‌تواند (خوب یا بد) نیکی کند.

۱۰. شخصیت هرکس را در جای خود بشناسد و برای آن‌ها احترام قایل شود ولو در ارتباط با مسایل دنیایی هم باشد.

۱۱. در حفظ آبروی دیگران کوشا باشد.

۱۲. از آن‌چه که موجب تهمت و سوءِظن دیگران می‌شود دوری کند تا دیگران را به ناحق دچار غیبت و اتهام نکرده باشد.

۱۳. در رفع نیاز نیازمندان در حدّ امکان بکوشد چه رأساً و شخصاً به عنوان عامل خیر و راهنما.

۱۴. با انسان‌های بد مُدارا کند تا از شر و آفت آنان در امان ماند (البته اگر با دین و آیین اسلام مبانیتی نداشته باشد).

۱۵. به نزد ثروتمندان کم‌تر برود و بیشتر با انسان‌های کم‌مایه و طبقات پایین‌دست اجتماع، آمد و شد داشته باشد.

۱۶. طرح دوستی با کسی به جهت فایده رساندن به او باشد، یا خود در این مسیر بهره‌ای ببرد.

۱۷. از اهل غفلت و کفر و انسان‌های گمراه دوری کند.[۱]

رفتار مسلمانان با همدیگر

مسلمان، معتقد است که برادر و هم‌نوع مسلمانش حقوقی دارد و او هم وظایفی را داراست که باید آن‌ها را به‌جا آورد. اهمّ این وظایف که خود یک نوع عبادت محسوب می‌شود، عبارتند از:

---

۱. به اختصار از اربعین امام غزالی

۱. هنگام ملاقات با او، قبل از هر سخنی به سلام و احوال‌پرسی بپردازد و بگوید: «اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ» و طرف هم خواهد گفت: «وَ عَلَيْكُمُ السَّلَامُ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَكَاتُهُ». حضرت رسولﷺ فرمود: «يُسَلِّمُ الرَّاكِبُ عَلَى الْمَاشِيُّ وَالْمَاشِي عَلَى الْقَاعِدِ وَالْقَلِيلُ عَلَى الْكَثِيرِ»:[1] «شخص سواره به پیاده و پیاده بر نشسته و جماعت اندک به تعداد بیشتر سلام کنند». و فرمود: «مَا مِنْ مُسْلِمَيْنِ يَلْتَقِيَانِ فَيَتَصَافَحَانِ إِلَّا غَفَرَ لَهُمَا قَبْلَ أَنْ يَتَفَرَّقَا»:[2] «هیچ دو مسلمانی نیست که چون به هم برسند و با هم مصافحه کنند مگر این‌که خدای متعال قبل از جدا شدن از هم گناهشان را آمرزیده باشد». (مصافحه اختیاری است و بستگی به شرایط خاص دارد).

۲. هنگام عطسه، هم‌نوعش را تشمیت کند یعنی اگر شخصی که عطسه کرده گفت: «اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ» او بگوید: «يَرْحَمُكَ اللّٰهُ» و در جواب طرف مقابل خواهد گفت: «يَغْفِرُ اللّٰهُ لي وَ لَكَ» یا «يَهْديكُمُ اللّٰهُ وَ يُصْلِحُ بٰالَكُمْ»: «خداوند هدایت کند تو را و کار و بارت را خوب گرداند»، حضرت رسولﷺ به هنگام عطسه دستش یا دستمالی را جلو دهان و بینی می‌گرفته و همیشه به آرامی عطسه می‌کردند.[3]

۳. در بیماری دوستش، به عیادت او رود و تندرستی و عافیت او را از خدا مسألت دارد. حضرت رسولﷺ همیشه به عبادت همه می‌رفتند و با دست مبارکشان روی بیمار را لمس کرده دعا می‌فرمودند: «اَللّٰهُمَّ رَبَّ النَّاسِ اَذْهِبِ الْبَأْسَ اِشْفِ أَنْتَ الشَّافِي لَا شِفَاءَ إِلَّا شِفَاؤُكَ شِفَاءً لَا يُغَادِرُ سُقْماً»:[4] «خدایا! ای

---

۱. متفقٌ علیه. ۲. ابوداود و ابن‌ماجه و ترمذی.
۳. [در کلّ این موارد، نظر مبارک ایشان و شارع مقدس ایجاد اُخوت و فضای کاملاً دوستانه و سراپا اخلاص است تا به نحوی از تنّفر و بی‌تفاوتی و دشمنی و عناد نسبت به هم بکاهند.]
۴. متفقٌ علیه.

پروردگار مردم! ناراحتی و درد را بردار و شفا بده که تو شفابخشی و هیچ شفایی جز شفای تو نیست، شفایی عطا کن که چیزی از بیماری باقی نگذارد».

۴. در تشییع جنازه‌ی برادر مسلمان حاضر شود؛ حضرت رسولﷺ فرمود: «حَقُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ خَمْسٌ: رَدُّ السَّلَامِ و عِيَادَةُ الْمَرِيضِ وَاتِّبَاعُ الْجَنَائِزِ وَ إِجَابَةُ الدَّعْوَةِ وَ تَشْمِيتُ الْعَاطِسِ»: «حق مسلمان بر مسلمان، پنج چیز است: ۱. جواب سلام؛ ۲. عیادت مریض؛ ۳. تشییع جنازه؛ ۴. قبول دعوت او؛ ۵. دعای خیر در هنگام عطسه کردن».

۵. اگر هم‌نوعش در موردی سوگندی یاد کند، او سوگندش را باور دارد [به او اطمینان داشته باشد].

۶. اگر از او در چیزی درخواست راهنمایی کردند، پاسخ مثبت دهد.

۷. آن‌چه برای خود می‌خواهد برای دیگری هم بخواهد و هر آن‌چه را برای خود نمی‌پسندد برای دیگران هم روا ندارد.

۸. در موارد نیازمندی، دیگران را در حدّ امکان کمک کند و در رفع نیاز آن‌ها بکوشد.

۹. به هیچ وجه مایه‌ی کدورت و ناراحتی برادر مسلمان را فراهم ننماید که حضرت رسولﷺ فرمود: «كُلُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ حَرَامٌ دَمُهُ وَ مَالُهُ وَ عِرْضُهُ:[1] «هر مسلمانی باید حُرمت خون و مال و آبروی مسلمانان را نگاه دارد».

۱۰. متواضع باشد و از تکبر پرهیز کند، و به دیگران زور نگوید.

۱۱. با هم‌نوع مسلمانش بیش از سه روز در حالت قهر باقی نماند.

---

۱. مسلم

حضرتﷺ فرمود: «لا يَحِلُّ لِمُسْلِمٍ أَنْ يَهْجُرَ أَخاهُ فَوْقَ ثَلاثٍ يَلْتَقِيانِ فَيَعْرِضُ هٰذا وَ يَعْرِضُ هٰذا و خَيْرُهُمَا الَّذي يَبْدَأُ بِالسَّلامِ»:[۱] «روا نیست دو مسلمان بیش از سه روز با هم قهر باشند، چون به هم برسند، هریک از دیگری اعراض و رویگردانی داشته باشد، بهترین آن دو، کسی است که با سلام راه آشتی را هموار کند».

۱۲. به غیبت و بدگویی و تحقیر و مسخره و نمّامی مسلمان دیگر نپردازد که موجب آشوبگری در جامعه‌ی مسلمانان می‌شود. پیامبرﷺ فرمود: «اَتَدْرُونَ مَا الْغِيبَةُ قالُوا اللّٰهُ وَ رَسُولُهُ أَعْلَمُ قالَ ذِكْرُكَ أَخاكَ بِما يَكْرَهُ قيلَ أَرَأَيْتُ إِنْ كانَ فِي أَخي ما أَقُولُ، قالَ إِنْ كانَ فيهِ ما تَقُولُ فَقَدِ اغْتَبْتَهُ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ فيهِ ما تَقُولُ فَقَدْ بَهَتَّهُ»:[۲] «آیا می‌دانید غیبت چیست؟ عرض کردند: خدا و رسولش بهتر می‌داند، فرمود: گفتن چیزی درباره‌ی دیگری که او را ناخوش آید، عرض شد: اگر آن‌چه را که می‌گوییم در او باشد، باز غیبت است؟ فرمود بلی، اگر آن‌چه می‌گویی در او موجود باشد، غیبت محسوب می‌شود، چون اگر نباشد بهتان و افترا خواهد بود و به تهمت پرداخته‌ای».

۱۳. به کسی دشنام ندهد، کوچک یا بزرگ، مرد یا زن. حضرتﷺ فرمود: «سِبابُ الْمُسْلِمِ فُسُوقٌ وَ قِتالُهُ كُفْرٌ»:[۳] «دشنام دادن به مسلمانان فسق و تباهی و کُشتن او، کفر و خلاف دستور حق است» و باز هم فرمود: «مِنَ الْكَبائِرِ أَنْ يَشْتِمَ الرَّجُلُ والِدَيْهِ قيلَ وَ هَلْ يَسُبُّ الرَّجُلُ والِدَيْهِ؟ قالَ نَعَمْ يَسُبُّ أَبَا الرَّجُلِ فَيَسُبُّ الرَّجُلُ أَباهُ فَيَسُبُّ أُمَّهُ»:[۴] «از گناهان کبیره است این‌که شخصی به پدر و مادرش دشنام دهد؛ عرض شد چگونه کسی به پدر و مادر

---

۱. متفقٌ علیه.
۲. مسلم.
۳. متفقٌ علیه.
۴. متفقٌ علیه.

خود دشنام می‌دهد، پیامبرﷺ فرمود: وقتی شخصی پدر کسی را دشنام دهد، او هم پدر و مادر او را به باد دشنام می‌گیرد».

۱۴. نسبت به دیگران حسود و بدبین نباشد، از دشمنی و جاسوسی در حق آن‌ها دوری کند. حضرت رسولﷺ فرمود: «لَا تَحَاسَدُوا وَ لَا تَبَاغَضُوا وَ لَا تَجَسَّسُوا وَ لَا تَنَاجَشُوا وَ كُونُوا عِبَادَ اللّٰهِ إِخْوَاناً»:[1] «به هم حسادت نورزید، دشمنی نکنید، جاسوسی ننمایید، هم‌دیگر را از خود نرانید، بندگان خدا و همچون برادر باشید».

هرکه با جنس خود به شرّ باشد   باورم نیست کز بشر باشد

«فؤاد کرمانی»

۱۵. از حیله و مکر به‌دور باشد.

۱۶. از ظلم و خیانت و دروغ نسبت به دیگران و امروز و فردا کردن در پرداخت دیون، خودداری کند.

۱۷. با همه با خُلق و خوی پسندیده رفتار کند، گشاده‌رو باشد و نیکی دیگران را پذیرا بوده، آنان را از ضرر و زیان باز دارد. لغزش‌ها و اشتباهات دیگران را ببخشاید و از توّقع‌های نابه‌جا و تکالیف شاقّ در مورد هم‌نوعانش بپرهیزد.

۱۸. بزرگ‌تر از خود را احترام گزارده و به کوچک‌تر از خود لطف و محبّت داشته باشد.

۱۹. در دوستی و معامله و رفتار با دیگران، جانب انصاف و عدالت را مراعات دارد و طوری با آن‌ها رفتار کند، که خود دوست دارد با او رفتار کنند.

۲۰. در حفظ آبروی دیگران بکوشد.

---

۱. مسلم.

گــــذر از تــــندی تــــندخویی تواضع پیشه‌گیر و تــازه رویــی
به لطف و مرحمت دلها نگــه دار کس از دست و زبان خود میازار

«ناصر خسرو»

رفتار با غیر مسلمانان

بــا تـوجه بـه آیـه‌ی: ﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللّٰهِ الْإِسْلَامُ﴾:[1] و ﴿مَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِيناً فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾:[2] «دین برحق و مورد رضایت خدا پس از نزول قرآن، دیـن اسـلام است و کسـی جـز آن را برگزیده باشد از او پذیرفته نمی‌شود و او در آخرت جزو زیان‌کاران است». ادیان دیگر با آمدن شریعت محمّدیﷺ، منسوخ و باطل شناخته شده‌اند. از این‌رو، در مورد غیر مسلمانان باید موارد زیر را مراعات داریم:

۱. عدم خشنودی از کفر او، چه خشنودی به کفر خود مایه‌ی کفر می‌شود.

۲. دشمنی ما با کافران فقط به دلیل دشـمنی آن‌هـا بـا خـداست، چـون دوستی و دشمنی مسلمان فقط ناشی از خواست خدا و برای او باید باشد نه حُبّ و بغض شخصی.

۳. دوست نشدن با معاندین خدا و رسول، خدای متعال می‌فرماید: ﴿لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ﴾:[3] «مؤمنان، بـا وجـود مؤمنان دیگر، از کافران دوست نگیرند».

۴. رعایت انصاف و عدالت و نیکی (در حد دنیایی) با آن‌ها مشروط به این‌که محارب و جنگجو علیه مسلمانان نباشند.

---

۱. آل عمران؛ ۱۹. ۲. آل عمران؛ ۸۵.
۳. آل عمران؛ ۲۸.

۵. مؤمن در رحمت، قُصور و دریغ روا نمی‌دارد پس به آن‌ها رحم و شفقت داشته، آنان را در هنگام نیازمندی (گرسنگی، تشنگی، بیماری، بلا و آسیب) یاری دهد و در پی آزارشان نباشد.

۶. مال و آبرو و جان او را محترم شمارد (البته در صورت عدم محارب بودن).

۷. زنان مسلمان با مردان کافر ازدواج نکنند، اما اگر از اهل کتاب باشند، دختر خواستن از آن‌ها مانعی ندارد.

۸. هدیه دادن و هدیه گرفتن، خوردن غذای آنان، تا آن‌جا که مانع شرعی نداشته باشد، رواست.

۹. تشمیت به آن‌ها مانعی ندارد امّا در مورد آنان خواهد گفت «يَهْدِيكُمُ اللّٰهُ وَ يُصْلِحُ بالَكُمْ».

۱۰. به آن‌ها ابتداءً سلام نکند، اما ردّ سلام آن‌ها با لفظ «علیکم» رواست.

۱۱. از غیر مسلمانان تقلید نکند و در لباس و شکل ظاهر به آن‌ها تشابه نداشته باشد که حضرت رسولﷺ فرمود: «مَنْ تَشَّبَهَ بِقَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ»:[۱] «هرکه خود را به شکل قومی و ملّتی در آورد از آنان محسوب خواهد شد».

رفتار با پدر و مادر

مطابق آیات الهی و احادیث شریف نبوی، احترام پدر و مادر و ادای وظایف نسبت به آنان و مراعات ادب و نزاکت در حق آن‌ها، وظیفه‌ی هر مسلمانی است، پس به موارد زیر باید توجه داشت:

۱. اطاعت از پدر و مادر در همه‌ی موارد تا آنجا که مایه‌ی معصیت الهی و نافرمانی حق جلّ و علا نشود. چون هر نوع طاعت و عبادتی که موجب

---

۱. متفقٌ علیه.

معصیتی شود، مقبول درگاه حق تعالی نیست و باید بداند خشنودی خدا در رضایت والدین است.

۲. نیکی به پدر و مادر بر جهاد در راه خدا برتری دارد. (مادر در هر حال بر پدر مقدّم است).

۳. سخن گفتن و صحبت با آن‌ها باید بر اساس محبت و لطف و ادب و کرامت و در نهایت آرامی و عطوفت باشد.

۴. برپا خاستن در برابر آن‌ها هنگام ملاقات و توجّه به آن‌چه که مایه‌ی احترام آن‌هاست.

۵. در وقت سلام و احوال‌پرسی، مصافحه و دست‌بوسی شایسته‌تر است.

۶. موجبات شهرت و آبروی آن‌ها را فراهم کرده از هر آن‌چه که مایه‌ی هتک حرمت و ننگ آن‌هاست دوری نماید.

۷. رعایت بزرگداشت و داشتن روحیه‌ی کرامت نسبت به آن‌ها و عنایت به برآورده کردن نیازهایشان از خوراک و پوشاک و دوا و دکتر.

۸. مشورت با آن‌ها در آن‌چه مفید است و استفاده از نظر آن‌ها جهت خوش‌حال کردن آنان.

۹. تکرار و دوام دعای خیر و استغفار برای آن‌ها در طول حیات و بعد از وفات آنان.

۱۰. آماده بودن برای خدمتگزاری آنان خصوصاً در وقت لازم از قبیل داشتن مهمان و توجّه به برآوردن خواسته‌های آنان.

۱۱. کوشش در راه خشنود کردن آن‌ها بدون هیچ‌گونه تحمیلی یا امر و نهی به آن دو.

۱۲. بلند صحبت نکردن در برابر آن‌ها و دوری از قطع و بریدن رشته کلام آن‌ها و خاموش ماندن تا پایان صحبت آن دو.

۱۳. هنگام خروج از منزل و مرخصی از حضورشان بدون خواست و اجازه آن‌ها رفتار نکند.

۱۴. مایه‌ی آشفتگی خواب آنان را فراهم نکند و آن‌ها را از خواب نپراند.

۱۵. از خانواده، وابستگان دور و نزدیک، کسی را بر آن‌ها ترجیح ندهد.

۱۶. انتظار کارهای فوق‌العاده و خارج از حد توانایی از آن‌ها نداشته باشد.

۱۷. در حضور آن‌ها از خنده‌ی بی‌موقع، و هر چه مایه‌ی تکدّر خاطر آن‌ها شود، پرهیز کند.

۱۸. در غذا خوردن با آن‌ها، قبل از آنان دست به غذا نبرد و کاری نکند که مایه‌ی تحقیر یا بی‌ادبی باشد.

۱۹. در حضور آن‌ها جز در موارد اضطراری، دراز نکشد و همواره با ادب بنشیند.

۲۰. هنگام وارد شدن به جایی یا در وقت راه رفتن از آن‌ها جلو نیفتد.

۲۱. در رفع نیازشان بکوشد تا آن‌ها را به پرخاش و شکایت کردن وا ندارد.

۲۲. دوستان و دوستداران آن‌ها را گرامی دارد چه در حال حیات و چه بعد از ممات.

۲۳. عدم آمد و شد و اختلاط با انسان‌های ناباب و هرکس که مایه‌ی تأثّر خاطر آنان باشد.

۲۴. تداوم دعای خیر در حق آن‌ها، و پس از وفات هم هیچ‌گاه آنان را از ادعیه‌ی خالصانه دریغ ندارد که به آن‌ها سود دهد، بگوید: ﴿رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيراً﴾:[1] «پروردگارا! به آن‌ها رحم کن آن چنان که آن‌ها به من رحم داشته و مرا بزرگ کردند».

---

۱. الإسراء؛ ۲۴.

۲۵. نیکی با پدر و مادر در هر حال لازم است، حتی اگر پدر و مادر، غیرمسلمان باشند. در دنیا احترام و ادای وظایف در حقشان لازم و از دعاهای هدایت و ایمان و اسلام خودداری نتماید، امّا بعد از مرگ دعا و استغفار برایشان سودی ندارد.

۲۶. دوری از هر کلمه و بیانی که مایه‌ی تأثر و ناراحتی آنان شود، حتی گفتن اُفّ، و به طریق اَوْلی از خشونت و آزار باید پرهیز نماید.

۲۷. مسلمان باید همیشه این بیان حضرت رسولﷺ را مدّ نظر داشته باشد: «بِرُّوا آبَاءَكُمْ تَبَرَّكُمْ أَبْنَاءُكُمْ»: «به پدر و مادرانتان نیکی کنید تا فرزندانتان با شما نیکی کنند». و بداند نافرمانی و عقوق پدر و مادر از گناهانِ کبیره است و به زودی کیفر آن را در دنیا و قبل از مرگ خواهد دید و عبادت‌هایش در نزد خدای تعالی قبول نیست و بهشت بر او حرام است و موجب کوتاهی عمر و تنگی معیشت می‌گردد.

۲۸. پس از وفات ایشان، در بخشش‌ها و حسناتش قصد وصول ثواب به روان والدین را داشته باشد که مایه‌ی اجر اُخروی و مغفرت آن‌ها خواهد بود.

در هر حال باید دانست هر گونه سعی و تلاش در رضای پدر و مادر یک وظیفه است، و عنوان جبران زحمات آنان یا قدردانی از فداکاری‌هایشان را نخواهد داشت.

بشنو از من نصیحتی که تو را — کار هر دو جهان شود به نظام
بد نخواهی که باشدت هرگز — بد مکن خاصه با اولوالارحام
حق مادر نگاه دار و بترس — ز ایزد ذوالجلال والاکرام
کانکه با مادر و پدر بد کرد — نبوَد جز همیشه دشمنکام
هر چه کرده است با پدر روزی — از پسر باز بیند او ناکام

کــانکه بــا بـرّ والدیـن آمـد هست با عیش و خـرم و پـدرام
وانکــه او مــادر و پـدر آزرد آتش دوزخش بــود فــرجـام

«جمال الّدین عبدالرّزاق»

رفتار با فرزندان

فرزندان پدر و مادر نسبت به یکدیگر حقوق و وظایفی دارند که در احقاق و ادای آن وظایف باید کوشش به عمل آید، از آن جمله:

۱. بر پدر است که زوجه و همسر شایسته‌ای در خانواده‌ی نجیب و مؤدّبی جهت فرزندش برگزینند تا در آینده مادری مناسب و صالح برای فرزندان او گردد.

۲. بهتر است در انتخاب همسر، از فامیل‌های دورتر و از خانواده‌های دیگر برگزینند که به تجربه ثابت شده ازدواج با نزدیکان مایه‌ی ضعف و بیماری یا ناتوانی‌های جسمی فرزندان می‌گردد. از حضرت رسولﷺ روایت است که فرمود: «اِغْتَرِبُوا وَ لا تَضْوُو»: «از خانواده غیر فامیل و از دورترها زن بگیرید تا سُست و ضعیف البُنیه نباشید».

۳. گفتن اذان در گوش راست کودک و اقامه در گوش چپش پس از تولد.

۴. سنّت است کام کودک را با شیرینی و خرما شیرین کنند.

۵. تراشیدن موی سر کودک در روز هفتم و صدقه دادن مبلغی پول معادل وزن آن به فقرا (سابقاً از نقره استفاده می‌شد).

۶. نام نیک برای اسم‌گذاری انتخاب شود (از اسم‌های مستجهن و زشت و بی‌معنی و ناخوشایند دوری کنند).

۷. عقیقه، قربانی دو گوسفند برای پسر و یک گوسفند برای دختر در روز هفتم در صورت توانایی انجام این سنّت.

۸. ختنه کردن کودک پس او تولّد.

۹. پر کردن اوقات فراغت کودکان با وسایل علمی و مناسب جهت تقویت جسم و روح او.

۱۰. وقتی که کودک به سن هفت سالگی می‌رسد کیفیت نماز و وضو به او آموخته شود که کم‌کم به آن عادت گیرد.

۱۱. چون کودک به سن دَه سالگی رسد، به نماز خواندن وادار شود و بستر دختر و پسر از هم جدا گردد.

پیامبرﷺ فرمود: «مُرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالصَّلَاةِ وَهُمْ أَبْنَاءُ سَبْعِ سِنِينَ وَاضْرِبُوهُمْ عَلَيْهَا لِعَشْرٍ وَ فَرِّقُوا بَيْنَهُمْ فِي الْمَضَاجِعِ»: «کودکان خود را در هفت سالگی به نماز امر کنید و در ده سالگی به خاطر نخواندن نماز، بزنید (تنبیه مناسب کنید) و بسترهای خوابشان را از هم جدا کنید».

پسر چون زده گذشتن سنین ز نا محرمان گو فراتر نشین

برِ پنبه، آتش نشاید فروخت که تا چشم برهم زنی خانه‌سوخت

«سعدی»

۱۲. فن شنا و سواری و آداب مسابقه و نبرد [آگاهی‌های لازم و متناسب با روزگار کودک] را به او بیاموزد.

۱۳. او را از رفت و آمد با هم‌نشین بد و دوستان ناباب باز دارد و از دوستی با انسان‌های جسور و بی‌پروا و بداخلاق ممانعت کند، که گفته‌اند: «اَلصَّاحِبُ سَاحِبٌ»: «دوست، انسان را به طرف خود می‌کشد».

با بدان کم نشین که در مانی خو پذیر است نفس انسانی!

۱۴. با فرزندان خوش‌رفتار باشد و با سخنان خوب و مناسب در تربیّت آن‌ها بکوشد و از شتم و توبیخ و تنبیه و تهدید جز در موارد لازم، پرهیز نماید تا آن‌ها در پرتو اعتماد به نفس و روحیه‌ی سازگاری و امنیت خاطر، رشد یابند.

۱۵. آن‌ها را از آن‌چه که مایه‌ی انحراف و ارتکاب جرم می‌شود از قبیل دیدن فیلم‌های مبتذل و منحرف کننده و مخالف با عقاید و اخلاق و فرهنگ اسلامی باز دارد.

۱۶. همیشه دور یا نزدیک مراقب حال و احوال آنان باشد تا مؤمن و کاری و خداجوی و خوش اخلاق بار آیند.

۱۷. این را به عنوان یک اصل، قبول داشته باشد و به آن‌ها بیاموزاند که اسلام دین فطری و زندگی‌بخش و مایه‌ی رشد آدمی است.

۱۸. دختران را به رعایت شؤونات اسلامی و تخلّق به اخلاق حسنه و ایمان و حجاب و عصمت و پاکی وادار کند.

۱۹. فرزندان را بی‌کار و تنبل و سُست‌نظر و لاأُبالی بار نیاورد و به کارهای نیک و رشد عقلانی و فکری عادت دهد.

۲۰. مادران نیز در موارد فوق، باید همواره یار و یاور پدران باشند، اشتباهات کودکان را از دید پدرها دور ندارند و با هم‌دیگر در تربیت کودکانشان، نهایت همکاری را دریغ نکنند. شاعری عرب گوید:

اَلْاُمُّ مَــدْرَسَةٌ إِذٰا أَعْــدَدْتَهٰا　　　أَعْدَدْتَ شَعْباً طَيِّبَ الْأَعْرٰاقِ

«مادر به منزله‌ی مدرسه‌ای است که (کودکان را برای جامعه تربیت می‌کند، پس) اگر خود مهیای تربیت خوب و شایسته شده باشد، بی‌شک فرزندانی اصیل و پاک می‌پروراند و برای جامعه آماده می‌سازد.

پس یقیناً کودکان نیکو سیرت و ملّت‌های اصالت جو و مترقی، شاگردان مدرسه و مکتب مادران باتجربه و آگاهند.

۲۱. در مورد لازم جهت برنامه‌ریزی در مورد پیشرفت‌های شغلی آینده‌ی کودک، صرفِ هزینه کند، و در سن ازدواج وسیله‌ی رفاه آنان را

فراهم نموده، به آن‌ها اختیار دهد، با خانواده یا مستقلاً، زندگی پر افتخاری را دنبال کنند.

۲۲. برای دخترش، همسری مسلمان و معتقد و متخلّق به اخلاق فاضله، دور از تباهی و تباهکاری بر گزینند.

شخصی نزد حضرت حسنؑ آمد و عرض کرد: من دختری دارم به نظر شما چه کسی را برای همسری او برگزینم؟ فرمود: شوهری انتخاب کن که تقوای خدای عزّ و جل را داشته باشد، زیرا همچو انسانی اگر زنش را دوست بدارد احترامش را مراعات می‌دارد و اگر با او میانه‌اش خوب نباشد، در حقّ او ستم روا نخواهد داشت.[۱]

۲۳. در میان فرزندانش، عادلانه رفتار کند، در بخشش، هدیه، برابری و مساوات را در نظر بگیرد مگر در موارد اضطراری و با وجود دلیل خاصی از قبیل بیماری مزمن یا عقب افتادگی‌های ذهنی و معلولیت‌های جسمی و گرفتاری وام، که یقیناً همراهی و عنایت نسبت به چنین شخصی در اولویت است.

رفتار با نزدیکان و خویشاوندان

بر مسلمان واجب است حقوق وابستگان و نزدیکان را مراعات دارد و با آن‌ها با اخلاق حسنه رفتار نموده، در رفع نیاز آنان، در حدّ امکان، و ارشاد و راهنمایی، مضایقه نکند.

رابطه او با برادران و خواهران، مثل رفتار پدر و مادر باشد، برای برادر و خواهر کوچک همچو پدر و مادری مهربان دلسوز باشد، حضرت رسولﷺ

---

۱. از کتاب المستطرف فی کل فنّ مستظرف.

فرمود: «حَقُّ كَبِيرِ الْإِخْوَةِ عَلىٰ صَغِيرِهِمْ كَحَقِّ الْوالِدِ عَلىٰ وَلَدِهِ»:[۱] و باز فرمودند: «بَرِّ أُمَّكَ وَ أَباكَ وَ أُخْتَكَ ثُمَّ أَدْناكَ فَأَدْناكَ»، «به مادر و پدر و خواهر و برادر و سپس به نزدیکان با توجه به نوع وابستگیشان، با نیکی رفتارکن، خاله بمثابه‌ی مادر، عمه بمانند پدر، دایی و عمو و دیگران هم به همین صورت، در مورد همه صله‌ی ارحام به جا آورد، از دیدار آن‌ها در فرصت‌های لازم ومناسب خودداری نکند».

دیگر از مسایل لازم، احترام بزرگ‌ترها، رحم و محبّت به کوچک‌ترها، عیادت بیماران، مساعدت بخت برگشته‌ها، تسلّی دادن به آن‌ها در وقت مصیبت و حادثه، صله‌ی رحم، نرم‌خویی و ملایمت با آنان را در اطاعت از خدا و رسول فراموش ننماید. تقوای خدا داشته باشد و بدانند که فردای قیامت در مقابل آن‌ها باید پاسخ‌گو باشد.

خدای متعال می‌فرماید: ﴿وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامِ﴾:[۲] «خداوند امر می‌فرماید به عدل و نیکی و ادای حقوق نزدیکان و خویشاوندان». و ﴿أُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلىٰ بِبَعْضٍ في كِتَابِ اللَّهِ﴾:[۳] «خویشاوندان نسبت به هم‌دیگر نسبت به دیگران از اولویت بیشتری برخوردارند».

اما احادیث شریفی که در ارتباط با حفظ حقوق خویشاوندان و حرمت قطع رابطه با آنان آمده است:

حضرت رسولﷺ فرموده است: «يَقُولُ اللَّهُ تَعالىٰ أَنَا الرَّحْمٰنُ و خَلَقْتُ الرَّحِمَ و شَقَقْتُ لَهَا اِسْماً مِنْ اِسْمي فَمَنْ وَصَلَهَا وَصَلْتُهُ و مَنْ قَطَعَهَا بَتَّتُّهُ»:[۴] «خدای تعالی فرمود: من رحمانم و صفت رحم از اسم من اشتقاق یافته،

---

۱. بیهقی.
۲. النساء؛ ۱.
۳. الأحزاب؛ ۶.
۴. متفقٌ علیه.

هرکس در صله‌ی رحم بشتابد به او می‌پیوندم و هر که قطع رحم کند، از او جدا می‌شوم». و باز می‌فرماید: «اَلصَّدَقَةُ عَلَى الْمِسْكِينِ صَدَقَةٌ وَ عَلَىٰ ذِي الرَّحِمِ صَدَقَةٌ وَصِلَةٌ»:[۱] «احسان و نیکی در حق مسکین، فقط بخشش و احسان است، اما در مورد نزدیکان، هم صدقه است و هم پیوند و رابطه خویشاوندی». وقتی که از آن حضرت در مورد آن‌چه که انسان را به بهشت می‌رساند و از دوزخ دور می‌سازد، سؤال کردند فرمود: «تَعْبُدُ اللّٰهَ وَ لٰا تُشْرِكَ بِهِ شَيْئاً وَ تَقُومُ الصَّلٰاةَ وَ تُؤْتِي الزَّكٰاةَ وَ تَصِلُ الرَّحِمَ»:[۲] «خدا را عبادت کنید و به او شرک نورزید و نماز را بر پا دارید و زکات را ادا کنید و صله‌ی رحم را برقرار سازید» و از ابوهریره‌ﷺ نقل است که آن حضرتﷺ فرمود: «إِنَّ أَعْمٰالَ بَنِي آدَمَ تُعْرَضُ كُلَّ خَمِيسٍ لَيْلَةِ الْجُمُعَةِ فَلَا يُقْبَلُ عَمَلُ قٰاطِعِ الرَّحِمِ»:[۳] «همه‌ی اعمال انسان‌ها، هر روز پنجشنبه و شب جمعه، به پیشگاه حق عرضه می‌شود، اعمال انسان‌هایی که قطع رابطه خویشاوندی کرده‌اند، پذیرفته نیست».

به دنبال این آیات و روایات، ای برادر مسلمان بدان که:

۱. صله‌ی رحم، نشانه ایمان به خدا و روز آخرت است، حضرتﷺ فرمودند: «وَ مَنْ كٰانَ يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيَصِلْ رَحِمَهُ»:[۴] «کسی که به خدا و روز آخرت ایمان دارد، باید صله‌ی رحم به جاآورد».

۲. صله‌ی رحم، عمر را طولانی و روزی را فراخ می‌گرداند. حضرتﷺ فرمودند: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُبْسَطَ لَهُ فِي رِزْقِهِ وَ يُنْسَأَ لَهُ فِي أَثَرِهِ فَلْيَصِلْ رَحِمَهُ»: «آن کس که دوست دارد عمرش زیاد و روزیش فراخ باشد به اجرای صله‌ی رحم بپردازد».

---

۱. متفقٌ علیه.
۲. متفقٌ علیه.
۳. احمد.
۴. بخاری و مسلم

۳. صله‌ی رحم، مرگ بد را دفع می‌کند، آن حضرتﷺ فرمود: «إِنَّ الصَّدَقَةَ وَ صِلَةَ الرَّحِمِ يَزِيدُ اللّٰهُ بِهِمٰا فِي الْعُمْرِ وَ يَدْفَعُ بِهِمٰا مَيْتَةَ السُّوءِ وَ يَدْفَعُ بِهِمٰا الْمَكْرُوهُ وَالْمَحْذُورَ»:[۱] «صدقه و صله‌ی رحم عمر را طولانی کرده، مایه و سبب جلوگیری از مرگ بد و اعمال و حوادث ناپسند و غیر مترقبه است».

۴. صله‌ی رحم، عمر و دارایی را برکت می‌دهد، حضرت رسولﷺ فرمود: «إِنَّ اللّٰهَ لِيَعْمُرُ بِالْقَوْمِ الدِّيٰارَ وَ يَثْمَرُ لَهُمُ الْأَمْوٰالَ وَ مٰا نَظَرَ إِلَيْهِ مُنْذُ خَلَقَهُمْ بُغْضاً لَهُمْ، قِيلَ وَ كَيْفَ ذٰاكَ يٰا رَسُولَ اللّٰهِ، قٰالَ بِصِلَتِهِمْ الرَّحِمَ»:[۲] «خداوند شهرها را به وجود مردمی آباد می‌گرداند و اموالشان را برکت می‌دهد و از زمان آفرینش، با نظر خشم نگریسته نمی‌شوند، عرض شد: ای رسول خدا! چگونه و چرا؟ فرمود: به دلیل صله‌ی ارحام رایج میان آن‌ها».

۵. صله‌ی رحم موجب مغفرت گناهان و خطاهاست. مردی به محضر حضرتﷺ شرفیاب شد عرض کرد: گناه بزرگی مرتکب شده‌ام، آیا می‌توانم توبه کنم؟ فرمودند: آیا مادرت در قید حیات است عرض کرد: خیر، فرمود، خاله‌ات زنده است، عرض کرد: بله، فرمود برو در حق او نیکی کن.[۳]

۶. صله‌ی رحم، حساب و کتاب دنیایی دیگر را آسان و سبب رسیدن آدمی به بهشت می‌شود. آن حضرتﷺ فرمودند: «ثَلاٰثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ حٰاسَبَهُ اللّٰهُ حِسٰاباً يَسِيراً وَ أَدْخَلَهُ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِهِ قٰالُوا وَ مٰا هِيَ يٰا رَسُولَ اللّٰهِ بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي؟ قٰالَ تُعْطِي مَنْ حَرَمَكَ و تَصْلَ مَنْ قَطَعَكَ وَ تَعْفُو عَمَّنْ ظَلَمَكَ فَإِذٰا فَعَلْتَ ذٰلِكَ يَدْخُلُكَ اللّٰهُ الْجَنَّةَ»:[۴] «سه صفت است که اگر در کسی موجود باشد، خدا حسابرسی او را در قیامت، آسان گرداند و به بهشتش شاد کند، عرض

---

۱. ابویعلی از انس.
۲. طبرانی و حاکم از ابن‌عباس.
۳. ابن‌حبان و حاکم.
۴. بزار و طبرانی و حاکم از ابوهریره.

کردند: ای رسول خدا! پدر و مادرمان فدایت، کدامند؟ فرمود: به کسی که تو را بی‌بهره گردانده، بخشش و نیکی کنی، با کسی که از تو دور شده، بپیوندی و گناه آن کس که به تو ستم کرده، عفو کنی. چون چنین کردی، خداوند تو را به بهشت شاد گرداند».

دوباره فرمود: «لاٰ يَدْخُلُ الْجَنَّةِ قَاطِعُ رَحِمٍ»:[1] «آن‌که قطع رابطه با خویشاوندان کند به بهشت نرود».

۷. صله‌ی رحم مایه‌ی برتری مقام در آخرت است. پیامبرﷺ فرمود: «أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلىٰ مٰا يَرْفَعُ اللّٰهُ بِهِ الدَّرَجٰاتِ قٰالُوا نَعَمْ يٰا رَسُولَ اللّٰهِ قٰالَ تَحْلَمُ عَلىٰ مَنْ جَهِلَ عَلَيْكَ وَ تَعْفُوا عَمَّنْ ظَلَمَكَ وَ تُعْطِي مَنْ حَرَمَكَ وَ تَصِلُ مَنْ قَطَعَكَ:[2] «آیا شما را از آن‌چه که مایه‌ی برتری مقام آخرت شود بیاگاهانم؟ عرض کردند: ای رسول خدا! بفرمایید، فرمود: با آن‌که از روی نادانی با شما رفتار نامناسب دارد حلم نشان دهی، و کسی را که به تو ستم کند ببخشایی و آن‌که تو را محروم گرداند نعمت دهی و با کسی که رابطه‌اش را با تو قطع کند بپیوندی».

وظایف زن و شوهر نسبت به همدیگر

۱. راه و رسم زندگی مرد با همسرش:

پیامبرﷺ می‌فرماید: به زنانتان نیکی کنید و حق و حقوق آن‌ها را محفوظ نگه دارید أَلَا أَنَّ لَكُمْ عَلىٰ نِسٰائِكُمْ حَقّاً وَ لِنِسٰائِكُمْ عَلَيْكُمْ حَقّاً»:[3] «هان شما بر زنان حقوقی دارید و آن‌ها نیز بر شما حقوقی». از این‌رو لازم است که

---

۱. بخاری و مسلم

۲. بزار و طبرانی.

۳. اصحاب سنن.

شوهران نسبت به خواسته‌های مشروع زنانشان جواب مثبت بدهند، از خوش برخوردی، مهربانی، ادای وظایف مادی و غیر مادی از قبیل تأدیه و مهر و پرداخت آن و تأمین نفقه و مخارج و هزینه‌های زندگی مشروع، عدم رفتار خشونت‌آمیز و بدخویی بدون دلیل شرعی. شوهر باید نرم‌خو باشد و از خشونت و سخت‌گیری بی‌جا دوری کند، وانمود نکند که به کسی دیگر غیر از او تمایل دارد، راز و اسرار خانوادگی را به این و آن نگوید، همان طور دوست دارد که زن برای او خود آرایی کند، او نیز در مرتّب بودن سر و وضعش خواست مشروع همسرش را برآورده سازد. ابن‌عباس می‌گوید: من دوست دارم خود را برای زنم بیارایم آن طور که می‌خواهم او برای من چنین کند،[1] شوهر به مسایل بهداشتی و سلامتی و تمیزی خود توجه کافی داشته باشد، امّا نه مثل زنان، و همچو آنان به خود آرایی و آرایش غیر مناسب بپردازد. شوهر در برابر اشتباهات ساده‌ی همسرش گذشت و رفتار نیک نشان دهد، از سرزنش‌های بی‌مورد و خلاف شریعت بپرهیزد. آسان‌گیری و گذشت در حدّ قانون الهی و رفتار پیامبر بزرگوار را فراموش نکند. سختگیری‌ها و عصبانیت غیر لازم، در برابر هر امر ساده‌ای، موجب آشفتگی کانون خانوادگی و عدم امنیت روانی طرفین می‌گردد، روش رهبرمان حضرت رسولﷺ بهترین نمونه و الگو برای اخلاق خانوادگی است، ایشان با گذشت، مهربان، و در عین حال راهنما و هشدار دهنده بوده‌اند.

همچنین تشکّر از همسر در مقابل زحمات شبانه‌روزی او و اظهار و ابراز رضایت و خرسندی از حال و احوال او موجب کاهش رنج و خستگی او

---

۱. تفسیر قرطبی ج ۵، ص ۹۷.

خواهد بود، در هنگام بیماری، در راه بهبودی او بکوشد، در کارهای خانه او را یاری دهد که حضرت رسول ﷺ چنین بود، در آموزش آداب دینی و مسایل اولیه و واجبات شرعی به او اهتمام ورزد، به طریق ممکن، امر به معروف و نهی از منکر را از وی دریغ ندارد، زن را از ارتکاب منهیات از قبیل پوشیدن لباس‌های نامناسب و آرایش‌های غیر مشروع باز دارد، اجازه ندهد برخلاف راه و رسم خدا و رسول رفتار کند، تذکّر دهد که وسایل زینتی خود را در معرض دید دیگران قرار ندهد، بدحجابی و لختی و عدم رعایت دستورات شریعت را درست نداند، خودآرایی و تزیین زن فقط و باید برای همسرش و به اجازه‌ی او باشد، پس پوشیدن زر و زیور و لباس‌های رنگارنگ و آرایش‌های نامناسب به خاطر نمایش دادن آن به مردان نامحرم و تنها ماندن و اختلاط با بیگانگان را که حرام هستند، به او گوشزد کند و حفظ و حراست حَریم پاک و منزه خانوادگی، و غیرت و شهامت مردانگی را فراموش ننماید، کاری نکند که زن به آلودگی و انحراف کشیده شود، اگر بیش از یک زن دارد، رعایت عدالت را امری لازم و حتمی بداند و باید بداند اسلام آیین ظلم و ستم و تبعیض نیست، حضرت رسول ﷺ فرمود: «مَنْ كٰانَ لَهُ امْرَأَتٰانِ فَمٰالَ إِلىٰ أَحَدِهِمٰا دُونَ الْأُخْرىٰ (وَ في رِوٰايَةٍ وَ لَمْ يَعْدِلْ بَيْنِهِمٰا) جٰاءَ يَوْمَ الْقِيٰامَةِ وَ أَحَدُ شِقَّيْهِ مٰائِلٌ»:[1] «کسی که دو زن داشته باشد و نسبت به یکی تمایل بیشتری نشان دهد و جانب عدالت را رعایت نکند، روز قیامت با بدن کج و معلول محشور می‌شود».

از این‌رو اسلام اصرار دارد از تحقیر زن و ناخوش کردن زندگیش بدون دلیل شرعی، و از دشنام دادن و بر چسب زدن به او با کلمات زشت و ناروا

---

۱. اصحاب سنن و ابن‌حبان.

(مانند این‌که تو زشتی...) و تنبیه او باید پرهیز کرد، از حضرتﷺ سؤال شد حق زن بر مرد و همسرش چیست؟ فرمود: «**يُطْعِمُهٰا إِذٰا طَعِمَ يَكْسُوهٰا إِذَا اكْتَسىٰ وَ لٰا يَقْبُحُ الْوَجْهَ وَ لٰا يَضْرِبُهٰا إِلّٰا ضَرْباً غَيْرَ مُبَرَّحٍ وَ لٰا يَهْجُرُهٰا إِلّٰا فِي الْمَبيتِ**»: «خوراک و پوشاک مناسب او را فراهم کند، او زشت‌روی نخواند و آن چنان تنبیه نکند که آزرده شود و از خانه طردش نکند».

۲. وظایف زن نسبت به شوهرش:

زن خوب فرمانبر پارسا   کند مرد درویش را پادشا
همه روز اگر غم خوری غم‌مدار   چو شب غمگسارت بود در کنار
اگر پارسا باشد و خوش سخن   نگه در نکویی و زشتی مکن
کرا خانه آباد و همخوا به دوست   خدا را به رحمت نظر سوی اوست
کسی بر گرفت از جهان کام دل   که یکدل بود با وی آرام دل
بر آن بنده حق نیکویی خواسته است   که با وی دل و دست زن راست است

«سعدی»

یک زن مسلمان باید بداند: خداوند متعال او را به ادب و اجرای وظایفی در حق شوهرش امر فرموده است که باید به شخصیت او احترام بگذارد، خدای تعالی می‌فرماید: ﴿**وَ لَهُنَّ مِثْلُ الَّذي عَلَيْهِنَّ بِالمَعْرُوفِ وَ لِلرِّجٰالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَاللّٰهُ عَزِيزٌ حَكيمٌ**﴾:[1] «و زنان را بر مردان حقی است هم‌چنان‌که مردان را بر زنان و مردان را بر آنان به میزانی برتری است و خداوند پیروزمندِ فرزانه است».

قرطبی در تفسیرش، در زمینه‌ی برتری مرد بر زن که در آیه مطرح است می‌گوید: این برتری مربوط است به نیروی عقل و سیاست در آیین زندگی و

---

۱. بقره ـ ۲۲۸

موارد شرعی و وظایفی که بر عهده‌ی مرد گذاشته شده، مثل جهاد و تأمین نفقه و سهم الارث و... همین امر مستلزم توجه بیشتر زن به مرد و شناخت شخصیت او و اطاعت از شوهر می‌شود، حضرت رسولﷺ فرمود: «لَوْ أُمِرْتُ أَحَداً بِالسُّجُودِ لِغَيرِ اللّٰهِ لَأَمَرْتُ الْمَرْأَةَ أَنْ تَسْجُدَ لِزَوْجِهٰا»: «اگر به من دستور داده می‌شد که بگویم که غیر خدا را سجده کنند، امر می‌کردم که زن برای شوهر خود سجده ببرد». خدای متعال می‌فرماید: ﴿اَلرِّجٰالُ قَوّٰامُونَ عَلَى النِّسٰاءِ بِمٰا فَضَّلَ اللّٰهُ بَعْضَهُمْ عَلىٰ بَعْضٍ وَ بِمٰا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوٰالِهِمْ﴾[1]: «مردان باید بر زنان مسلّط باشند، چرا که خداوند بعضی از انسان‌ها را بر بعضی دیگر برتری بخشیده است و نیز از آن روی که مردان از اموال خویش برای زنان خرج می‌کنند».

ابن‌جوزی‌ﷺ می‌گوید: مسأله‌ی برتری مرد بر زن غالباً مربوط به سهم الارث و غنیمت و وجوب نماز جمعه بر او و سنّت جماعات و انتخاب شدنش به عنوان خلیفه و رهبر و شرکت الزامی در جهاد و در دست داشتن طلاق و... است.[2] و معنی ﴿بِمٰا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوٰالِهِمْ﴾ مواردی از قبیل مهریه و تکلیفات دیگری است که خدا و رسول برای مرد قرار داده‌اند.[3]

با توجه به موارد فوق، زن باید با شوهرش با محبت و مهربانی و رحم و خوش‌رفتاری که ناشی از ذوق و تربیت خانوادگی برتر اوست، رفتار کند. مطیع اوامر شرعی شوهر بوده به احساسات او، شخصیت و دستوراتش توجه داشته باشد، اطمینان او را به خود جلب کند، از نافرمانی و عدم اجرای خواسته‌های مشروع او دوری کند، بدون اجازه‌ی او از منزل بیرون نرود. در

---

۱. النساء؛ ۳۴. ۲. زاد المسیر ج ۲، ص ۷۴.
۳. تفسیر ابن‌کثیر، ج ۲.

خارج از خانه مؤدّب و سر به زیر و آرام عبور کند و با صدای آهسته سخن بگوید. در خانه و همه‌جا، زبانش را از دشنام و طعنه باز دارد. تصرف و دخالت در مال و اموال شوهرش باید به اجازه و رضایت او باشد. بر اجرای حج و عمره‌ی سنّت بدون اجازه‌ی شوهر و رضایتش اقدام نکند، خود آرایی و آراستگی را مخصوص به جلب رضایت شوهر گرداند. با ایجاد محیطی آرام و کانون پر محبت و گرم خانواده و برخورد مناسب و تهیه وسایل آسایش و راحتی او، وقت ورود شوهر به خانه و توجه داشتن به حفظ آبرو و شخصیت مرد در غیبت او، شوهر را در مقابل دغدغه زندگی و خستگی کارهای روزانه آرامش خاطر دهد. چنین همسری به روایت قرآن و حدیث متاع نیک دنیایی است و فرشته‌ای است که مایه سرُور و روشنی خانه گردد و بر همه‌ی خوشی‌های زندگی برتری خواهد داشت و کلید سعادت و گنجینه‌ی زندگی سعادتمندانه در دست اوست. حضرت رسولﷺ فرمود: «اَلدُّنْیا مَتٰاعٌ وَ خَیْرُ مَتٰاعِهَا الْمَرْأَةُ الصّٰالِحَةُ»:[1] «دنیا متاعی است، بهترین متاع‌های دنیایی، زن شایسته است). و در حدیث دیگری فرماید: «شایستگی زن یعنی به او بنگری شادت کند». حرفی می‌زنی و سوگندی یاد می‌کنی باورت دارد، در غیاب تو یاد و مال تو را به نیکوترین وجه در نظم داشته باشد،[2] زینت و خودآرایی شرعی زن، برای شوهر، مناسب و به‌جاست از قبیل لباس‌های زیبا و مناسب، زینت آلات و عطر و رنگ مو و کِرِم‌های صورت و امثال آن، اما زینت‌های ممنوع، غیرشرعی و حرام‌اند که یا جهت خود آرایی برای اظهار فخر و سرکوب کردن دیگران است و یا برای نشان دادن به این و آن و نمایش در انظار مردان بیگانه که یقیناً خلاف شرع است.

---

۱. مسلم.
۲. از کتاب سلوک اجتماعی اسلام.

امام غزّالی‌ﷺ در احیا گفته است: حقوق مرد بر زن زیاد است و زن در حدّ توان مؤظف به اجرای وظایف لازم است مهم‌تر از همه نگاهداشت و حفظ حُرمت و احترام و آبرو و ناموس و پرهیز از درخواست‌های خارج از حد توان مرد (آن هم در موارد حلال، چون درخواست حرام کم و زیادش نارواست) حضرت رسولﷺ فرمود: «لا یَحِلُّ لَها أَنْ تُطْعِمَ مِنْ بَیْتِهِ إلّا بِإذْنِهِ إلَّا الرُّطَبَ مِنَ الطَّعامِ الَّذی یَخافُ فَسادُهُ فَإنْ أطْعَمَتْ عَنْ رِضاهُ کانَ لَها مِثْلُ أَجْرِهِ وَ إنْ أَطْعَمَتْ بِغَیْرِ إذْنِهِ کانَ لَهُ الأَجْرُ وَ عَلَیْها الْوِزْرُ»: «درست نیست که از خانه‌ی شوهرش بدون اجازه و رضایت او، چیزی به کسی دهد در مورد طعام‌های فاسد شدنی و میوه و امثال آن اگر با اجازه به دیگران بدهد، به اندازه‌ی شوهرش، اجر و ثواب می‌برد و اگر بدون اجازه شوهر باشد پاداشش برای شوهر است و گناهش بر گردن او». امام غزالی‌ﷺ اضافه می‌کند دیگر از وظایف زن، بدون اجازه با همسایه‌ها حرف نزدن، عدم خیانت به او، طعنه نزدن به شوهر و حقیر نساختن او و همواره یار و یاور او بودن است.[۱]

رفتار با همسایه

قرآن کریم و سنّت نبوی به حقوق همسایه توجه زیادی دارند. قرآن حقوق همسایه‌ها را در کنار حق و حقوق پدر و مادر و ذوی الارحام یاد می‌کند: ﴿وَاعْبُدُو اللّٰهَ وَ لا تُشْرِکُوا بِهِ شَیْئاً وَ بِالْوالِدَیْنِ إحْساناً وَ بِذِي الْقُرْبیٰ وَالْیَتامیٰ وَالْمَساکِینِ وَالْجارِ ذِي الْقُرْبیٰ وَالْجارِ الْجُنُبِ وَالصّاحِبِ بِالْجَنْبِ

۱. [خواجه نصیر در اخلاق ناصری در همین زمینه می‌نویسد: حکمای عرب گفته‌اند از پنج نوع زن حذر واجب است: حنّانه (آنکه مال شوهرش را صرف فرزندان شوهر نخست می‌کند) منّانه (مرتب بر شوهرش منّت می‌گذارد) انّانه (گله و شکایت می‌کند) کیّةُ القفا (داغ بر دل شوهر می‌گذارد) خضَراء الدمن (زنی که زیباست و ناقص عقل).].

وَابْنِ السَّبیلِ وَ ما مَلَکَتْ أَیْمانُکُمْ إِنَّ اللّهَ لا یُحِبُّ مَنْ کانَ مُخْتالاً فُخُوراً﴾[1]:
«و خداوند را بپرستید و چیزی را برای او شریک نیاورید و به پدر و مادر و به خویشاوندان و یتیمان و بینوایان و همسایه‌ی خویش و همسایه‌ی بیگانه و هم‌نشین و در راه مانده و مُلک یمین خود نیکی کنید و بدانید که خداوند کسی را که متکبّر فخر فروش باشد دوست ندارد».

و در حدیث شریف نبوی به رعایت حقوق و احترام همسایه‌ها و اقدام‌های مثبت و درخور آنان و شکیبایی در برابر مشکلات ناشی از طرف آن‌ها، تأکید فراوان شده است: همسایه حق ندارد به همسایه‌ی دیگر ضرر و زیانی وارد کند، باید رابطه آن‌ها بر اساس مهربانی و احترام هم‌دیگر و راهنمایی به کارهای خیر باشد. شرکت در مراسم لازم و فریاد رسی در وقت حادثه و مصیبت، عیادت و آمد و شد مشروع، سلام و احوال‌پرسی شایسته، تسلّی خاطر آنان در ناگواری‌ها و مصایب، تبریک در موارد موفقیت، عفو و گذشت از اشتباهات آن‌ها، نگاه نکردن به درون خانه و کاشانه و زن فرزند آنان، از پشت بام و در و روزن، سدّ معبر نکردن، دوری از هر چه که مایه‌ی آزار آن‌ها شود، جاسوسی و غیبت نکردن از آنان، یاری و کمک در موارد نیازمندی با محبت و لطف با آنان روبه‌رو شدن و...

همسایه‌ی بینوا و نیازمند را دستگیری و کمک کنیم. در خبر آمده است که روز قیامت همسایه‌ی فقیر دامن همسایه دارا و بی‌نیاز را رها نمی‌کند و می‌گوید: خدایا! از این همسایه بپرس که چرا مرا از نیکی و یاری باز داشته و فراموش کرده و در خانه‌اش را بر روی من بسته است. هم‌چنین گفته‌اند: همسایه‌ها سه نوعند: یکی همسایه‌ی مسلمان و خویشاوند که سه حق دارد،

---
۱. النساء؛ ۳۶.

دوم همسایه‌ی مسلمان، دو حق و سوم همسایه‌ی غیر مسلمان که فقط از حق همسایگی برخوردار است. از نظر اولویت، همسایه‌ی دیوار به دیوار و آن‌هایی که درهای منزلشان بر روی هم باز می‌شود و سپس همسایه‌های دورتر (بعضی تا چهل خانه و برخی تا ۱۰ خانه از اطراف و گروهی گفته‌اند: تا حدی که صدای اذان از آن خانه برایشان قابل شنیدن باشد)، در هر حال وظیفه‌ی شخص نسبت به ادای حقوق همسایه بیشتر از این‌هاست، که در دوری از آزار آن‌ها و اجرای هر چه که مایه سعادت و خوش‌بختی آنان باشد می‌توان خلاصه کرد.

اینک چند حدیث نبوی در باره حقوق همسایه‌ها: حضرت رسول ﷺ فرمود: «مَنْ كانَ يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلا يُؤْذِ جارَهُ»:[1] «کسی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد، همسایه را نیازارد). و فرمود: «وَاللّٰهُ لا يُؤْمِنُ وَاللّٰهِ لا يُؤْمِنُ وَاللّٰهِ لا يُؤْمِنُ قيلَ مَنْ يا رَسُولَ اللّٰهِ؟ قالَ: الَّذي لا يَأْمَنُ جارُهُ بَوائِقَهُ»:[2] «به خدا ایمان ندارد، به خدا سوگند ایمان ندارد... عرض شد چه کسی ای رسول خدا! فرمود: کسی که همسایه از شرش در امان نیست».

و فرمود: «مَنْ أذىٰ جارَهُ فَقَدْ آذاني وَ مَنْ آذاني فَقَدْ أَذَى اللّٰهَ وَ مَنْ حارَبَ جارَهَ فَقَدْ حارَبَني وَ مَنْ حارَبَني فَقَدْ حارَبَ اللّٰهُ عَزَّ وَ جَلَّ»:[3] «آنکه همسایه را آزارد، من را آزرده و هر که مرا آزرده باشد خدا را اذیت کرده است، هر که با همسایه بجنگد، با من برخورد داشته و برخورد با من موجب محاربه با خدای عز و جل است». درباره‌ی زنی که همسایه‌اش را اذیت می‌کرد فرمود: «هِيَ فِي النّارِ بَعْدَ أَنْ قالُوا لَهُ يا رَسُولَ اللّٰهِ فُلانَةَ تَصُومُ النَّهارَ وَ تَقُومُ اللَّيْلَ وَ

---

۱. متفق علیه.
۲. بخاری و مسلم و احمد.
۳. ابن‌حبان.

تُؤْذِي جيرانَها فَأَجابَهُمْ هِيَ فِي النّارِ»:[۱] «وقتی گفتند فلان زن روزه می‌گیرد و نماز می‌خواند ولی همسایه‌ها را می‌آزارد، حضرتﷺ فرمود: او دوزخی است».

شنیدم که مردان راه خدا — دل دشمنان هم نکردند تنگ

تو را کی میسر شود این مقام — که با دوستانت خلاف است و جنگ

«سعدی»

و فرمود: «**مٰا آمَنَ بي مَنْ بٰاتَ شَبْعٰاناً وَ جٰارُهُ جٰائِعٌ إِلیٰ جَنْبِهِ وَ هُوَ يَعْلَمُ**»:[۲] «به راستی، به من ایمان ندارد آن کس که شب را سیر بخوابد و بداند همسایه‌ی کنار دستش گرسنه مانده است». و فرمود: «**خَيْرُ الْأَصْحٰابِ عِنْدَ اللّٰهِ خَيْرُهُمْ لِصٰاحِبِهِ وَ خَيْرُ الجيرانِ عِنْدَ اللّٰهِ خَيْرُهُمْ لِجارِهِ**»:[۳] «بهترین یاران من پیش خدا، بهترین آن‌ها برای یارانشان و بهترین همسایه‌ها نزد خدا، بهترین آن‌ها برای همسایه‌هایشان هستند».

و فرمود: «**مٰا زٰالَ جِبْرِيلُ**عليه السلام **يُوصيني بِالْجٰارِ حَتّیٰ ظَنَنْتُ أَنَّهُ سَيُوَرِّثُهُ**»:[۴] «پیوسته جبریلعليه السلام در حق همسایه سفارش می‌فرمود تا آن‌جا گمان بردم که همسایه از همسایه ارث می‌برد». و فرمود: «**أَرْبَعٌ مِنَ السَّعٰادَةِ: اَلمَرْأَةُ الصّٰالِحَةُ وَالْمَسْكَنُ الْوٰاسِعُ وَالْجٰارُ الصّٰالِحُ وَالْمَرْكَبُ الْهَنيءُ وَ أَرْبَعٌ مِنَ الشَّقٰاءِ: أَلْجٰارُ السُّوءِ وَالْمَرْأَةُ السُّوءِ وَالْمَرْكَبُ السُّوءِ وَالْمَسْكَنُ الضَّيِّقِ**»:[۵] «چهار چیز مایه‌ی خوش‌بختی است: زن شایسته، خانه‌ی وسیع، همسایه‌ی خوب، وسیله‌ی سفری مناسب و راحت و چهار چیز مایه‌ی بدبختی است، همسایه‌ی بد، زن بد، وسیله‌ی سفری نامناسب و خانه‌ی تنگ».

---

۱. احمد و ابوبکر و ابن‌ابی‌شیبه
۲. طبرانی و بزار.
۳. ترمذی و دیگران.
۴. بخاری و مسلم و ترمذی.
۵. ابن‌حبان.

رفتار با حیوانات

۱. آب و غذا دادن به آن‌ها در وقت لازم؛ پیامبرﷺ فرمود: «فِي كُلِّ ذَاتِ كَبَدٍ أَجْرٌ»: «در وجود هر جانداری و توجه به او، اجری است»، و فرمود: «مَنْ لَا يَرْحَمْ لَا يُرْحَمُ»: «کسی که رحم نداشته باشد به او رحم نمی‌شود». و فرمود: «اِرْحَمُوا مَنْ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمْكُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ»: «رحم کنید به آن‌چه در زمین است تا خدا به شما رحم کند».

۲. رحم و شفقت به حیوانات؛ حضرت رسولﷺ مشاهده نمود که شخصی پرنده‌ای را به منظور خاصی گرفتار کرده بود، فرمود: «لَعَنَ اللّٰهُ مَنِ اتَّخَذَ شَيْئاً فِيهِ رُوحٌ غَرَضاً»:[۱] «خدا لعنت کند کسی که جانداری را به دلیل شخصی گرفتار کند». و چون مشاهده کردند که پرنده‌ای در به در دنبال جوجه‌هایش می‌گشت، زیرا شخصی جوجه‌هایش را از لانه بیرون کشیده بود، فرمود: «مَنْ فَجَعَ هٰذِهِ بِوَلَدِهَا؟ رُدُّوا عَلَيْهَا وَلَدَهَا إِلَيْهَا»:[۲] «این فاجعه را چه کسی انجام داده، زود مادرش را به نزد آن‌ها ببرید».

۳. هنگام ذبح و سر بریدن حیوانات، از آسان‌ترین شیوه استفاده شود، پیامبرﷺ فرمود: «إِنَّ اللّٰهَ كَتَبَ الْإِحْسَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ فَإِذَا قَتَلْتُمْ فَأَحْسِنُوا الْقِتْلَةَ وَ إِذَا ذَبَحْتُمْ فَأَحْسِنُوا الذِّبْحَ وَلْيُرِحْ أَحَدُكُمْ ذَبِيحَتَهُ وَلْيُحِدَّ شَفْرَتَهُ»:[۳] «همانا خداوند، خوبی را در هر چیزی واجب دانسته، اگر حیوان یا جانوری را می‌کُشید و یا ذبح می‌کنید بهترین و راحت‌ترین شیوه را به‌کار ببرید و کارد را باید تیز کند».

---

۱. متفقٌ علیه.
۲. ابوداود.
۳. مسلم.

۴. شکنجه نکردن حیوانات، به هیچ نوع و هیچ طریقی، گرسنه گذاشتن، آزار کردن، بار کردن بیش از حد، بریدن و قطع عضوی از بدن آن‌ها (مُثْلَه کردن = گوش و بینی بریدن) یا سوزاندن و داغ کردن آن‌ها روا نیست، پیامبرﷺ فرمود: «دَخَلَتْ اِمْرَأَةُ النّارَ في هِرَّةٍ حَبَسَتْها حَتّیٰ ماتَتْ فَدَخَلَتْ فيهَا النّارَ فَلا هِيَ أَطْعَمَتْها وَ سَقَتْها وَ لا هِيَ تَرَكَتْها تَأْكُلُ في خَشائِشَ الْأَرْضِ»:[۱] «زنی به خاطر گربه‌ای به دوزخ افتاد؛ زیرا آن را حبس و زندانی کرد و غذا و آب به او نداد و او را رها نکرد تا از آشغال و آن‌چه در بیرون است استفاده کند و بالأخره مرد».

از حضرت رسولﷺ روایتی دیگر است، هنگامی که از کنار لانه‌ی مورچه‌ای عبور می‌فرمود، دید که آتش گرفته بود، فرمود: «إِنَّهُ لا يَنْبَغي أَنْ يُعَذِّبَ بِالنّارِ إِلّا رَبُّ النّارِ»:[۲] «درست نیست کسی جز خدا که خالق آتش است دیگری را با آتش عذاب کند».

۵. مبارزه با حیوانات موذی و از بین بردن و دفع کردن آن‌ها مانعی ندارد، سگ و گرگ، مار، عقرب، موش و امثال آن‌ها که مایه‌ی رنج و ضرر و نابودی شوند باید از بین برده شوند، حضرت رسولﷺ فرمود: «خَمْسٌ فَواسقَ تُقْتَلْنَ فِي الْحِلِّ وَ الْحَرَمِ؛ اَلْحَيَّةُ وَ الغُرابُ الأَبْقَعُ وَ الْفَأْرُ وَ الْكَلْبُ الْعُقورُ و الحُدَيّا»:[۳] «پنج نوع از جانداران مضر هستند و در حرم نیز کشته می‌شوند: مار (و هر چیزی نیش‌دار)، کلاغ، موش و سگ هار، زغن».

۶. نشانه گذاری روی گوش حیوانات به دلیل مصلحت، اشکالی ندارد.

۷. از حیواناتی که به زکات مربوط می‌شوند، باید به حقوق شرعی و ادای زکات آن‌ها اقدام کرد.

---

۱. بخاری. ۲. ابوداود.
۳. مسلم.

۸. عدم استفاده از آن‌ها در موارد غیر شرعی، از قبیل بازی و مسابقه‌های وحشیانه و هرچه سبب معصیت شود.

این مواردی بود از آداب برخورد و رفتار با حیوانات و جانوران، که هر مسلمانی باید در همه زمینه‌های زندگی، دستورات شریعت خدا و رسول را مدّ نظر داشته و رحمت عام الهی و انسان‌های خدادوست را شامل هر موجودی بگرداند.[1]

آداب و روش شرکت در مجالس

اسلام، آیین نظم و انضباط است، در مورد هر مسأله‌ی مربوط به زندگی و ورود به اجتماعات، اعم از مجالس عمومی و خصوصی، آدابی تعیین کرده که فرد مسلمان باید خود را موظف به انجام آن بداند. از آن جمله:

۱. ورود و حضور در هر مجلس باید با کسب اجازه و اجرای آداب مناسب آن مجلس و با بیان و رفتار شایسته باشد. حضرتﷺ فرمود: «**مٰا مِنْ مُسْلِمِينَ يَلْتَقِيٰانِ فَيَتَصٰافَحٰانِ إِلَّا غُفِرَ لَهُمٰا قَبْلَ أَنْ يَفْتَرِقٰا**»: «دوستان وقتی به هم می‌رسند و با هم سلام و احوال‌پرسی لازم را داشته باشند، قبل از جدا شدن از همدیگر گناهان آن‌ها آمرزیده می‌شود».

۲. نشستن در محل مخصوص که صاحب خانه تعیین کند و ماندن در آن‌جا و مزاحم دیگران نشدن به طوری که یکی را بلند کند تا خود به جای او بنشیند، نهایت بی‌ادبی است، و آن‌ها هم باید جایی برای نشستن او فراهم نمایند.

اگر از گروه انسان‌های وارسته یا شخصیت‌های علمی باشد اشکالی

---

۱. منهاج المسلم، ص ۱۱۹.

ندارد که در مکان مخصوص به خود بنشیند چون حضرتﷺ فرمود: «أَنْزِلُوا النَّاسَ مَنٰازِلَهُمْ»: «هر کسی را در محل مناسب خود بنشانید».

۳. برپا خاستن به احترام مهمان تازه وارد یا مسافر یا ورود شخص عالم و بزرگ‌تر در اخبار و سنن آمده است. وقتی حضرت فاطمه -رضی‌الله‌عنها- وارد خانه‌ی حضرتﷺ می‌شدند، پیامبرﷺ به احترامشان برمی‌خاستند و او را می‌بوسیدند و هر وقت حضرتﷺ به خانه حضرت فاطمه -رضی‌الله‌عنها- می‌رفتند ایشان هم، چنین رفتار می‌کردند. از ابوهریره رضی الله عنه نقل است که «كٰانَ النَّبِيُّﷺ يُحَدِّثُنٰا فَإِذٰا قٰامَ قُمْنٰا قِيٰاماً حَتّىٰ نَرٰاهُ دَخَلَ إِلىٰ بَعْضِ أَزْوٰاجِهِ»: «وقتی که حضرت رسولﷺ با ما بود، چون تشریف می‌بردند ما برمی‌خاستیم و همان طور سر پا بودیم تا ایشان وارد خانه همسرانش می‌شدند».[1] باز هم روایت است که حضرت رسولﷺ نشسته بودند، برادر رضاعی ایشان وارد شد، آن حضرتﷺ برخاسته، او را نزد خویش نشاندند. از شیخین رضی الله عنهما روایت است که وقتی سعد بن معاذ رضی الله عنه به مسجد نزدیک شد، حضرتﷺ فرمودند: «قُومُوا إِلىٰ سَيِّدِكُمْ أَوْ خَيْرِكُمْ»: «به احترام سرورتان برخیزید» و در حدیث ابن‌مالک که حدیثی متفقٌ علیه است، آمده که چون از غزوه‌ی تبوک برمی‌گشتیم، جدا شدم تا به حضرت رسولﷺ بپیوندم. مردم دسته دسته به پیشواز ما می‌آمدند و به من تهنیت می‌گفتند و چون به مسجد وارد شدم، آن حضرتﷺ نشسته بودند، مردم دور ایشان حلقه زده، طلحه بن عبدالله رضی الله عنه برخاست هروله‌کنان پیش من آمد و با من مصافحه کرد و تبریک گفت. مجتهدین و آگاهان از این حدیث نتیجه‌گیری کرده‌اند که برخاستن به احترام اهل علم و فضیلت در هر مجلس

---

۱. نسائی و ابوداود.

و محفلی مناسب است، ولی به جهات غیر از این، مثل ریا و احترام به افراد ناصالح و متکّبر، رسم ملت‌های غیر مسلمان بوده و روا نیست.

۴. نشستن در وسط مجلس، جز در موارد اضطراری و نبودن محل کافی، همچنین نشستن در وسط دو نفر مگر به اجازه‌ی آن‌ها و گوش کردن به سخن‌های محرمانه‌ی افراد کنار دست، صحیح نمی‌باشد [و پچ‌پچ کردن نیز روا نیست].

در مجالس حرف در گوشی زدن با همدیگر
در زمین سینه‌ها، تخم نفاق افکندن است

«صائب تبریزی»

۵. هنگام صحبت گوینده به دقّت توجه کند و سکوت اختیار نماید:

خداوند تدبیر و فرهنگ و هوش — نگوید سخن تا نَبیند خموش

«فردوسی»

وقتی که سخن می‌گوید، مناسبت و مورد را رعایت کند که گفته‌اند: هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد، دیگران را تحقیر نکند، از جدل و ستیزه جویی و اهانت به احساس دیگران، رسواکردن با حاضر جوابی خصوصاً در مورد شخصیت‌های برتر، بپرهیزد. بزرگ‌ترها را گرامی دارد و به کوچک‌ترها رحم و شفقت داشته باشد، بر کسی منّت نگذارد و تکبّر را پیشه‌ی خود نسازد.

۶. برای دیگران و مخاطب خویش، همدمی مناسب و معاشری خوش‌سخن و مؤدّب و حقیقت‌گو باشد.

نطق زیبا، ز خامشی بهتر — ورنه در جان فرامشی بهتر
گنگ اندر حدیث کم آواز — به که بسیار گوی بیهده تاز

«سنایی»

۷. رعایت موارد بهداشتی درخور مجالس و دوری از آن‌چه که موجب آزردگی خاطر اطرافیان می‌گردد. استفاده از مواد معطّر و پاک کننده در صورتی که ایجاد مزاحمت برای دیگران نکند و استعمال دخانیات (جز با رضایت آنان) درست نیست.

۸. اگر مأمور پذیرایی است، در مورد تقدیم غذا و آب و غیره، از بزرگ‌تر مجلس و سپس آن‌که در سمت راست او نشسته، شروع کند و سپس به بقیه برسد.

۹. نشستن در محل آگاهان، بزرگان، اگر شایستگی آن را نداشته باشد، اشتباه است زیرا دیگران را به اشتباه می‌اندازد و چه‌بسا آن‌ها سؤال‌هایی داشته باشند و او نا آگاهانه حرامی را حلال یا حلالی را حرام گرداند و گمراه کردن مسلمانان موجب عذاب سخت الهی است.

۱۰. هر جا لازم می‌داند، دعای مناسب بخواند. در حدیث ابوهریره رضی الله عنه آمده که حضرت رسول ﷺ فرمود: «**مَنْ جَلَسَ مَجْلِساً فَكَثُرَ فيهِ لَغَطُهُ فَقالَ قَبْلَ أَنْ يَقُومَ مِنْ مَجْلِسِهِ ذٰلِكَ: «سُبْحٰانَكَ اللّٰهُمَّ وَ بِحَمْدِكَ أَشْهَدُ أَنْ لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ» إِلَّا غُفِرَ لَهُ ما كٰانَ في مَجْلِسِهِ ذٰلِكَ**»:[1] «کسی که در مجلسی می‌نشیند به دلیل قیل و قال سخنان گوناگون و آگاهی بی‌مورد، قبل از برخاستن از مجلس بگوید: «پروردگارا! پاک و منزه هستی، شکر تو را به جای آورم که جز تو معبودی بر حق نیست از تو آمرزش می‌طلبم و به سوی تو برمی‌گردم» در این صورت آن‌چه را در مجلس (گفته یا شنیده) آمرزیده می‌شود».

۱۱. توجه داشتن به انتخاب هم‌نشین‌های مناسب و شایسته، بیشتر

---

۱. ترمذی.

مسلمانان از نیازمندان و از طبقه‌های پایین اجتماع هستند که باید دوری از مصاحبت با انسان‌های آشوبگر و تبهکار و کناره‌گیری از مجالسی راکه غیبت و نمّامی و دروغ و نارواگویی یا نارواکاری بر آن حکم‌فرماست، در نظر داشته باشند.

بگردان ز نمّام و بد گوی روی　　بدیشان سخن تا توانی مگوی

۱۲. در هر مجلسی، نهایت ادب و متانت را رعایت کند، از سرگرم شدن و وررفتن به ریشش [یا تسبیحش] و انگشتریش و از خلال کردن دندان جلو و خمیازه و هرچه نشانه‌ی ابراز خستگی و بیزاری از آن‌ها باشد یا پاک کردن آب دهان و بینی در حضور آن‌ها و دراز کردن پا، عطسه‌های ناجور و دور از ادب، پرهیز کند. در صورت لزوم با گرفتن دست یا دستمالی جلو دهان و بینی به آهستگی و در نهایت ادب کارش را انجام دهد، از سخنان بیهوده و ناسنجیده، از شوخی‌های بی‌مزه و جدل، ذکر موارد و مطالب غیر قابل قبول برای دیگران، از حال و کاروبار خود و خانواده‌اش، جابه‌جا شدن و چرخاندن سر و رویه این طرف و آن طرف دوری نماید.

۱۳. اگر اجباراً در محوطه‌ی کوچه یا خیابانی قرار گرفت و مجبور به ماندن در آن‌جا شد، از آزار عابران و نظر نامحرم پرهیز کرده به ادای احترام لازم، امر به معروف و نهی از منکر و ارشاد مردم بپردازد.

آداب شرکت در مهمانی

اگر از طرف مسلمانی، به مهمانی و ضیافتی یا ولیمه‌ی عروسی و غیره دعوت شد، در صورت نبودن مانع شرعی و عذری، بدون قایل شدن تفاوت بین فقیر و غنی، آن را اجابت کند. از رفتن به مجالسی که اغنیا و ثروتمندان

دوشادوش همدیگر نشسته، فقرا و نیازمندان از شرکت در آن محرومند، خودداری نماید. پیامبرﷺ فرمود: «شَرُّ الطَّعَامِ طَعَامُ الْوَلِيمَةِ تُدْعىٰ لَهَا الْأَغْنِيَاءُ و تُتْرَكُ الْفُقَرَاءُ»: «بدترین غذا، غذای مهمانی‌ای است که ثروتمندان به آن دعوت شده، و فقرا از آن محروم شده‌اند».

ضیافتی که در آنجا توانگران باشند　　شکنجه‌ای است فقیران بی‌بضاعت را

«صائب تبریزی»

اجابت دعوت در صورت نبودن عذر شرعی و شخصی لازم است: «مَنْ لَمْ يَجِبِ الدَّعْوَةَ فَقَدْ عَصَى اللّٰهَ وَرَسُولَهُ»:[1] «کسی که دعوت را اجابت نکند، از خدا و پیامبرش نافرمانی کرده است». اگر روزه باشد، به میزبان اطلاع دهد و با کسب اجازه از او و ذکر عذر، خودداری نماید، در مورد روزه‌ی سنت و مستحبی، افطار روزه به جهت ایجاد سرور در دل میزبان مانعی ندارد.

شرکت در مجالس و ضیافت‌هایی که در آن، اعمال غیر شرعی و منکرات از قبیل شراب‌خواری، اختلاط زن و مرد نامحرم، و یا هر امر حرام و ناروای دیگری صورت می‌گیرد، با شرط آگاهی حرام است، مگر به جهت مبارزه با آن اعمال. اما اگر نا آگاهانه در همچون موقعیتی قرارگرفت یا به مقابله‌ی با آن اعمال برخیزد و یا مجالس را ترک گوید. ابن‌جوزیؒ گفت: از جمله اعذار جهت نپذیرفتن دعوت به مهمانی‌ها، می‌توان موارد زیر را نام برد. تأمین و تهیه‌ی غذا از راه حرام و ناروا، وجود و حضور انسان‌های ظالم و ستمگر در مجلس، بودن افراد متکبّر و فخر فروش و اهل بدعت‌های سوء (تجدّد طلبان خلافکار).

امام احمدؒ گفت: اجابت دعوت زمانی لازم است که مصارف مهمانی

۱. متفقٌ علیه.

از راه حلال تأمین شده و در همچو مجلسی، امر منکری رخ ندهد، نیّت داعی و مدعو از این ملاقات، بر کرامت و بزرگداشت طرفین و ایجاد دلخوشی و سرور باشد. حضرت رسولﷺ فرمود: «**مَن أَكْرَمَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ فَكَأَنَّمَا أَكْرَمَ اللّٰهَ وَ مَنْ سَرَّ مُؤْمِناً فَقَدْ سَرَّ اللّٰهُ**»:[۱] «کسی که برادر مسلمانش را گرامی دارد، خدای را گرامی داشته و آنکه دل مؤمنی را شادگرداند، خداوند را شاد کرده است».

مهمان نباید از میزبان دلتنگ یا شاکی و گله‌مند باشد و نشاید که از دعای خیر در حق او غافل ماند.

آداب غذا خوردن

۱. شستن دست‌ها قبل از غذا؛ حضرتﷺ فرمود: «**بَرَكَةُ الطَّعَامِ الْوَضُوءُ قَبْلَهُ وَالْوَضُوءُ بَعْدِهُ**»:[۲] و فرمود: «**اَلْوَضُوءُ قَبْلَ الطَّعَامِ بَرَكَةٌ وَ بَعْدَهُ يُذْهِبُ اللَّمَمَ**»: «شستن دست و دهان به اعتبار شرع و حدیث وضو، قبل از غذا مایه‌ی برکت و بعد از آن موجب رفع نگرانی است».

اگر دست‌ها را پس از شستشو خشک نکنند، بهتر است که تماس با حوله ممکن است ایجاد آلودگی کند و همچنین قطرات آب، مانع نفوذ چربی و آلودگی به داخل پوست می‌شود.

۲. گفتن «بسم اللّٰه» در آغاز و در صورت امکان با صدای بلند؛ حضرتﷺ فرمود: «**إِذَا أَكَلَ أَحَدُكُمْ طَعَاماً فَلْيَقُلْ بِسْمِ اللّٰهِ فَإِنْ نَسِيَ فِي أَوَّلِهِ فَلْيَقُلْ بِسْمِ اللّٰهِ عَلَىٰ أَوَّلِهِ وَ آخِرِهِ**»:[۳] «هنگام شروع بسم‌الله بگویید، اگر

---

۱. از سلوک اجتماعی اسلام، ص، ۳۶۷. ۲. ابوداود و ترمذی.
۳. احمد و ابوداود و ترمذی

فراموش کرد، هر وقت به یادش آمد، بگوید بسم الله علی اوله و آخره که موجب دوری از آفات است». حضرت رسولﷺ فرمود: «إِنَّ الشَّيْطٰانَ يَسْتَحِلُّ الطَّعٰامَ الَّذي لَمْ يُذْكَرِ اسْمَ اللّٰهِ عَلَيْهِ»:[۱] «شیاطین بر خوردن غذایی دست می‌یابد که بسم‌الله بر آن نگفته باشند».

۳. خوردن غذا با دست راست سنّت است، حضرتﷺ فرمود: «لٰا تَأْكُلُوا بِالشِّمٰالِ فَإِنَّ الشَّيْطانَ يَأْكُلُ بِالشِّمالِ»: «با دست چپ غذا نخورید، زیرا شیطان با دست چپ غذا می‌خورد». خوردن غذا با دست چپ [برای کسی که می‌تواند از دست راست استفاده کند و عملاً دست چپ را به‌کار برد]کار شیاطین است.

۴. از آن‌چه در جلو او قرار دارد، بردارد. حضرتﷺ فرمود: «اَلْبَرَكَةُ تَنْزِلُ في وَسَطِ الطَّعٰامِ فَكُلُوا مِنْ خافَتَيْهِ وَ لٰا تَأْكُلُوا مِنْ وَسَطِهِ»:[۲] «برکت طعام در استفاده از اطراف و کناره‌های ظرف است نه وسط سفره». از ابن‌ابی‌سلمه نقل است که می‌گفت: من در حضور حضرتﷺ به خوردن غذا مشغول بودم، دستم به کناره‌های بشقاب رفت، فرمودند: ای پسر، یاد خدا کن [بسم الله بگو] و با دست راست غذا بخور و از جلو خودت بردار.[۳] اما اگر غذا و طعام از نوع خرما و میوه و چیزهای مخلوط و درهم و متنوع باشد، شخص می‌تواند انتخاب کند، اگر تقسیم شده باشد، مطمئناً تجاوز به حقوق و سهم دیگران درست نیست.

۵. به حالت نشسته و در آرامش و استراحت کامل غذا بخورد. مسلم از انس روایت کرده که گفت: «رَأَيْتُ رَسُولَ اللّٰهِﷺ جٰالِساً مُقْعِياً يأْكُلُ تَمْراً»:

---

۱. ابوداود، مسلم، نسائی.
۲. احمد و ترمذی
۳. بخاری و مسلم.

«دیدم که آن حضرتﷺ نشسته و راحت به خوردن خرما می‌پرداخت».
ایستاده و تکیه کرده از نظر بهداشتی نامطلوب است و از آداب اسلامی نیست، حضرتﷺ فرمود: «أَمَّا أَنَا فَلا آكِلُ مُتَّكِئاً»: «من هرگز در حالی که به چیزی تکیه کرده باشم غذا نمی‌خورم» و سنت ایشان چنین بود وقت صرف غذا دو زانو و در حالی که بر ساق پای چپ تکیه کرده و زانوی راست تقریباً قائم باشد، می‌نشستند.

۶. از غذا و طعام ایراد نگیرد؛ آن حضرتﷺ فرمودند: «مٰا عٰابَ طَعٰاماً، إِنِ اشْتَهٰاهُ أَكَلَهُ وَ إِنْ كَرِهَهُ تَرَكَهُ»:[۱] «هرگز از غذایی عیب نمی‌گرفتند، اگر اشتها داشتند، میل می‌فرمودند و اگر نه، کنار می‌گذاشتند».

۷. در صورت امکان و [نبودن قاشق و چنگال] با سه انگشت غذا میل شود و به اندازه‌ی لازم کشیده شود. آن حضرتﷺ غذا را چنین میل می‌فرمودند و در آخر نوک انگشتان را به نشانه‌ی [اشتها و سپاس] به دهان می‌بردند و اگر لقمه‌ای می‌افتاد، برمی‌داشتند. قسمت‌های کثیف را جدا کرده و دور می‌انداختند. از لقمه‌ی بزرگ خوششان نمی‌آمد. استفاده از قاشق و چنگال و ظروف بستگی به میل شخص است فقط از مواردی نباشد که اشکال شرعی داشته باشد.

۸. هنگام غذا خوردن، باید مؤدّب و آرام به این کار پرداخت، از فوت کردن و دمیدن و هر آن‌چه مایه‌ی آلودگی غذا شود و سر و صدا ایجاد کردن دوری کرد.

۹. پرخوری نکند که به بیماری منجر شود آن حضرتﷺ فرمود: «مٰا مَلَأَ ابْنُ آدَمَ وِعٰاءً شَرّاً مِنْ بَطْنِهِ حَسِبَ ابْنُ آدَمَ أَكَلاتَ يُقِمْنَ صُلْبَهُ فَإِنْ كٰانَ لا

---

۱. بخاری و مسلم.

مَحَالَةَ فَثُلُثٌ طَعَامٍ وَ ثُلُثُ شَرَابٍ و ثُلُثٌ لَنَفْسِهِ»:[۱] «انسان ظرف شکمش را پر از آفت نکند. برای انسان لقمه‌هایی کافی است. اگر نه یک سوم شکمش برای غذا و یک سوم دیگر برای آب و ثلث باقی مانده از درونش را برای نفس کشیدن بگذارد». پر خوری مایه‌ی قساوت قلب و آشفتگی حال می‌شود:

نه چندان بخور کز دهانت برآید
نه چندان که از ضعف جانت برآید
با آن‌که در وجودِ طعام است عیش نفس
رنج آورد طعام که بیش از قدر بود
گر گلشکر خوری به تکلف، زیان کند
ور نان خشک دیر خوری، گلشکر بود

«سعدی»

۱۰. شستن دست‌ها پس از غذا؛ حضرتﷺ فرمودند: «مَنْ بَاتَ وَ في يَدِهِ غَمْرَةٌ وَ لَمْ يُغْسِلْهُ فَأَصَابَهُ شَيْءٌ فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ»:[۲] «کسی که شب را به روز آورد و دستش را نشُسته، بوی غذا و چربی و گوشت دهد، اگر بیمار شد، از کسی گله نداشته باشد».

۱۱. گفتن الحمدُ للّه پس از غذا: «اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي أَطْعَمْنَا وَ سَقَانَا وَ جَعَلْنَا مُسْلِمِينَ»: «سپاس خدای را که ما را سیر و سیراب کرد و از مسلمانان گرداند». یا به این عبارت: «اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي كَفَانَا وَآوَانَا غَيْرَ مُكَفِّيءَ وَ لَا مَكْفُورٌ»: «ستایش خداوندی که زندگی ما را تأمین کرد و ما را بی‌نیاز ساخت» و یا بگوید: «اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي أَطْعَمَني هٰذَا وَ رَزَقَنيهِ مِنْ غَيْرِ حَوْلٍ وَ لَا قُوَّةٍ»:

---

۱. نسائی و ابن‌ماجه و ترمذی. ۲. متفقٌ علیه.

«ستایش خدای را که این چنین بدون درد و رنج و زحمت، طعام و روزیم داد».

۱۲. صحبت کردن با دیگران به تناسب حال و وقت صرف غذا و دعای خیر برای میزبان و گفتن: «أَفْطَرَ عِنْدَكُمُ الصَّائِمُونَ وَ أَكَلَ طَعَامَكُمُ الْأَبْرَارُ وَ صَلَّتْ عَلَيْكُمُ الْمَلَائِكَةُ»: «روزه‌داران نزد شما افطار کنند و نیکان غذایتان را بخورند و دعا و رحمت فرشتگان بر شما باد». و در سر سفره قبل از شروعِ بزرگ مجلس، اقدام به صرف غذا نکند.

ضمناً به چند مورد دیگر باید توجه داشت: شتاب در غذا خوردن، حرص بر پرخوری و نگاه کردن به لقمه‌ی طرف مقابل و همسفره، خوردن غذا در سر راه‌ها و چهار سوق و انظار مردم مکروه است.

در سر سفره، بزرگ‌تر در جمع حاضرین تا پایان غذای دیگران کنار نرود، میزبان هم فخر نفروشد. ابن‌مسعودﷺ روایت کرد که پیامبرﷺ ما را از پذیرفتن دعوت کسی که به غذا و ضیافتش می‌بالد و کسی که اهل اسراف و ولخرجی است که ناچار شود غذاهای اضافی را دور بریزد و در مزبله‌ها خالی کند، نهی فرمود.

هنگام رفتن مهمان از خانه، سنت است میزبان او را تا در خانه بدرقه کند، و در طول مهمانی و مجلس با خوش‌رویی و سخنان خوش، او را مسرور گرداند و برخاستن مهمان هم با اجازه و رضایت صاحب خانه باشد، ایام مهمانی تا سه روز به حساب ضیافت و بیشتر از آن صدقه خواهد بود.

چو مهمان آیدت دلشاد می‌باش   زهر بند غمی آزاد می‌باش
منه منّت چو بر خوان تو باشند   که آن شکرانه بر جان تو باشند

«ناصر خسرو»

چند نکته مهم

هنگام عزا و سوگواری، از طرف همسایه‌ها و نزدیکان بـرای اهـل عـزا، طعام و غذای لازم فراهم شود، همان طور که حضرت رسولﷺ در مراسم دفن و خاک‌سپاری جنازه‌ی جعفر بن ابـی‌طالب رضی الله عنه فـرمود: «**إِنَّ آلَ جَعْفَرَ شَغَلُوا بِمَيِّتِهِمْ عَنْ صُنْعِ طَعَامِهِمْ فَاحْمِلُوا إِلَيْهِمْ مَا يَأْكُلُونَ**»: «خانواده‌ی جعفر به دلیل مصیبت وارده به آن‌ها از درست کردن طعام بـازمانده‌انـد، هـرچـه می‌خواهند برایشان ببرید». افرادی که به آن‌ها بپیوندند، می‌توانند از غذای آنان بخورند. اما آن‌چه امروزه عادت ناپسند مردم شده که اهل عزا بنشینند و برای دیگران غذا تهیه کنند و ضیافتی برپا نمایند، خلاف شریعت است.

خواب بلافاصله بـعد از صـرف غـذا مکـروه است. از حـضرت عـایشه -رضی‌اللّٰه‌عنها- روایت شده که پیامبرﷺ فرمود: «**أَذِيبُوا طَعَامَكُمْ بِذِكْرِ اللّٰهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَالصَّلَاةِ وَ لَا تَنَامُوا عَلَيْهِ فَتَقَسُوا لَهُ قُلُوبِكُمْ**»: «طعام را با یاد خدای عزوجل و نماز آب کنید (هضم کنید) و به دنبال آن بلافاصله نـخوابـید کـه قلب‌هایتان قساوت پذیرد».

آداب نوشیدن

۱. تسمیه (بسم اللّٰه الرحـمن الرحـیم گـفتن) در آغـاز نـوشیدن و حـمد (الحمد للّٰه گفتن) در پایان آن، به سه جرعه آن را بنوشد، پس یک مرتبه و یک جرعه آب را سرکشیدن عمل مکروهی است. حضرتﷺ فرمود: «**لَا تُشْرِبُوا نَفْساً وَاحِداً كَشُرْبِ الْبَعِيرِ وَ لٰكِنِ اشْرَبُوا مَثْنىٰ وَ ثُلَاثَ وَ سَمُّوا اللّٰهَ إِذَا أَنْتُمْ شَرِبْتُمْ وَاحْمِدُوا اللّٰهَ إِذَا أَنْتُمْ رَفَعْتُمْ**»: «همچو شتر، یک نفس، آب را سر نکشید، دو جرعه یا سه جرعه‌اش کرده با بسم اللّٰه شروع و با الحمد للّٰه تمام کنید».

و خود آن حضرتﷺ چنین می‌کردند و در فاصله‌ی جرعه‌ها نفسی می‌کشیدند و در پایان می‌فرمودند: «إِنَّهُ أَرْوىٰ وَ أَبْرَأُ وَامْرَأُ»:[1] «این روش، برای رفع عطش و تشنگی و نیاز بدن و معده، مناسب‌تر است».

۲. خوردن آب از دهانه‌ی کوزه یا ظرف بزرگ و سرکشیدن یک مرتبه‌ی آن‌ها مکروه است.

۳. گرفتن لیوان یا کاسه‌ی آب با دست راست سنّت است. حضرتﷺ فرمود: «لا يَأْكُلُ أَحَدُكُمْ بِشِمٰالِهِ وَ لا يَشْرِبْ بِشِمٰالِهِ فَإِنَّ الشَّيْطٰانَ يَأْكُلُ بِشِمٰالِهِ وَ يَشْرَبُ بِشِمٰالِهِ»: «هیچ‌یک از شما با دست چپ چیزی نخورد و ننشود، زیرا شیطان با دست چپ می‌خورد و می‌نوشد».[2]

۴. نوشیدن در حالت نشسته برای سلامتی جسم و از نظر بهداشت مناسب‌تر است، حضرتﷺ فرمود: «لا يَشْرِبَنَّ أَحَدٌ مِنْكُمْ قٰائِماً فَإِنَّ نَسِيَ فَلْيَسْتَقِيءْ»:[3] «هیچ کس ایستاده آب [یا مایعات دیگر را] را ننوشد و اگر فراموش کرد آن را از گلو بیرون ریزد». البته بجز آب زمزم که در هر حالت مانعی ندارد.

۵. اگر چند نفر باشد، اول به دیگران تعارف کند، از دست راست شروع کند، اگر چه کودکی هم باشد و خود به دنبال آن‌ها بنوشد. ساقی القوم آخرهم شربا.

۶. نوشیدن از ظروف طلایی و نقره‌ای حرام است. آن حضرتﷺ فرمود: «إِنَّ الَّذي يَشْرِبُ في آنِيَةِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ إِنَّمٰا يُجَرْجِرُ في بَطْنِهِ نٰارَ جَهَنَّمَ»:[4] «کسی که در ظرف طلایی یا نقره‌ای بنوشد، مثل این است که آتش دوزخ را در درون خود مشتعل ساخته، زیرا استفاده از این نوع ظروف نشانه

---

۱. مسلم و احمد.
۲. مسلم و احمد و ابوداود و ترمذی.
۳. مسلم.
۴. متفقٌ علیه

و مظهر تکبّر و برتری‌جویی و یا مایه‌ی جریحه‌دار کردن احساس و کرامت فقر است.

۷. خوردن آب از ظروف مشرک و یهود و نصاریٰ پس از شستن و پاک کردن، اشکالی ندارد. حضرتﷺ فرمود: «**إِنْ وَجَدْتُمْ غَيْرَهٰا فَلٰا تَأْكُلُوا فيهٰا وَ إِنْ لَمْ تَجِدُوا غَيْرَهٰا فَاغْسِلُوا وَ كُلُوا فيهٰا**»:[۱] «اگر ظروف دیگر یافتید از ظروف آنان استفاده نکنید اما اگر ممکن نبود، ظرف‌های آن‌ها را بشویید بعد در آن‌ها غذا یا آب بخورید».

۸. عدم اسراف در هر مورد، پر کردن کاسه و بیش از حدّ نیاز آب در لیوان ریختن نه به صرفه است و نه مایه‌ی سلامتی جسم.

آداب سلام و احوال‌پرسی[۲]

۱. کیفیت سلام: **اَلسَّلٰامُ عَلَيْكُمْ** و کامل آن **وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَكٰاتُهُ** جواب آن **وَ عَلَيْكُمُ السَّلٰامُ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَكٰاتُهُ**، **عَلَيْكُمُ السَّلٰامُ** تنها هم کافی است ولی اکمل و بهتر آن عبارت فوق الذکر می‌باشد.

شخصی حضور حضرتﷺ رسید و عرض کرد **السّلام عليكم**، پیامبرﷺ پاسخ فرمودند: **السّلام عليكم و رحمة اللّٰه**، پیامبرﷺ پس از جواب فرمود: «عشر» یعنی ده حسنه پاداش، دومی وارد شد عرض کرد **السّلام عليكم و رحمة اللّٰه** پیامبرﷺ پس از جواب فرمود: «عشرون» یعنی بیست حسنه پاداش، سومی رسید و عرض کرد **السّلام عليكم و رحمة اللّٰه و بركاته**، آن حضرتﷺ پس از جواب فرمودند: «ثلاثون» یعنی سی حسنه، پاداش دارد.

۲. آغاز به سلام سنّت است اما جواب آن واجب می‌باشد.

---

۱. متفقٌ علیه.
۲. مختصری از کتاب اذکار امام نووی.

۳. وقتی جمعی وارد جایی شوند اگر یکی به نمایندگی از همه سلام کند، کفایت کند اما اگر همه سلام کنند بهتر است. در پاسخ هم همین طور است، اما در مورد جواب، اگر کسی اصلاً جواب ندهد، همه گناهکارند (واجب کفایی است).

۴. سنّت است سلام کننده با صدای رسا که طرف مقابل بشنود سلام کند (افشای سلام)، سلام کردن با اشاره فقط در مورد انسان‌های لال، گنگ و بیمار یا از فاصله‌ی دور صحیح می‌باشد.

اگر کسی سلام شخصی دیگر را (شفاهی یا کتبی) به فردی ابلاغ می‌کند، شنونده و مستمع باید پاسخ دهد و بر مبلّغ سلام نیز سلام دهد و بگوید: و عليك و عليه السّلام.

۵. سنّت این است قبل از هر سخنی، سلام گفته شود [اول سلام بعد کلام] از آن حضرتﷺ سؤال شد: «رَجُلَانِ يَلْتَقِيَانِ أَيُّهُمَا يَبْدَأُ بِالسَّلَامِ؟ قَالَ: أَوْلَاهُمَا بِاللّٰهِ تَعَالىٰ»:[1] «دو نفر به هم رسند کدام یک اول به سلام بپردازد؟ فرمود: آن‌که اول سلام می‌کند [سلام به خدای تعالی می‌کند] و به خدا نزدیک‌تر است».

۶. در موارد زیر سلام کردن مکروه و نارواست و جوابی هم ندارد، هنگام قضای حاجت (در توالت بودن) یا کسی که با همسرش خوابیده، به شخص خوابیده یا آن‌که در حمام و وان و امثال آن نشسته، آن کس که مشغول نماز و قرآن خواندن است، بر کسی که اذان می‌گوید [در حال اذان گفتن]، شخصی که لقمه در دهان دارد، [و یا به نحوی دهانش درگیر با مسأله‌ای است] در حال خواندن خطبه‌ی جمعه، در بعضی از این موارد برای پاسخ اشاره کافی است.

---

۱. ترمذی.

۷. سلام کردن مرد و زن محرم به هم، مرد به زن بیگانه (اگر مسأله‌ای ایجاد نکند)، سلام کند و جمع زنان به مردها و عکس آن درست و رواست.

۸. سلام کردن مسلمان بر کافر حربی (محارب و جنگجو علیه مسلمانان) درست نیست، اما در مورد غیر مسلمان عادی و در حال صلح درست است، و در جواب آنان بگوید: علیکم.[۱]

به نظر بسیاری از علما، استفاده از ترکیب‌ها و اصلاحات: «هَدٰاكَ اللّٰهُ، أَنْعَمَ اللّٰهُ صَبٰاحَكَ، أَصْبَحْتَ بِالْخَيْرِ أَوْ بِالسَّعٰادَةِ أَوْ بِالْمَسَرَّةِ»، خدایت هدایت دهاد، صبح بخیر، صبح به خوشی و سلامتی و سرور، شب بخیر و امثال این کلمات در احوال‌پرسی روزانه خوب است.

۹. سلام دادن بر کودکان برای تقویت و ایجاد عادت حسنه و تربیت و اخلاق و بارور کردن روحیه‌ی دوستی و عاطفه‌ی نوع‌دوستی آن‌ها سنت پیامبر اکرمﷺ بوده است، آن حضرتﷺ بارها این عمل نیکو را تکرار فرموده است.

۱۰. سلام دادن راکب (سواره) به پیاده، پیاده به نشسته، افراد اندک بر جمع و جماعت، کوچک‌تر به بزرگ‌تر در هر حال با رعایت ترتیب اولویت بهتر و سنّت است، عکس آن‌ها هم اشکالی ندارد اما خلاف سنّت می‌باشد.

هنگام ورود به خانه هم سلام کردن سنّت است اگر کسی در خانه نباشد بگوییم: «السّلام علینا و علی عباد اللّه الصالحین».

۱۱. اختصاص دادن سلام به عده‌ای از میان جمعی و توجّه نکردن به دیگران مخالف آداب شریعت و سنّت مردمی است مگر در میان کوچه و معابر و یا مکان‌های عمومی که یقیناً و فقط با آشنایان روبه‌رو هستیم.

---

۱. بخاری و مسلم.

۱۲. گفتن خداحافظ و کلمات نظیر آن، به سلامت، (که خود یک نوع سلام و درخواست ایمنی برای طرف مقابل است) نیز از آداب شریعت و سنّت نبوی است، سلام کردن به کسی که یقین داشته باشیم جواب نمی‌دهد لزومی ندارد.

۱۳. بوسیدن و مصافحه با همدیگر، جز در مواردی، مناسب نیست، شخصی عرض کرد ای رسول خدا! وقتی یکی از ما به دیگری برسد در مقابلش خم شود؟ (تعظیم کند) فرمود: نه، عرض کرد: او را ببوسد؟ فرمود: نه عرض کرد: اگر مصافحه کند چه؟ فرمود: بلی.

۱۴. مصافحه رسم معمول بین مردها است، هیچ‌گاه مرد با زن بیگانه مصافحه نمی‌کند. مصافحه همان دست دادن است.

۱۵. بر پا خاستن به احترام کسی که وارد مجلس می‌شود به دلیل شخصیت علمی و اجتماعی و دینی و سِنّی درست است. اما در مورد مسایل دنیایی و ریا به صورت تعظیم‌وار، صحیح نیست.

آداب اجازه گرفتن

۱. شخصی که می‌خواهد به جایی وارد شود باید اجازه بگیرد، اگر جوابی نشنید، برگردد، ورود بدون اجازه درست نیست.

۲. قبل از اجازه، نگاه کردن به داخل خانه درست نیست و هنگامی که جلو در است در طرف راست یا چپ در بایستد تا داخل حیاط و راهرو را نبیند، زنگ را به آهستگی فشار دهد تا سبب رعب و هراس و آشفتگی خاطر اهل خانه را فراهم نکند.

۳. در معرفی خود [پشت در یا تلفن یا هر وسیله‌ی دیگر] به کلمه «من» فقط اکتفا نکند، اسم و رسم خودش را بگوید.

۴. ورود به اطاق کسی دیگر ولو پدر و مادر و محارم هم باشد بدون در زدن و علامتی، صحیح نیست.

عبدالله بن مسعود رضی الله عنه وقتی به جلو در اطاق می‌رسید، با سُرفه کردن یا بلند حرف زدن، ورود خود را اعلام می‌کرد. امام احمد حنبل رحمه الله گفته است: مرد خانه نیز در وقت ورود به شیوه‌ای حضور خود را اعلام دارد یا با سرفه کردن یا صدای کشیدن پاشنه کفش بر زمین و تند کردن قدم‌ها و به هر شیوه‌ی مناسب دیگر.

۵. در مورد مکان‌های عمومی، مهمان‌خانه‌ها، ادارات، قهوه‌خانه‌ها، مساجد، تجارت‌خانه‌ها، نمایشگاه‌ها و مدارس عمومی و امثال آن کسب اجازه لزومی ندارد مگر در موارد استثنایی و خصوصی از نظر مصلحت‌های امنیتی و شرعی که عادتاً نیاز به اجازه‌ی ورود و گرفتن وقت قبلی باشد.

آداب سفر[1]

به ره چون روی هیچ تنها مپوی — نخستین یکی نیک همره بجوی
کجا رفت خواهی ببر بردنی — بپرهیز و مستان ز کس خوردنی
مشو شب به شهر اندر از ره فراز — بر چشمه و آب منزل مساز
مشو یار بد خواه و همکار بد — که تنها بسی به که با یار بد

«سعدی»

هنگام رفتن به سفر، سنّت است قبل از آن به مشورت و مصلحت جویی با دیگران بپردازد، امانت و اموال مردم را به صاحبانش برگرداند، ادای دیون کرده، سفارش‌های لازم و تأمین نفقه و وسایل معاش خانواده و آماده کردن

---

۱. مختصری از احیای امام غزالی و اذکار امام نووی.

وسایل سفر را در نظر داشته، پس از انجام موارد فوق با رویی گشاده و اخلاقی شایسته و سخنانی دلپسند با اطرافیان خداحافظی کند و به سفر رود که سفر، فقط تغییر مکان شخص نیست بلکه وسیله‌ای است برای تغییر حال و ترک خودبینی و خوی ناپسندیده و تخلّق به اخلاق انسان‌های واقعی.

به این دلیل است که گفته‌اند: اگر کسی را همشهری‌ها و دوستانش در شهر و همسفرهایش در سفر تعریف کردند در خوبی او تردید نداشته باش.

۲. حضرت رسولﷺ از تنها به سفر رفتن نهی فرموده است مگر وقتی که همسفر ناباب باشد که مایه‌ی دغدغه است، در سفری که حداقل سه نفر باشند، یکی از میان خود را به رهبری خود برگزینند و همیشه همراه انسان‌های صالح باشند که مایه‌ی خشنودی حق است.

۳. وقت سفر، از خانواده نزدیکان و دوستانش خداحافظی کرده از همه طلب دعای خیر داشته باشد تا در طول سفر به پرتو دعای خیر آن‌ها از ناملایمات در امان بماند. آن‌ها هم برای شخص مسافر آرزوی سلامت و تقوی و حفظ و امان داشته باشند و بگویند خیر پیش یا تو را به خدا سپردیم که او سپرده‌هایش را از یاد نمی‌برد.

۴. سنّت است که در آغاز سفر دو رکعت نماز سنّت سفر به جای آورد که بهترین توشه و یادگاری است (در این نماز در رکعت اول سوره‌ی کافرون و در دوم سوره‌ی اخلاص بهتر است. در کتاب‌های مفصل شرح آن آمده) پس از نماز با قرائت آیة الکرسی، سلامت احوال و حفظ و حراست را به ارمغان بگذارد و آنگاه سوره‌ی قریش که مایه‌ی امنیت خاطر و منزل خواهد بود و این دعا را (اگر بلد باشد) قرائت کند:

«اَللّٰهُمَّ بِكَ اسْتَعِينُ وَ عَلَيْكَ أَتَوَكَّلُ، اَللّٰهُمَّ ذَلِّلْ لي صَعُوبَةَ أَمْري وَ سَهِّلْ عَلىٰ مَشِقَّةَ سَفَري وَارْزُقْني مِنَ الْخَيْرِ أَكْثَرَ مِمّٰا أَطْلَبُ وَاصْرِفْ عَنّي كُلَّ شَرٍّ رَبِّ اشْرَحْ لي صَدْري وَ يَسِّرْ لي أَمْري اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْتَحْفِظُكَ وَ أَسْتَوْدِعُكَ نَفْسي وَ ديني وَ أَهْلي وَ أَقٰارِبي وَ كُلَّ مَنْ أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَ عَلَيْهِمْ بِهِ مِنْ آخِرَةٍ وَ دُنْيا فَاحْفَظْنٰا أَجْمَعينَ مِنْ كُلِّ سُوءٍ يٰا كَريمُ اَللّٰهُمَّ إِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ وَ بِكَ اعْتَصَمْتُ اَللّٰهُمَّ اكْفِني مٰا أَهَمَّني وَ مٰا لٰا أَهْتَمُّ بِهِ اَللّٰهُمَّ زَوِّدْني التَّقْوىٰ وَاغْفِرْلي ذَنْبي وَ وَجِّهْني لِلْخَيْرِ أَيْنَمٰا تَوَجَّهْتُ».

«خدایا! از تو کمک می‌خواهم و بر تو توکل می‌کنم، مشکلات کارم را آسان گردان و سختی‌های سفرم را از بین ببر، روزیم را از آن‌چه خیر و حلال است، قسمت کن، و هر آفتی را از من دور ساز. دلم را آرامش ده و سعه‌ی صدرم عطا کن، خدایا! از تو طلب دارم حفظ و حراست وجودم، دینم، خانواده‌ام، خویشاوندانم و هر که حقی بر من از او عطا کردی و مورد لطف قرار دادی، همه را از آفات نگاه دار، ای صاحب کرم! به سوی تو روی آورده‌ام و از تو نیرو می‌طلبم آن‌چه برای من لازم و کافی است، عطا کن، تقوی را پیشه‌ام گردان و گناهم را ببخشای و به سوی خیر هدایتم بفرما».

۵. وقتی که سوار وسیله‌ی نقلیه می‌شود، بگوید:

«اَللّٰهُ أَكْبَرُ، اَللّٰهُ أَكْبَرُ، اَللّٰهُ أَكْبَرُ، سُبْحٰانَ الَّذي سَخَّرَ لَنٰا هٰذٰا وَ مٰا كُنّٰا لَهُ مُقْرِنينَ، وَ إِنّٰا إِلىٰ رَبِّنٰا لَمُنْقَلِبُونَ. اَللّٰهُمَّ إِنّٰا نَسْأَلُكَ في سَفَرِنٰا هٰذَا الْبِرَّ وَالتَّقْوىٰ، وَ مِنَ الْعَمَلِ مٰا تَرْضىٰ. اَللّٰهُمَّ هَوِّنْ عَلَيْنٰا سَفَرَنٰا هٰذٰا. وَاطْوِعَنّٰا بُعْدَهُ. اَللّٰهُمَّ أَنْتَ الصّٰاحِبُ فِي السَّفَرِ وَالْخَليفَةُ فِي الْأَهْلِ، اَللّٰهُمَّ إِنّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعْثٰاءِ السَّفَرِ وَ كَآبَةِ الْمَنْظَرِ وَ سُوءِ الْمُنْقَلَبِ فِي الْمٰالِ وَالْأَهْلِ».[۱]

---

۱. رواه مسلم.

«خداوند بزرگ و بلند مرتبه است (۳ مرتبه). پاک و منزه است خدایی که این وسیله را مسخر ماکرد، در حالی که ما قدرت نداشتیم آن را رام خود کنیم و بازگشت همه‌ی ما به سوی پروردگارمان است. خدایا! در این سفر از تو نیکی و تقوا و انجام کارهایی را که مورد رضایت و خشنودیت است، خواهانیم. خدایا! این سفر را برای ما آسان گردان و دوریش را بر ما کوتاه کن. خدایا! تو همراه [ما] در این سفر و جانشین [ما] در خانواده هستی. خدایا! از سختی‌های سفر و منظره‌های ناخوشایند و تغییرات ناگوار در مال و خانواده[ام]، به تو پناه می‌برم».

۶. سنّت است آغاز سفرش در اول صبح پنجشنبه باشد، در هر حال، عمداً سفر را از صبح جمعه شروع نکند که مایه‌ی فوت نماز جمعه می‌شود، اگر ممکن شود سفر به صورت کاروانی و در شب باشد بهتر است.

۷. مسافر موارد زیر را از ضروریات و اطلاعات اولیه به هر صورت ممکن یاد بگیرد، از قبیل آداب نماز، قصر و جمع، رخصت‌های سفر از افطار روزه و قبله‌شناسی و غیره.

۸. حضرت رسولﷺ در سفر حج و غیره وقتی بر بلندی‌های راه می‌رسید، پس از سه تکبیر این دعا را قرائت می‌فرمود: «لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ وَ هُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ آيِبُونَ تَائِبُونَ عَابِدُونَ سَاجِدُونَ لِرَبِّنَا حَامِدُونَ صَدَقَ اللّٰهُ وَعْدَهُ وَ نَصَرَ عَبْدَهُ وَ هَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ».

۹. سنّت است در شب هنگام به شهر و دیار خود برنگردد، و در روز روشن به خانه مراجعت کند و برای آن‌هایی که منتظر او بوده و به دیدنش شادمان می‌شوند، هدیه‌ای بیاورد.

۱۰. برای کسی که از سفر حج برگشته با این عبارات دعا کنیم: «قَبَّلَ اللّٰهُ حَجَّك وَ غَفَرَ ذَنْبَكَ وَ أَخْلَفَ نَفَقَتَكَ»: «خداوند حجت را قبول کند و گناهانت را ببخشاید و هزینه‌هایت را برگرداند».

۱۱. زنان، بدون همراهِ محرم یا شوهر خود به سفر نرود.

آداب لباس پوشیدن

۱. پوشیدن لباس ابریشم و استفاده از زیور آلات طلا برای مردان مسلمان حرام ولی برای زنان رواست، حضرت رسولﷺ پارچه‌ی حریری را در دست راست و یک شیء طلایی را در دست چپ گرفته فرمودند: «إِنَّ هٰذَيْنِ حَرَامٌ عَلىٰ ذُكُورِ أُمَّتِي»:[1] «این دو بر مردان امت من حرام است».

۲. لباس مردان نباید زیاد دراز و به زمین بکشد (از حدود قوزک پا پایین‌تر نیاید) که نشانه‌ی تکبر و در عین حال غیر بهداشتی است. اما در مورد زنان، لباس باید دربرگیرنده‌ی حجاب شرعی باشد و پوشش سر، موی، گردن و سینه را دربر بگیرد خصوصاً در مقابل اشخاص نامحرم زن باید حافظ حجاب شرعی خود باشد. خدای تعالی می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ﴾:[2] «ای پیامبر! به همسران و دختران خود و به زنان مؤمنان بگو که رداهای خود را جمع‌وجور بر خویش فرو افکنند».

۳. گفتیم استفاده از زیور آلات و انگشتری طلا برای مردان درست نیست که حضرت رسولﷺ انگشتری طلایی را در انگشت مردی دید. آن را بیرون آورد و دور افکند و فرمودند: «يَعْمَدُ أَحَدُكُمْ إِلىٰ جَمْرَةٍ مِنْ نَارٍ فَيَجْعَلُهَا فِي يَدِهِ

---

۱. ابوداود

۲. الأحزاب؛ ۵۹.

فَقِيلَ لِلرَّجُلِ بَعْدَ مٰا ذَهَبَ رَسُولُ اللّٰهِﷺ»:[۱] «آیا یکی از شما آتش جهنم را در دست می‌گیرد و آن را به صورتی چنین در انگشت می‌کند؟ [آن را بیرون آوَرْد] پس از دور شدن آن حضرتﷺ، به شخص مورد نظر گفتند، انگشتریت را بردار و از آن استفاده کن، گفت : به خدا قسم، چیزی را که پیامبر خدا دور بیندازد اصلاً نمی‌پوشم و نمی‌گیرم. البته استفاده از انگشتری نقره و پلاتین اشکالی ندارد.

۴. لباس زن و مرد باید متمایز باشد، درست نیست که مردان لباس زنانه بپوشند و بالعکس، چون آن حضرتﷺ فرمود: «لَعَنَ اللّٰهُ الرَّجُلَ يَلْبِسُ لِبَسَةِ الْمَرْأَةِ وَالْمَرْأَةَ تَلْبِسُ الرَّجُلِ كَمٰا لَعَنَ الْمُتَشَبِّهِينَ مِنَ الرِّجٰالِ بِالنِّسٰاءِ وَالْمُتَشَبِّهٰاتِ مِنَ النِّسٰاءِ بِالرِّجٰالِ»:[۲] «خدا لعنت کند مردی را که لباس زنانه بپوشد و خدا لعنت کند زنی را که لباس مردان بپوشد و نفرین بر مردان زن‌نما و زنان مردنما».

۵. تیامُن در پوشیدن لباس و کفش (از طرف راست شروع کردن) و تیاسُر (از طرف چپ در آوردن) در آن‌ها سنّت است.

۶. هنگام پوشیدن لباس جدید سنّت است این دعا خوانده شود: «اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ كِسَوْتَنِيهِ أَسْأَلُكَ خَيْرَهُ وَ خَيْرَ مٰا صُنِعَ لَهُ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مٰا صُنِعَ لَهُ»: «خدایا ستایش تو را که مرا خلعت لباس مرحمت فرمودی، از تو خیر و برکت در آن طلبم و از شرّ و مشکلات آن به تو پناه می‌برم». و وقتی که می‌بیند کسی دیگر لباس تازه به تن کرده برای او دعای خیر کند.[۳]

---

۱. مسلم. ۲. بخاری.

۳. به منهاج المسلم ص ۱۴۱ و اذکار نووی رجوع شود ـ [تمام این موارد وسیله‌ای برای ارتباط تنگا تنگ مسلمانان و ایجاد و دوام صمیمیت بین آن‌هاست و نمونه‌ی دیگر از آدابی و اجتماعی بودن دین اسلام است].

۷. عدم اسراف و زیاده‌روی در پوشاک، اصل در لباس نظیف و ساتر بودن است.

«غرض از جامه دفع حرّاست و برد»[1]

«سعدی»

[خوش ظاهر بودن نیز جهت نشان دادن ایده‌ی اسلامی تا زمانی که با هیچ یک از دستورات شریعت مخالفتی نداشته باشد اشکالی ندارد و شخص مسلمان باید از هر حیث نمونه و الگو باشد] حضرت ﷺ سفارش می‌فرمود: «إِنَّكُمْ قٰادِمُونَ عَلىٰ إِخْوٰانِكُمْ فَاصْلِحُوا رِحٰالَكُمْ وَ أَصْلِحُوا لِبٰاسَكُمْ وَ حَتّىٰ تَكُونُوا شٰامَّةً فِي النّٰاسِ».

۸. بیشتر لباس حضرت رسول ﷺ سفید بود و می‌فرمود: «اِلْبِسُوهٰا إِحْيٰاكُمْ وَ كَفِّنُوا فِيهٰا مَوْتٰاكُمْ»: «زنده‌هایتان لباس سفید بپوشند و مرده‌هایتان را در پارچه‌ی سفید کفن کنید». از رنگ سبز نیز خوشش می‌آمد و چون لباس جدیدی می‌پوشید، لباس قبلی خود را به مسکینان می‌بخشید و می‌فرمود: هر مسلمانی لباس راحتی به کسی دیگر بدهد خداوند او را به لباس مغفرت می‌پوشاند و همواره در ضمان خداست. پوشیدن لباس مخصوص تعلّم و پذیرایی از مهمان و هنگام رفتن به مهمانی یا مساجد سنّت است. خدای متعال می‌فرماید: «يٰا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ»:[2] «ای انسان! برای هر مسجد پوشاک خود برگیرید».

۹. اشکالی ندارد اگر علما لباس مخصوص داشته باشند تا بین مردم مشخّص بوده، جوابگوی سؤالات و درخواست‌های آنان گردند.

۱۰. بر سرپرست هر خانواده لازم است که دخترانش را از کودکی به

---

۱. یعنی گرما و سرما.

۲. الأعراف؛ ۳۱.

لباس مرتب و حجاب شرعی و بستن روسری عادت دهد. اسما خواهر حضرت عایشه ـرضی‌اللّه‌عنهماـ به حضور حضرتﷺ رسید، لباس نازکی به تن داشت حضرتﷺ فرمود ای اسماء! دختر که به حدّ بلوغ رسیده باشد درست نیست به جز این‌جا و آن‌جای بدنش (اشاره به صورت و دست‌هایش فرمود) بیرون باشد.[1]

آداب خواب[2]

۱. تمیز کردن و بررسی جامه‌ی خواب و بستر قبل از خوابیدن جهت آسودگی خیال و رفتن به رختخواب با بدنی پاکیزه و با طهارت. حضرتﷺ فرمود: «إِذٰا أَتَيْتَ مَضْجَعَكَ فَتَوَضَّأْ وُضُوءَكَ الصَّلاٰةَ».[3]

۲. اگر موانعی از قبیل مهمانی مشروع، بحث و مذاکره‌ی علمی، یا مسایل ضروری نباشد، بهتر است بین نماز عشا و وقت خواب فاصله زیادی نیفتد، پیامبر اکرمﷺ خواب قبل از نماز عشا و صحبت کردن زیاد پس از نماز عشا را مکروه می‌شمردند.[4]

۳. بر پهلوی راست دراز کشیدن و خوابیدن سنّت است.

۴. خوابیدن دمر (بر شکم افتاده) به طور مدام روز یا شب مکروه است آن حضرتﷺ فرمود: «إِنَّهٰا ضَجْعَةُ أَهْلِ النّٰارِ» و در جایی دیگر فرمود: «إِنَّهٰا ضَجْعَةٌ لاٰ يُحِبُّها اللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ»: «خوابیدن آن چنانی طرز خواب دوزخیان است».

۵. از اوراد و اذکاری که مسنون است، آن‌چه را می‌داند بخواند، مانند:

---

۱. از غاية المواعظ آلوسی.
۲. از کتاب منهاج المسلم و اذکار نووی.
۳. متفقٌ علیه.
۴. متفقٌ علیه.

سبحان الله (۳۳ مرتبه) الحمد لله (۳۳ مرتبه) الله اکبر (۳۳ مرتبه)، و سپس **لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ** (۱ مرتبه)، آنگاه سوره‌ی فاتحه و آیة الکرسی و آیات آخر سوره‌ی بقره را خوانده به دعا مشغول شود.

۶. هنگام بیدار شدن به ذکر خدا بپردازد. «**اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي أَحْيانا بَعْدَ ما أَماتَنا وَ إِلَيْهِ النُّشُورِ**».

۷. اگر برای نماز تهجّد (نماز شب) برمی‌خیزد، این آیات را بخواند: «**إِنَّ في خَلْقِ السَّماوٰاتِ وَالْأَرْضِ**» تا آخر ده آیه‌ی پایانی سوره آل عمران و هر چه‌قدر می‌خواهد نماز و دعا بخواند.

۸. اگر به دلیل اضطراب‌ها و وسوسه خوابش نمی‌بَرَد، بگوید: «**اَللّٰهُمَّ غارَتِ النُّجُومُ وَ هَدَأَتِ الْعُيُونُ وَ أَنْتَ حَيٌّ قَيُّومٌ لا تَأْخُذُكَ سِنَةٌ وَ لا نَوْمٌ يا حَيٌّ يا قَيُّومُ اهْدَىءْ لَيْلي وَ أَنِمْ عَيْني**»: «خداوندا! ستارگان فرو خفتند و دیدگان بر هم نهاده آرام یافتند و تو زنده‌ای و پا برجا و خواب زیبنده‌ی تو نیست شبم را آرامشی ده. چشمانم را خواب عنایت فرما!».

۹. اگر دچار کابوس و خواب‌های وحشتناک شد بگوید: «**أَعُوذُ بِكَلِماتِ اللّٰهِ التّامَّةِ مِنْ غَضَبِهِ وَ شَرِّ عِبادِهِ وَ مِنْ هَمَزاتِ الشَّياطِينِ وَ أَنْ يَحْضُرُونَ**»: «پناه می‌برم به خدا و آیات او از آسیب و شرور بندگان او و از آفات شیاطین».

۱۰. اگر خواب نیکویی دید، از خدا بداند و او را ستایش کند و برای کسانی که دوستشان دارد بازگو کند، اما اگر خواب بدی را دید، از شیاطین است، اعوذ بالله بگوید و بیرون رود و سه بار به طرف چپ آب دهان بیرون بریزد و با کسی در میان نگذارد تا از آفت آن رها شود.

آداب عیادت بیماران

در عیادت رفتن تو فایده است　　　فایده آن باز بر تو عایده است

«مثنوی مولوی، ۲»

۱. اگر بیماری مریض وخیم است سعی کند زودتر به عیادت او بشتابد. در غیر این صورت بعد از دو روز یعنی روز سوم باشد بهتر است.

۲. مدت عیادت و ملاقات با بیمار کم و کوتاه باشد تا برای بیمار مشکلی ایجاد نکند (مگر از او بخواهند که بیشتر بماند).

۳. در وقت عبادت به دعا در حق بیمار مشغول شود: «أَسْأَلُ اللّٰهِ الْعَظِيمِ رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ أَنْ يَشْفِيكَ ـ اَللّٰهُمَّ رَبَّ النَّاسِ اِذْهَبْ الْبَأْسَ اشْفَ أَنْتَ الشَّافِي لٰا شِفٰاءَ إِلّٰا شِفٰائُكَ شِفٰاءً لٰا يُغٰادِرُ سُقَماً»: «از خدای بزرگ دارندهٔ مقام برترین، شفای تو را خواستارم، خدایا، پروردگارا! رنج و ناراحتی را رفع کن، تو شفا دهنده‌ای و جز تو و بهبودی تو، راهی برای رفع بیماری نیست».

۴. به احوال‌پرسی با بیمار بپردازد و با دست کشیدن و لمس کردن بدن بیمار، به دعا مشغول شود «بسم اللّٰه» سه بار و «أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللّٰهِ وَ قُدْرَتِهِ مِنْ شَرِّ مٰا أَجِدُوا وَ أُحٰاذِرُ» (۷ بار): «به قدرت و عزت خدا پناه می‌برم از شرّ و بدی آن‌چه دارم و آن‌چه که از آن بیزارم».

۵. احوال‌پرسی بیمار از اطرافیانش.

۶. نشستن نزدیک سر بیمار.

۷. دلداری بیمار و خوش‌حال کردن او به امید شفا و طول عمر مثلاً بگوید: چیزی نیست، ان‌شاءالله خوب خواهی شد.

۸. از مریض بخواهد که برای عیادت کنندگان دعا کند. حضرت ﷺ

فرمود: «إِذٰا دَخَلْتَ عَلىٰ مَرِيضٍ فَمُرْهُ فَلْيَدْعُ لَكَ فَإِنَّ دَعٰاءَهُ كَدُعٰاءِ الْمَلاٰئِكَةِ»:[1] «چون به نزد بیمار می‌روید بگویید که برای شما دعا کند که دعای مریض چون دعای فرشتگان است».

۹. اگر مریض در حال احتضار است، او را به گفتن لا إله إلا الله و یاد خدا تشویق کند حضرت رسولﷺ فرمود: «مَنْ كٰانَ آخِرُ كَلاٰمُهُ لاٰ إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ دَخَلَ الْجَنَّةَ»: «هر کس آخرین سخنش لا إله إلا الله باشد بهشتی است».

آداب تعزیه (عزاداری)

۱. شرکت در مراسم تعزیه و تسلیت دادن وابستگان و تلقین کردن آن‌ها به صبر و شکیبایی و به هر وسیله کاهش دادن سوز و داغ درون آن‌ها از سنت‌های حسنه و مورد توجه حضرت رسولﷺ است، ایشان فرموده‌اند: «مٰا مِنْ مُؤْمِنٍ يُعَزِّىٰ أَخٰاهُ بِمُصِيبَتِهِ إِلّاٰ كَسٰاهُ اللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ مِنْ حُلَلِ الْكَرٰامَةِ»:[2] «هر مؤمنی برادر دینی خود را در مصیبتی تسلیت دهد، خدای عزّوجلّ او را به کرامت و زینت بهشتیان بهره‌مند سازد».

۲. از الفاظ معمول در تعزیه می‌توان نمونه‌های زیر را ذکر کرد: «هرچه هست از خداست، بدهد یا بگیرد و هر چیزی دارای وقت معینی است». «خداوند جزایت را بیشتر و بیشتر و مصیبت تو را به بهترین صورت جبران کند». اگر در تعزیه‌ی غیر مسلمان شرکت کند، اگر وابسته‌ها مسلمان و متوفّی غیر مسلمان است بگوید: «أعظم اللّٰهُ أجرك و أحسنَ عزاءك» «خداوند اجرتان را زیادگرداند و تعزیه‌تان را نیکو گرداند» و اگر وابسته غیر مسلمانند و متوفّی مسلمان است بگوید: «أحسن اللّٰه عزاءك و غفَرَ لميتيك»: «خداوند

۱. ابن‌ماجه از عمر بن خطاب رضی الله عنه.
۲. ابن‌ماجه و بیهقی.

تعزیه‌تان را نیکو گرداند و متوفایتان را ببخشاید». اگر هم وابسته و هم میّت غیرمسلمان باشند بگوید: «أخلف الله علیك»: «خداوند جایش را برایتان پر کند».

۳. تعزیه و تسلیت قبل از دفن هم درست است، ولی بعد از آن بهتر است و تا سه روز شرعی است. بیش از آن جز در مورد کسی که هنگام دفن حضور نداشته باشد، مکروه و انتخاب روز هفت یا چهلم یا تعیین سال و اولین عید پس از فوت کسی، خلاف شرع و نارواست.

۴. فقها معتقدند که نشستن برای عزاداری مکروه است خصوصاً اگر موارد ناروا و غیرشرعی در آن باشد که در آن صورت حرام خواهد بود. حضرتﷺ فرمود: «إِنَّ كُلَّ مُحْدِثٍ بِدْعَةٌ وَ كُلُّ بِدْعَةٍ ضَلاَلَةٌ»: «هرچه در زمان حضرتﷺ نبوده باشد بدعت است و هر بدعت (سیّئه) مایه‌ی گمراهی است».

برخی از بدعت‌های ناروا و زاید در مراسم عزاداری

اسراف و تبذیر در غذا و مصارف دیگر. فخر فروشی به آن نوع تشریفات. عدم توجه و بی‌احترامی به قرائت قرآن کریم (که نشانه‌ای برای اعلام مجالس سوگواری شده است!) مسلماً سر و صدا کردن. حرف زدن، خوردن، آشامیدن، و سیگار کشیدن همزمان با تلاوت قرآن کریم حرام و سیئه است. در قرآن می‌خوانیم ﴿وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾:[1] «هنگام قرائت قرآن کریم، آرام باشید و به آن گوش بدهید، امید است که مورد رحمت الهی قرار گیرید».

۵. ترتیب و تهیه‌ی غذا از طرف دیگران برای اهل عزا سنّت است و

---

۱. الأعراف؛ ۲۰۴.

مایه‌ی استحکام روابط اجتماعی است. آن حضرتﷺ پس از آگاهی از شهادت جعفر ابن ابی طالبؓ در غزوه‌ی موته، فرمود: «**اِصْنَعُوا لِآلِ جَعْفَرَ طَعَاماً فَإِنَّهُ قَدْ أَتَاهُمْ أَمَرَ يَشْغِلَهُمْ**»: «برای خانواده‌ی جعفر غذا تهیه کنید که آن‌ها را مصیبتی از آن باز داشته است».

آن‌چه امروز متداول است، اهل عزا و خانواده‌ی داغدار به ترتیب ضیافت و تهیه‌ی غذا برای دیگران اقدام کنند، مخالفت با شریعت محمّدی است و مایه‌ی ناخشنودی حق جلّ‌وجلاله است، اگر غذا را دیگران تهیه کردند برای اهل عزاست و یا مهمانانی که از راه دور آمده و توانایی برگشت به محل خود را ندارند.

۶. تسلیت دهنده با حالت خضوع و فروتنی و تأثّر در مجلس عزا شرکت کند. اگر قرآن خوانده نمی‌شود با بیان مناسب تسلی دهد، از تبسم و سخن نامناسب و شوخی و امثال آن بپرهیزد.

۷. خاندان میّت و اهل عزا نباید به کارهای غیر شرعی بپردازند، نمایش دادن عکس و تصویر و لباس میّت، سرودهای حزن‌انگیز و جزع و فزع و داد و فریاد و نوحه‌خوانی و پاره کردن لباس و کندن مو و برپا کردن مراسم غیر شرعی و نواختن سازهای مخصوص عزاداری (متأسفانه) در تشییع و پوشیدن لباس سیاه به نیّت عزا، همه و همه جزو منکرات شرع مبین است.

۸. اقداماتی که مایه‌ی برکت، غفران و بخشش و ثواب هم برای میّت و هم برای بانی کار است، مفید و مسنون است. از قبیل صدقات و بخشش به فقرا و مساکین، بنای مساجد و تعمیر راه‌ها و اماکن عمومی و خیریه و مراسم دعاخوانی و قرائت قرآن که همگی مایه‌ی اجر و مغفرت است.

آن‌چه مربوط به تشمیت عاطس و خمیازه است

۱. کسی که عطسه می‌کند بگوید: **الحمد لله** و آن‌که حمد طرف را می‌شنود، بگوید: **یرحمُكَ اللّٰه**، شخص اول پاسخ می‌دهد **یهدیكمُ اللّٰه و یصلح بالَكُم** یا **یغفر اللّٰهُ لنا و لكم**، در صورت عدم تلفظ به **الحمد لله** از طرف عطسه کننده، تشمیتی لازم نیست و همچنین در موارد بیماری و تکرار عطسه، این آداب انجام نمی‌گیرد که شرط تشمیت تا سه‌بار است.

۲. هنگام عطسه و خمیازه، شخص باید دست یا دستمالی را جلو دهان و بینی خود بگیرد و به آهستگی به آن‌ها اقدام کند. روش حضرت رسولﷺ چنین بوده و می‌فرمود: **إِنَّ اللّٰهَ عَزَّوَجَلَّ يُكْرَهُ رَفْعُ الصَّوْتِ بِالتَّثَاؤُبِ وَالْعَاطِسِ**.

۳. از گذشتگان نقل است: کسی که مرتب به خیمازه کشیدن دچار می‌شود، به یاد آورد که حضرت رسولﷺ دچار این عارضه نشده، خمیازه‌اش برطرف می‌گردد.

آداب امر به معروف و نهی از منکر

۱. داشتن نیّت صادق و صافی و در نظر گرفتن رضای خداوند نه نفع مادی و مسایل شخصی و ریا.

۲. داشتن آگهی لازم از چگونگی امر به معروف و نهی از منکر و شناخت شیوه‌های مناسب تا نتیجه‌ی کار، مثبت باشد.

۳. پرهیزکاری و تقوای شخص آمر و ناهی و دخالت ندادن مسایل غرور و نظر شخصی.

۴. داشتن خوی مناسب و اخلاق اسلامی، و دوری از خشونت و ایجاد

تنفر در دیگران. حضرت رسول ﷺ فرمود: «مَنْ أَمَرَ بِمَعْرُوفٍ فَلْيَكُنْ أَمْرُهُ بِمَعْرُوفٍ»:[۱] «کسی که امر به معروف می‌کند باید اخلاقش نیک باشد».

آداب اهل تهجد

کسانی که توفیق اجرای نماز تهجد (نماز شب) را دارند به نکات زیر توجه داشته باشند:

کسب حلال و آن‌چه در اکل و شرب مصرف می‌کند از راه شرعی تأمین شود، در تمام روز از غیبت و دروغ و سخنان ناروا و نظر به نامحرم و دیگر منکرات خودداری کنند. شب‌ها را در حالت خشوع و خوف از باری تعالی بگذرانند، با وضو و تأمل در عظمت و آفرینش حق متعال به‌سر برند، وقتی که از خواب برمی‌خیزند اوقات را به دعا و قرائت قرآن بگذرانند و فردا و فرداها از آن‌چه برای خالق خود انجام داده چیزی بیان نکنند تا رنگ ریا به خود نگیرد.

آداب طهارت

هنگام ورود به دستشویی، پای چپ و وقت بیرون آمدن پای راست را جلو اندازد. قبل از دخول می‌تواند بسم الله و استعاذه بگوید. در وقت دخول بگوید: «اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْخُبُثِ وَالْخَبَائِثِ»: «خدایا! از زشتی‌ها و زشت آفرینی‌ها به تو پناه می‌برم»، اگر مکان قضای حاجت، دیوار و ساتری ندارد (در صحراها) به قبله رو و پشت نکند. در فاصله قضای حاجت از یاد خدا و نام او و سخن گفتن بپرهیزد که مکروه است و از تشمیت و جواب اذان

---

۱. بیهقی.

خودداری کند (در همه موارد فوق تلفظ ممنوع است)،[1] استنجا با دست چپ صورت گیرد و در پایان و پس از بیرون آمدن سنّت است بگوید: «غُفْرَانَكَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي أَذْهَبَ عَنِّي الْأَذىٰ وَ عَافَاني»: «خدایا مرا ببخش، سپاس و ستایش شایسته‌ی خدایی است که اذیت و آزار را از من دور کرد و مرا عافیت بخشید».

آداب وضو

عمده‌ی سنّت‌های وضو عبارتند از:

مسواک کردن، خواندن اوراد مخصوص، شستن اعضای وضو، به توبه و انابه پرداختن، ساکت ماندن پس از اتمام وضو تا رسیدن به حضور حق (نماز)، استمرار وضو، انتخاب محل بلندتر [در بیابان‌ها]، برای گرفتن وضو رو به قبله نشستن و کمک نگرفتن از دیگران [در صورت امکان]، حرف نزدن با دیگران، استفاده از دعاهای مأثوره، شروع با بسم اللّه، تمیز کردن قسمت‌های بیرونی و لاله‌ی گوش، چرخاندن و حرکت دادن انگشتری در انگشت، مضمضه و استنشاق با دست راست و پاک کردن بینی با دست چپ و قبل از رسیدن وقت، اقدام به وضو کردن (در صورت نداشتن عذر شرعی)، گفتن شهادتین پس از اتمام وضو و خواندن این دعا: «اللّٰهُمَّ اجْعَلْني مِنَ التَّوّابِينَ وَاجْعَلْني مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ»: «خدایا! مرا از توبه‌کنندگان قرار ده و مرا از پاکان گردان».[2]

---

۱. در وقت مقاربت نیز از تلفظ اذکار و تشمیت و جواب اذان باید حذر کرد.

۲. از نور الأیضاح، ص ۹.

آداب ورود به مسجد

نخست پای راست را جلو بگذارد، هر نوع آلودگی کفش را بیرون صحن مسجد پاک کند، با یاد خدا بر حاضرین سلام کند [اگر در حال نماز نباشند] و اگر مسجد خالی باشد بر خود سلام کند. با این عمل (ورود به مسجد)، خواستار رحمت الهی باشد، دو رکعت نماز تحیة المسجد را فراموش نکند. اگر می‌نشیند، رو به قبله و در حالت مراقبه و به‌دور از صحبت کردن غیرضروری با این و آن، باشد. از لعن و نفرین و غیبت و داد زدن و شمشیر کشیدن (جنگ و جدال)، و از تمام آن‌چه با عبادت میانه‌ای ندارد، بپرهیزد از قبیل خرید و فروش، پرداختن به بحث و گفتگو درباره‌ی مسایل غیرضروری، (تعلیم و تعلّم از این قاعده استثناست) بیشتر به تلاوت و اوراد مشغول شود، تا برایش حکم اعتکاف داشته باشد و هنگام بیرون رفتن از مسجد پای چپ را جلو گذاشته بخواند: «اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ»: «خدایا! فضل و کرمت را می‌خواهم».[۱]

آداب و سنن نماز[۲]

تواضع و فروتنی، دوام خشیت و خضوع، اظهار مذلت در پیشگاه حق، آرامش درون و دوری از وسوسه‌های اهریمنی، پرهیز از حرکت‌های زیاد، نگاه کردن به اطراف، گرفتن مچ دست چپ با کف دست راست، دقّت و تعمّق و اندیشه کردن در قرائت و تکبیر، رکوع با خضوع، سجود با خشوع، تسبیحات با قبول نهایت اعزاز و اکرام حق، تشهدّی با احساسِ حُضور در پیشگاه ذات باری و سلامی با نهایت بشّاشی و شادمانی از توفیق اجرای

---

۱. از الأدب في الدين و الاذكار.
۲. از الأدب في الدين والأذكار.

دستور حق سبحان و تداوم خوف تا این‌که از ریا دور مانده باشد و در تلاش بودن برای جلب رضای پروردگار در هر حال [به عبارت بهتر، حالت و خصوصیت اهل نماز و آشنایی با پروردگار را در کلیه‌ی شؤون زندگی حفظ کند و در همه امور زندگی باید بین فرد نمازخوان و کسی که این فریضه را ترک می‌کند تفاوت‌ها باشد].

ذوق باید تا دهد طاعت بَرْ　　　مغز باید تا دهد دانه شجر
دانه‌ی بی مغز کی گردد نهال　　　صورت بی‌جان نباشد جز خیال

«مثنوی مولوی، ۲»

آداب نماز جمعه

۱. آماده کردن خود برای پذیرایی و استقبال روز جمعه در طول هفته خصوصاً پس از نماز عصر پنج‌شنبه و تداوم بر دعای استغفار و تسبیحات و قرائت و احیای شب، در روز و شب هر جمعه.

۲. اقدام به غسل سنّت جمعه، آن حضرتﷺ فرمود: «مَنْ شَهِدَ الْجُمُعَةِ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ فَلْيَغْتَسِلْ»: «هر مرد و زنی در جمعه به غسل بپردازند». (منظور مسنون جمعه است و اگر نیازمند غسل واجب باشند نیّت سنّت را ضمیمه کنند).

۳. استفاده از لباس تزیین و عطر و آراستگی ظاهر بدن برای احترام این روز و ادای نماز جمعه.

۴. حضور هرچه زودتر در صف نمازگزاران نماز جمعه، حضرتﷺ فرمود:

«مَنْ رَاحَ إِلَى الْجُمُعَةِ فِي السَّاعَةِ الْأُولىٰ فَكَأَنَّمَا قَرَّبَ بَدَنَةً وَ مَنْ رَاحَ فِي السَّاعَةِ الثَّانِيَةِ فَكَأَنَّمَا قَرَّبَ بَقَرَةً وَ مَنْ رَاحَ فِي السَّاعَةِ الثَّالِثَةِ فَكَأَنَّمَا قَرَّبَ

كَبْشاً أَقْرَنَ وَ مَنْ راحَ فِي السّاعَةِ الرّابِعَةِ فَكَأَنَّما أَهْدىٰ دُجاجَةً وَ مَنْ راحَ فِي السّاعَةِ الْخامِسَةِ فَكَأَنَّما أَهْدىٰ بَيْضَةً فَإِذا خَرَجَ الْإِمامُ طُوِيَتِ الصُّحُفُ وَ رُفِعَتِ الْأَقْلامُ وَاجْتَمَعَتِ الْمَلائِكَةُ عِنْدَ الْمِنْبَرِ يَسْتَمِعُونَ الذِّكْرَ فَمَنْ جاءَ بَعْدَ ذٰلِكَ فَإِنَّما جاءَ لِحَقِّ الصَّلاةِ لَيْسَ لَهُ مِنَ الْفَضْلِ شَيْءٌ».[1]

«کسی که ساعت اول به جمعه برسد انگار شتری قربان کرده در ساعت دوم گاوی، در ساعت سوم گوسفندی، در ساعت چهارم مرغی و در ساعت پنجم تخم مرغی صدقه کرده است و چون که امام به منبر رفت، کاغذها و قلم‌ها به هم پیچیده شده فرشتگان به کنار منبر روند و به استماع خطبه بپردازند، و کسی که بعداً به جمعه بپیوندد فقط ادای نماز کرده و از فضیلت جمعه برخوردار نیست».

۵. اگر در صف اول ممکن شود بایستد و اگر نه در صف‌های بعد، دیگران را لگدمال نکند و از جلو نمازگزاران راه نرود، در حدیث آمده است، اگر چهل سال بایستد بهتر است از آنکه از جلو نمازخوانی بگذرد.

۶. چون خطیب به طرف منبر رود، از حرف زدن و نماز خواندن دوری کرده، گوش بدهد.

هرکس در وقت خطبه سخنی بگوید، به بیهودگی پرداخته و فضیلت نماز جمعه را از دست داده است.

کسی که هنگام خطبه وارد مسجد می‌شود می‌تواند دو رکعت نماز سنّت تحیة المسجد را به سرعت و خفیف ادا کند و بعد به استماع بپردازد.

۷. اگر پس از اتمام جمعه، قبل از هر سخنی، هفت بار سوره‌ی فاتحه و اخلاص بخواند تا جمعه‌ی بعدی از آفات و عذاب الهی در امان است.[2]

---

۱. متفقٌ علیه.

۲. احیاء.

۸. در روز جمعه توجه به مواعظ و دعا و نماز و صلوات و درود بر حضرت رسولﷺ و خواندن سوره‌ی کهف و در صورت امکان خیرات و صدقات، ارزش فوق‌العاده‌ای دارد.

آداب زکات

۱. زکات دهنده باید معتقد باشد، هرچه دارد در حقیقت از خدای متعال است و او نقش نگهبان و امانتدار او را دارد پس تصرف در مال خدا باید به دستور شریعت بوده، از امر زکات هراسی نداشته باشد.

ببخش مال و مترس از کمی که هر چه دهی
جزای آن به یکی ده ز دادگر یابی

«سلمان ساوجی»

۲. زکات مایه‌ی پاکی و وسیله‌ی رفع تنگ‌چشمی و بُخل است و عاملی برای شکرگزاری حق: ﴿لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ﴾:[1] «اگر سپاسگزاری کنید، (نعمت‌های خود را) برایتان افزایش می‌دهیم».

۳. تعجیل در پرداخت زکات و در وقت لازم، همراه با اظهار میل و شوق و اشتیاق از اطاعت امر خدا و شاد کردن خاطر نیازمندان.

به روزگار سلامت شکستگان دریاب
که جبر خاطر مسکین بلا بگرداند

«سعدی»

انتخاب وقت مناسب برای پرداخت زکات مثل ماه رمضان، محرم، ذی‌الحجه و البته شرایط زکات کاملاً باید محفوظ شود از آن جمله حول و گذشت سال و رسیدن وقت شرعی است.

---

۱. ابراهیم؛ ۷.

۴. ادای زکات به صورت مخفی و دور از انظار و جار و جنجال و از ریا و تظاهر به‌دور باشد، بهتر است.

۵. صدقه و احسان را با منّت گذاشتن و آزار مستحقین تباه نسازد، یادآوری مجدد و تکرار آن در حضور مستمندان و نکوهش کردن آنان به فقر و تنبلی و تکبر کردن و توبیخ و امثال آن‌ها مخالف نص قرآن است، بلکه باید بداند صدقه و پاداش آن، فرمان و خواست خداست «إِنَّ الصَّدَقَةَ تَقَعُ بِيَدِ اللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ قَبْلَ أَنْ تَقَعُ في يَدِ السّائِلِ»: «خدای تعالی قبل و بهتر از مستحق از آن باخبر است».

تو نیکی کن و در دجله انداز　　　　که ایزد در بیابانت دهد باز

«سعدی»

۶. مقدار و نوع صدقه را بزرگ و مهم نداند تا ایجاد نخوت و عُجب ننماید، اطاعت هرچه کوچک‌تر انگاشته شود و معصیت هرچه مهم‌تر در نظر آید، رضایت و خشنودی خدا را بیشتر جلب می‌کند.

گفته‌اند کار خیر، خوب و مفید نیست مگر با سه شرط: کوچک شمردن آن، تعجیل در اجرای آن و مخفی نمودن آن.

۷. انتخاب جنس بهتر در مورد زکات و صدقات که خداوند پاک است و پاکیزه را دوست دارد.

۸. در بین مستحقین، اهل تقوی و حق و عفت، مقدم‌ترند، خدای تعالی می‌فرماید: ﴿يَحْسَبَهُمْ الْجاهِلُ أَغْنِياءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيماهُمْ لا يَسْأَلُونَ النّاسَ إِلْحافاً﴾:[1] «هرکس ناآگاه باشد آنان را توانگر می‌انگارد، آنان را به سیمایشان می‌شناسی، از مردم به اصرار چیزی نمی‌خواهند».

---

۱. البقرة؛ ۲۷۳. [اگر در همه‌ی جوانب دستور شریعت اجرا شود، گداهای دوره‌گرد و سمج و گدانماها، مستحق شناخته نمی‌شوند و وظیفه‌ی اغنیاست که به دنبال آن‌ها بدوند و آنان را از فقر و تمسّک به انواع حیل باز دارند].

۹. در پرداخت زکات، به تمام و کمال پرداخت کردن شرط است و سهم هریک را در اولین فرصت مشخص و تعیین کرده به تدریج و در حدّ نیاز بین نیازمندان تقسیم کند.

آداب روزه

۱. دور داشتن تمام اعضا و جوارح از گناه، پرهیز از نظر نامحرم، هذیان و یاوه‌گویی و دروغ و غیبت و سخن‌چینی و هر امر حرام دیگر، توجه به تلاوت و ذکر، کناره‌گیری از غذاهای شبهه‌دار، برحذر بودن از هر نوع محذور و ناروا، شنیدنی، گفتنی، اجرا کردنی.

نه تنها روزه ترک آب و نان است — که ترک کار بد مقصود آن است
کسی را روزه می‌باشد مسلّم — که ترک بد کند چه بیش و چه کم
به عصیان روزه باش از هر گناهی — وگرنه نیستت بر روزه راهی

«سیدمحمّد علی حائری از معاصرین»

۲. دوری از پرخوری و خواب زیاد.

۳. در هر حال خصوصاً بعد از افطار بین خوف و رجا بماند [خوف از عدم قبول عملش و امید به عفو پروردگار].

۴. روزه‌دار بداند که روزه امانت خداوندی است، آن حضرتﷺ فرمود: «إِنَّ الصَّوْمَ أَمٰانَةٌ فَلْيَحْفَظْ أَحَدُكُمْ أَمٰانَتَهُ»: «روزه امانت است، پس هریک از شما امانت خود را نگاه دارد» و به دنبال آن این آیه را تلاوت نمودند: ﴿إِنَّ اللّٰهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمٰانٰاتِ إِلىٰ أَهْلِهٰا﴾:[1] «بی‌گمان خداوند امر می‌فرماید که امانات را نگهداری کنید تا به صاحبش برمی‌گردانید»، سپس دست مبارک

---

۱. النساء؛ ۵۸.

را بر سر و چشم گذاشته، متذکر شدند: گوش امانت است، چشم امانت است و آن‌ها از امانات روزه‌اند، از این‌روست که فرمود: کسی که روزه است بگوید من روزه‌ام یعنی زبان و جوارحم در امان الهی است چگونه بی‌پروا باشم: «فَلْيَقُلْ إِنّي صٰائِمٌ» یعنی «إِنّي أَوْدَعْتُ لِسٰاني لِأَحْفِظَهُ فَكَيْفَ أُطْلِقُهُ بِجَوٰابِكَ».[1]

آداب حج

۱. پول آن از راه حلال تأمین شده باشد. این سفر فقط به قصد و نیّت حج و عمره است نه تجارت و اهداف دیگر. حضرت رسولﷺ فرمودند: «إِذٰا كٰانَ آخِرُ الزَّمٰانِ خَرَجَ النّٰاسُ إِلَى الْحَجِّ أَرْبَعَةَ أَصْنٰافٍ: سَلاٰطِينُهُمْ لِلنُّزْهَةِ وَ أَغْنِيٰاءُهُمْ لِلتِّجٰارَةِ وَ فُقَرٰاءُهُمْ لِلْمَسأَلَةِ وَ قُرّٰاءَهُمْ لِلْسُمْعَةِ»:[2] «چون آخرت نزدیک شود، چهار گروه به حج می‌روند، پادشاهان جهت تفریح، ثروتمندان به خاطر تجارت، نیازمندان برای گدایی و قاریان قرآن به منظور شهرت‌طلبی».

۲. وسایل لازم را در حدّ نیاز و بدون خسّت و اسراف تهیه و با خود بردارد، از محضر پیامبرﷺ سؤال شد حجّ مبرور کدام است؟ فرمود: زبان خوش (خوش‌رفتاری)، و اطعام دیگران (بخشش به اندازه).

۳. پرهیز از بدگویی و فسق و تباهکاری و جدال و ستیزه‌جویی و دروغ و مکر و دیگر محرّمات.

آداب عروسی

اصل اول ازدواج، عقد است و آن ایجاب و قبول و اجازه‌ی ولی و رضایت زن و دو شاهد عادل است. در مورد کسی که ولی شرعی نداشته باشد، از ولایت عام استفاده می‌شود. اجبار و وادارکردن زن روا نیست.

---

۱. از احیاء.
۲. از احیاء.

از جمله آداب عروسی، اقدام به خواستگاری و کسب اجازه از ولی زن. تأخیر انداختن مراسم تا پایان دوره‌ی عادت ماهانه‌ی زن. حمد و ثنای پروردگار و صلوات بر حضرت رسولﷺ و استدعای خیر و صلاح و دوستی طرفین. قبل از اجرای صیغه‌ی عقد، تعیین و نام بردن کابین مَهْر بدون ایجاد تکلف و دعویٰ و رنج و سختی برای طرفین. رؤیت زن به وسیله‌ی شوهر قبل از عقد نیز از سنت‌هاست. حضور افرادی شایسته و صالح غیر از شاهدان در مجلس عقد. نیّت خیر و سعادت و اجرای امر خدا و رسول و اقامه‌ی سنّت نبوی و حصول آرامش خاطر و عفّت برای دو طرف. در صورت امکان برپا شدن مجلس عقد در مساجد و ماه شوال. ضیافت مناسب «ولیمه» با شرایط مشروع از سنّت‌های دیگر این امر مهم و شرعی است. هر یک از زن و شوهر باید در ادای حقوق طرفین و حصول رضایت همدیگر کوشا باشند تا کانونی پر از خوش‌بختی و ایمان و آسودگی خاطر و خدا پسندانه فراهم نمایند.[۱]

آداب تجارت و معامله

خدای تعالی می‌فرماید: ﴿وَ أَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ﴾:[۲] «همان طور خدا به تو نیکی کرده تو نیز نیکو روش باش»، ﴿وَ إِنَّ رَحْمَةَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ﴾:[۳] «رحمت خداوندی شامل نیکوکاران است».

شخص مسلمان باید در معامله و داد و ستد، قانون شریعت و رسم خدا پسندانه را معمول دارد. دیگران را مغبون و متّضرر نکند، نرخ‌ها را بیش از حد لزوم و انصاف بالا نبرد. فریب‌کاری و دغل و کم‌فروشی روا ندارد. در انجام حقوق دیگران و ادای قرض و نرخ گذشت و سماحَت داشته باشد. به

---

۱. مطالب فوق بیشتر از کتاب «زواجك أيها المسلم» از نویسنده است.
۲. القصص؛ ۷۷.
۳. النحل؛ ۹.

کسانی که نیاز دارند و کم درآمدند، با وام دادن به آن‌ها و آسان‌گیری در حق بندگان خدا، رحمت خداوندی را شامل حال خود گرداند. حضرت رسولﷺ فرمود: «رَحِمَ اللّٰهُ امْرَأً سَهْلَ الشِّرٰاءِ سَهْلَ الْقَضٰاءِ سَهْلَ الْإِقْتِضٰاءِ»: خدا بیامرزد آن کس را که در معامله، در دادن قرض و در گرفتن وام خود، آسان‌گیر است». در روایت دیگر آمده است، آن حضرتﷺ فرمود: از حال و احوال شخص اسرافکاری تحقیق کردند، هیچ گونه امر حسنه‌ای یافته نشد، به او گفتند: تو هرگز به عمل خیری مبادرت نکرده‌ای؟ گفت: نه مگر این‌که وقتی به اشخاصی نیازمند قرض می‌دادم و در مطالبه آن به مأمورانم دستور داده بودم به داراها مساعدت کنند و به نیازمندان رحم و عطوفت داشته باشند و آن‌ها را مورد گذشت قرار دهند، خدای تعالی فرمود: «نَحْنُ أَحَقُّ بِذٰلِكَ مِنْكَ»: «من از این کار به او شایسته‌ترم». خداوند او را مورد عفو و مرحمت خود قرار داد و فرمود من که از این‌ها شایسته‌ترم.

همان طور نیز کسی که وامی می‌گیرد، به موقع برگرداند و صاحب دَین را مجبور به دویدن به دنبالش نسازد. حضرتﷺ فرمود: «خَيْرُكُمْ أَحْسَنُكُمْ قَضٰاءً»: «بهترین شما کسانی هستند که در پس دادن قرض، دُشواری ایجاد نکنند». اگر خریدار پشیمان شد، برای برگرداندن جنس از طرف فروشنده تسهیل به عمل آید. حضرتﷺ فرمود: «مَنْ أَقٰالَ نٰادِماً صَفْقَتَهُ أَقٰالَ اللّٰهُ عُشْرَتَهُ يَوْمَ الْقِيٰامَةِ»: «کسی که از روی پشیمانی معامله‌اش را به هم زد، عذر او را بپذیرد، خدا او را می‌بخشاید». تجارت و داد و ستد و معامله، وسیله و امتحانی است برای شناخت شخصیت و مقام فرد، و مایه‌ی کرامت و نیکی و خلق و خوی طرفین معامله، از این‌رو گفته‌اند: اگر تعریف شخصی را از همسایه‌ها شنیدی و همسفرانش او را به نیکی ستودند و کسانی که با او داد و

ستد داشته‌اند، وی را انسانی خوب معرّفی کردند، در صالح بودن و شایستگی آن شخص تردیدی نداشته باش.

شخصی نزد حضرت عمر بن خطاب رضی الله عنه آمده بود و در مسأله‌ای به شاهدی نیاز داشت، مردی را حاضر کرد که مردم او را به خوبی یاد می‌کردند. حضرت عمر رضی الله عنه فرمود: تو همسایه‌ی نزدیک او بوده‌ای که چگونگی رفتار او را بدانی عرض کرد: خیر، فرمود: در سفرها رفیقش بوده‌ای که مکارم اخلاقش را بشناسی؟ عرض کرد: خیر، فرمود با او طرف معامله بوده‌ای که تقوایش را ببینی؟ عرض کرد: خیر، فرمود: فکر می‌کنم او را در مسجد دیده باشی که مشغول نماز و خواندن قرآن بوده و سرش را به این طرف گردانده. عرض کرد: آری چنین است، حضرت عمر رضی الله عنه فرمود: برو، تو، واقعاً او را نمی‌شناسی، یکی دیگر را بیاورید که او را به‌حق بشناسد و گواهی دهد.[۱]

آداب زمان بیماری

بیمار در هر حال با اندیشه‌ی این‌که مرگ، امر حتمی الوقوع است، با توبه و شکر و ستایش حق، در حالت دعا و انابه و اظهار تسلیم در پیشگاه ذات ذوالجلال، و پیشه کردن توکّل، از مداوای لازم و مراجعه به پزشک با استعانت پروردگار، غافل نگردد و چون سلامتی را باز یافت، از سپاس به درگاه ایزد منّان باز نماند، از گلایه و شکایت و نشان دادن عجز و درماندگی و دوری از راهنمایی‌های دلسوزانه‌ی اطرافیان و یأس از رحمت الهی بپرهیزد و همواره راضی به رضای پروردگار باشد.[۲]

۱. از احیاء. ۲. الأدب فی الدین.

پایان مقال در آداب اجتماعی

هنگام عبور و مرور مؤدّب باش، مسیر خودت را از نظر دور مدار، در گذرگاه‌ها منشین و سدّ معبر تکن، در انظار این و آن به اعمال ناپسند روی میاور، پیش کسان، دندان خلال منمای، به در هم بردن انگشتان[1] و ابراز حالت خستگی و دردمندی مپرداز، از هر چه مایه‌ی هتک حرمت و کمی وقار و احترام است بپرهیز، درست و آرام و شمرده سخن گوی، به بیان دلنشین و خوب و مفید دیگران توجه کن، در میان صحبت این و آن، شگفتی و زبونی و حقارت ابراز مدار، از تکرار عمل بی‌مورد دور باش، قصّه‌های سخیف و نابه‌خردانه مگوی، در هر کاری حتّی در استعمال مواد آرایشی، رنگ مو و لباس، روش میانه برگزین، در میان جمع، به نجوا و اشاره مپرداز، چون به پیش بزرگان رسی از مقام و توانمندی آنان بیندیش، هیچگاه و در هیچ کاری، جانب احتیاط را از دست مده، مالت را از آبرویت عزیزتر مدان، از آن‌چه موجب آزار دیگران است، از عادات و رسوم ناروا که مخالف با آداب درست و مشروع اجتماعی است، برحذر باش، حال و احوال و تجارب اندیشمندان را از نظر دور مدار، به آداب و سخنان آنان بی‌احترامی نکن، با نادانان ملاف تا بر تو چیره نشوند، از مزاح و شوخی بی‌مزه به‌دور باش تا عیب‌های تو آشکار نگردد، همواره بکوش که در نظر خلق خوار و از لطف خالق محروم نگردی.

به اَخلاق با هر که بینی بساز — اگر زیر دست است اگر سر فراز
به شیرین زبانی توان بُرد گوی — که پیوسته تلخی بَرَد تند خوی

---

۱. انگشت شکاندن.

مکن خواجه بر خویشتن کار سخت | که بد خوی باشد نگونسار بـخت

«سعدی»

به مردم بیامیز اگـر مـردمی | که با آدمی خوگر است آدمی

«   »

به هر کار فرمان مکن جز به داد | که از داد بـاشد روان تـو شـاد
جز از داد و خوبی مکن در جهان | چه در آشکار چـه انـدر نـهان

«فردوسی»

راســتی جـوی در هـمه احـوال | هم به افعال خویش و هـم اقـوال
غمز و غیبت ز ناکسی و خسی است | افــترا و دروغ بــد نَــفَسی است

«   »

ببخشای بر عذر خواهنده مرد | اگر چند گفت او سخنهای سرد

«عجدوانی»

بدی را بدی سهل باشد جـزا | اگر مردی اَحْسِن الی مَنْ اَسا

«سعدی»

خطای بندگان بـاید بـه هـر حـال | کـه تـا پیدا شـود عـفو بـزرگان
کسی نیک بـیند بـه هـر دو سـرای | که نیکی رسـاند بـه خـلق خـدای
خدا را بر آن بـنده بـخشایش است | که خلق از وجودش در آسایش است

«سعدی»

همی نیکویی ماند و مردمی | جوانمردی و خوبی و خرمی

«فردوسی»

کسی که نکو نام مـیرد هـمی | ز مرگش تأسّف خورد عالمی

«اسدی»

[مؤلف بزرگوار گوید]:

از خداوند تعالی، توفیق و محکم کاری، هدایت و اصلاح، رستگاری و فلاح می‌طلبیم که او پذیرنده و برآورنده‌ی درخواست‌هاست و درود و سلام فراوان بر حضرت رسولﷺ و آل و اصحاب او باد.

روز دوشنبه ۱۹۹۸/۱۲/۱۹ میلادی *برابر با* ۱۱ جمادی‌الأولی ۱۴۰۹ هجری.

والحمد للّه ربّ العالمین

تاریخ پایان ترجمه: ۱۳۷۶/۱/۱۵

سیف‌الله مدرّس گرجی